

کتاب مزامیر

خوشباجال خدا ترسان

خوشباجال کسیکه به مشورت شریران نرود و به راه نگاهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر میکند. ۳ پس مثل درختی نشانده نزد نه‌های آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش میدهد، و برگش پشمرده نمی‌گردد و هر آنچه میکند نیک انجام خواهد بود. شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده میکند. ۵ لهذا شریران درد او را نخواهند ایستاد و نه نگاهکاران در جماعت عادلان. ۶ زیرا خداوند طریق عادلان را میداند، ولی طریق نگاهکاران هلاک خواهد شد.

اراده خدا و فکری باطل انسانی

چرا امته‌اشورش نمود هاند و طوائف در باطل تفکر میکنند؟ پادشاهان زمین برمی‌خیزند و سروران باهم مشورت نمود هاند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛

که بنده‌های ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود ببندیم. ۴ او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا میکند. ۵ آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت.

«من پادشاه خود را نصب کرده‌ام، بر کوه مقدس خود صهیون.» فرمان را اعلام میکنم: خداوند به من گفته است: «پسر من هستی امر و زورت را تولید کردم. ۸ ازن من درخواست کن و امت‌ها را به میراث تو خواهم داد. و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید.

۹ ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه کوزه‌گر آنها را خرد خواهی نمود.»

والانای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! خداوند را با ترس عبادت کنید و بالرزشادی نمایید!

پسر را بوسید مبادا غضبناک شود، و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی آفرورخته میشود. خوشبالحال همه آنانی که بر او توکل دارند.

یاری از سوی خداوند

مز مورد او دوقتی که از پسر خود ابشالوم فرار کرد ای خداوند دشمنانم چه بسیار شده‌اند. بسیاری به ضد من برمی‌خیزند. ۲ بسیاری برای جان من میگویند: «جهت او در خدا خلاصی نیست.» سلاه. لیکن تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرازنده سر من. ۴ به آواز خود نزد خداوند میخوانم و مرا از کوه مقدس خود اجابت مینماید. سلاه. و اما من خسیسیده، به خواب رفته و بیدار شدم زیرا خداوند مرا تقویت میدهد. ۶ از کورهای مخلوق نخواهم ترسید که گرداگرد من صف بستند. ای خداوند، برخیز! ای خدای من، مرا برهان! زیرا بر رخسار همه دشمنانم زدی، دندانهای شریان را شکستی. ۸ نجات از آن خداوند است و برکت تو بر قوم تو مییابد. سلاه.

طلب کمک در تنگی

برای سالار مغنیان بر ذوات او تار. مز مورد او د ای خدای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما. در تنگی مرا وسعت دادی. بر من کرم فرموده، دعای مرا بشنو. ۲ ای فرزندان انسان تا به کی جلال من عار خواهد بود، و بطالت را دوست داشته، دروغ را خواهید طلبید؟ سلاه اما بدانید که خداوند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خداوند خواهد شنید. خشم گیرید و نگاه مورزید. درد لها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. سلاه قربانی‌های عدالت را بگذرانید و بر خداوند توکل نمائید. بسیاری میگویند: «یست که به ما احسان نماید؟» ای خداوند نور چهره خویش را بر ما برافراز.

۷ شادمانی در دل من پدید آورده‌ای، بیشتر از وقتی که غله و شیره ایشان افزون گردید. بسلا متی میخسبم و به خواب هم میروم زیرا که توفیق‌ای خداوند مراد راطمینان ساکن میسازی.

درخواست هدایت به راه راست

برای سالار مغنیان بر ذوات نفعه. مز مورد او د

ای خداوند، به سخنان من گوش بده! در تفکر من تأمل فرما!

ای پادشاه و خدای من، به آواز فریادم توجه کن زیرا که نزد تو دعای کم.

۳ ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید؛ بامدادان عای خود را (نزد تو آراسته می‌کنم و انتظار می‌کشم.

۴ زیرا تو خدایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و نگاه‌کار نزد تو ساکن نخواهد شد.

۵ متکبران در نظر تو نخوانند ایستاد. از همه بطلت کنندگان نفرت می‌کنی.

۶ دروغ‌گویان را هلاک خواهی ساخت. خداوند شخص خونی و حیل‌ه‌گرا مکروه میدارد.

و اما من از کثرت رحمت توبه خانه‌ات داخل خواهم شد، و از ترس تو بسوی هیکل قدس تو عبادت خواهم نمود.

۸ ای خداوند، بسبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان.

زیرا در زبان ایشان راستی نیست؛ باطن ایشان محض شرارت است؛ گوی ایشان قبر گشاده است و زبانهای خود را جلا میدهند.

۱۰ ای خدا، ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای ایشان، ایشان را دور انداز زیرا که بر توفتنه کرده‌اند،

و همه متوکلان شادی خواهند کرد و تا به ابد ترنم خواهند نمود. زیرا که ملجاء ایشان تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست میدارند در تو وجود خواهند نمود.

۱۲ زیرا تو ای خداوند مرد عادل را برکت خواهی داد، و او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود.

دعابه هنگام پریشانی

برای سالار مغنیان برذوات اوتار بر ثمانی. مز مورد او د
 ای خداوند، مراد در غضب خود تو بیخ منما. و مراد در خشم خویش تادیب مکن!
 ای خداوند، بر من کرم فرما زیرا که پر مردهام! ای خداوند، مر اشفاده زیرا که استخوانهایم
 مضطرب است،
 و جان من بشدت پریشان است. پس تو ای خداوند، تابه کی؟
 ای خداوند، رجوع کن و جانم را خلاصی ده! به رحمت خویش مرا نجات بخش!
 زیرا که در موت ذکر تو نمی باشد! درهاویه کیست که تو را حمد گوید؟
 از ناله خود و اماندهام! تمامی شب تحت خواب خود را غرق می کنم، و بستر خویش را
 به اشکها تر می سازم!
 چشم من از غصه کاهیده شد و بسبب همه دشمنانم تارگر دید.
 ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است!
 خداوند استغاثه مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود.
 ۱۰ همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد. رو برگردانیده، ناگهان خجل
 خواهند گردید.

دعای اجرای عدالت

سرود دادود که آن را برای خداوند سرایید به سبب سخنان کوش بنیامینی
 ای یهوه خدای من، در تو پناه می برم. از همه تعاقب کنندگانم مرا نجات ده و برهان.
 ۲ مباد او مثل شیر جان مرا ببرد، و خرد سازد و نجات دهی نباشد.
 ۳ ای یهوه خدای من اگر این را کردم و اگر در دست من ظلمی پیدا شد،
 اگر به خیر اندیش خود بدی کردم و بیسبب دشمن خود را تاراج نمودم،
 پس دشمنانم را تعاقب کند، و آن را گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند،
 و جلالم را در خاک ساکن سازد. سلاه.

ای خداوند در غضب خود بر خیز، به سبب قهر دشمنانم بلند شو و برای من بیدار شو! ای که داوری را امر فرموده‌ای!

و مجمع امت‌ها گرداگرد تو بیایند. و بر فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما. خداوند امت‌ها را داوری خواهد نمود. ای خداوند، موافق عدالت و کمالی که در من است مراد داده!

بدی شیران نابود شود و عادل را پایدار کن زیرا امتحان کننده دلها و قلوب، خدای عادل است.

۱۰ سپر من بر خدا می‌باشد که راست دلان را نجات دهنده است.

۱۱ خدا دادور عادل است و هر روزه خدا دشمنانک می‌شود.

۱۲ اگر بازگشت نکند شمشیر خود را تیز خواهد کرد، کمان خود را کشیده و آماده کرده است.

۱۳ و برای او آلات موت را می‌ساخته و تیرهای خویش را شعله‌ور گردانیده است.

۱۴ اینک به بطالت آبتن شده، و به ظلم حمله گردیده، دروغ را زاید کرده است.

۱۵ حفرهای کندو آن را گود نمود، و در چاهی که ساخت خود پیفتاد.

۱۶ ظلم او بر سرش خواهد برگشت و ستم او بر فرقه‌اش فرو خواهد آمد.

۱۷ خداوند را بر حسب عدالتش حمد خواهیم گفت. و اسم خداوند تعالی را تسبیح خواهیم خواند.

چه مجید است نام تو

برای سالار مغنیان بر جتیت. مز مورد او

ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده‌ای!

از زبان کودکان و شیرخوارگان به سبب خصمانت قوت را بنانهادی تا دشمنان انتقام گیرنده را ساکت گردانی.

۳ چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشتهای تو ست، و به ماه و ستارگانی که تو آفریده‌ای،

پس انسان چیست که او را به یاد آوری، و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟

اورا از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی.
 ۶ اورا بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی،
 گوسفندان و گاوان جمیع، و بهایم صحرا را نیز؛
 مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راههای آبها سیر میکنند.
 ۹ ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین!

داوری عادل خدا

برای سالار مغنیان بر موت لبین. مز مورد اود
 خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت؛ جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد.
 ۲ در توشادی و وجد خواهم نمود؛ نام تو را ای متعال خواهم سراپید.
 ۳ چون دشمنانم به عقب باز گردند، آنگاه لغزیده، از حضور تو هلاک خواهند شد.
 ۴ زیرا انصاف و داوری من کردی. داور عادل بر مسند نشستهای.
 ۵ امتهار تو بیخ نمودهای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کردهای تا ابد الاباد.
 و اما دشمنان نیست شده خرابه های ابدی گردید هاند. و شهرها و ایران ساختهای،
 حتی ذکر آنها نابود گردید.
 ۷ لیکن خداوند نشسته است تا ابد الاباد، و تخت خویش را برای داوری بر پا داشته
 است.
 ۸ و اربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و امتهار را به راستی داد خواهد داد.
 ۹ و خداوند قلعه بلند برای کوفته شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمانهای تنگی.
 ۱۰ و آنانی که نام تو را میشناسند بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خداوند تو طالبان
 خود را هرگز ترک نکردهای.
 خداوند را که بر صهیون نشست است بسراپید؛ کارهای او را در میان قومها اعلان نماید،
 زیرا او که انتقام گیرنده خون است، ایشان را به یاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش
 نکرده است.
 ای خداوند بر من کرم فرموده، به ظلمی که از خصمان خود میکشم نظرا فکن! ای که
 برافرازنده من از درهای موت هستی!

تا همه تسبیحات تو رایان کم در دروازه های دختر صهیون. در نجات تو شادی خواهیم نمود.

امتها به چاهی که کنده بودند خود افتادند؛ در دمی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد.
۱۶ خداوند خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شیراز کار دست خود به دام گرفتار گردیده است. هجایون سلاه.

۱۷ شیران به هاویه خواهند برگشت و جمیع امت هایی که خدا را فراموش میکنند، زیرا مسکین همیشه فراموش نخواهد شد؛ امید حلیمان تا به ابد ضایع نخواهد بود. بر خیزای خداوند تا انسان غالب نیاید. برامتها به حضور تو داوری خواهد شد.
۲۰ ای خداوند ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا امتهان بدانند که انسانند. سلاه.

دعای اجرای عدالت

ای خداوند چرا دور ایستادهای و خود را در وقت های تنگی پنهان میکنی؟ از تکبر شیران، فقیر سوخته میشود؛ در مشورت هایی که اندیشید هاند، گرفتار میشوند.
۳ زیرا که شیریه شهوات نفس خود نخر میکند، و آنکه میر باید شکر میگوید و خداوند را اهانت میکند.

شیر در غرور خود میگوید: «از خواست نخواهد کرد.» همه فکرهای او اینست که خدایی نیست.

۵ راههای او همیشه استوار است. احکام تو از او بلند و بعید است. همه دشمنان خود را به هیچ می شمارد.

۶ در دل خود گفته است: «رگز جنبش نخواهم خورد، و دوره دور بدی را نخواهم دید.»

دهن او از لعنت و مکرو ظلم پر است؛ زیر زبانش مشقت و نگاه است؛

در کینه های دهات مینشیند؛ در جای های مخفی بیگانه را میکشد؛ چشمانش برای مسکینان مراقب است؛

در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین میکند؛ به جهت گرفتن مسکین کمین میکند؛ فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار میسازد.

- ۱۰ پس کوفته وزبون میشود؛ و مساکین در زیر جباران او می افتند.
- ۱۱ در دل خود گفت: «دافراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید.»
- ای خداوند بر خیز! ای خدا دست خود را برافراز! و مسکینان را فراموش مکن.
- ۱۳ چرا شریخدار اهانت کرده، در دل خود میگوید: «و باز خواست نخواهی کرد؟» البته دیدهای زیرا که تو بر مشقت و غم مینگری، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است. مددکار یتیمان، توهستی.
- ۱۵ بازوی نگاهکار را بشکن. و اما شریخ را از شرارت او بازخواست کن تا آن را نیابی.
- خداوند پادشاه است تا ابد الابد. امتها از زمین او هلاک خواهند شد.
- ۱۷ ای خداوند مسالت مسکینان را اجابت کردهای، دل ایشان را استوار نمودهای و گوش خود را فرا گرفتهای، تا یتیمان و کوفته شدگان را ددرسی کنی. انسانی که از زمین است، دیگر نترساند.

توکل به عدالت خداوند

- برای سالار مغنیان. مز مورد اود
- بر خداوند توکل میدارم. چرا به جانم می گویند: «ثل مرغ به کوه خود بگریزید.
- ۲ زیرا اینک شریخان کمان را میکشند و تیر را به زه نهادند، تا بر راست دلان در تاریکی بیندازند.
- ۳ زیرا که ارکان منهدم میشوند و مرد عادل چه کند؟»
- خداوند در هیکل قدس خود است و کرسی خداوند در آسمان. چشمان او مینگرد، بلکهای وی بنی ادم را میآزماید.
- ۵ خداوند مرد عادل را امتحان میکند؛ و اما از شریر و ظلم دوست، جان او نفرت میدارد.
- ۶ بر شریخدارها و آتش و کبریت خواهد بارانید، و یاد سموم حصه پیااله ایشان خواهد بود.
- ۷ زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست میدارد، و راستان روی او را خواهند دید.

دعا برای نجات و حفاظت

برای سالار مغنیان بر ثمانی. مز مورد اود

ای خداوند نجات بده زیرا که مردم مقدس نابود شده است و اماناء از میان بنی آدم نایاب گردید هاند!

همه به یکدیگر دروغ میگویند؛ به لبهای چاپلوس و دل منافق سخن میرانند.
 ۳ خداوند همه لبهای چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبرآمیز بگوید.

۴ که میگویند: «زبان خویش غالب می‌آیم. لبهای ما با ما است. کیست که بر ما خداوند نباشد؟»

خداوند میگوید: «هسبب غارت مسکینان و ناله فقیران، الان برمی‌خیزم و او را در نجاتی که برای آن‌آه میکشد برپا خواهم داشت.»

کلام خداوند کلام طاهر است، نقره مصفای درقال زمین که هفت مرتبه پاک شده است.
 توابی خداوند ایشان را محافظت خواهی نمود؛ از این طبقه و تا ابد الاباد محافظت خواهی فرمود.

۸ شیران به هر جانب میخرازند، وقتی که خباثت در بنی آدم بلند میشود.

دعای مدد الهی

برای سالار مغنیان. مز مورد اود

ای خداوند تابه کی همیشه مرا فراموش میکنی؟ تابه کی روی خود را از من خواهی پوشید؟
 تابه کی در نفس خود مشورت بکنم و در دلم هر روزه غم خواهد بود؟ تابه کی دشمنم بر من سرفراشته شود؟

ای یهوه خدای من نظر کرده، مرا مستجاب فرما! چشماتم را روشن کن مبادا به خواب موت بچسبم.

۴ مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم و مخالفانم از پریشان‌نیم شادی نمایند.
 و اما من به رحمت تو توکل میدارم؛ دل من در نجات تو شادی خواهد کرد.
 ۶ برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا که به من احسان نموده است.

تفکر افراد فاسد

برای سالار مغنیان. مز مورد اود

احق در دل خود میگوید که خدایی نیست. کارهای خود را فاسد و مکروه ساختند و نیکوکاری نیست.

۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهم و طالب خدایی هست؟ همه روگردانیده، باهم فاسد شده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی.

آیا همه گناهکاران بی‌عرفت هستند که قوم مرا می‌خورند چنانکه نان می‌خورند؟ و خداوند را نمی‌خوانند؟

آنکه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خدا در طبقه عادلان است.

۶ مشورت مسکین را خجل می‌سازد چونکه خداوند ملجای اوست.

کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد! چون خداوند اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادمان خواهد گردید.

فرود آمدن در خیمه خداوند

مز مورد اود

ای خداوند کیست که در خیمه توفرو دآید؟ و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد؟

آنکه بی‌عیب سالک باشد و عدالت را بهجا آورد، و در دل خویش راست گو باشد،

که به زبان خود غیبت ننماید؛ و به همسایه خود بدی نکند و در باره اقارب خویش مذمت را قبول ننماید،

که در نظر خود حقیر و خوار است و آنانی را که از خداوند می‌ترسند مکرم میدارد و قسم به ضرر خود می‌خورد و تغییر نمی‌دهد.

۵ نقره خود را به سود نمی‌دهد و رشوه بر بیگانه نمی‌گیرد.

آنکه این را بهجا آورد تا ابد الابد جنبش نخواهد خورد.

اطمینان در خداوند

مکتوم داود

ای خدا مرا محافظت فرما، زیرا بر تو توکل میدارم.

۲ خداوند را گفتم: «و خداوند من هستی. نیکویی من نیست غیر از تو.»

و اما مقدسانی که در زمینانند و فاضلان، تمامی خوشی من در ایشان است.

- ۴ دردهای آنانی که عقب‌دای (دیگر می‌شتابند، بسیار خواهد شد. هدایای خونیشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد. خداوند نصیب قسمت و کاسه من است. تفرقه مرا نگاه میداری.
- ۶ خطه‌های من به جای پای خوش افتاد. میراث‌بهی به من رسیده است.
- ۷ خداوند را که مرا نصیحت نمود، متبارک میخوانم. شبانگاه نیز قلم مرا تنبیه میکند.
- خداوند را همیشه پیش روی خود میدارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد.
- ۹ از اینرو دل شادی میکند و جلا لم به وجد می‌آید؛ جسمم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد.
- ۱۰ زیرا جانم را در عالم آموخت ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببند.
- ۱۱ طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تولدتها تا ابد الابد!

دعای مرد عادل

صلوات داود

- ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما! و دعای مرا که از لب پیر یا می‌آید، گوش بگیر!
- داد من از حضور تو صادر شود؛ چشمان تو راستی را ببیند.
- ۳ دل مرا آزمودهای، شبانگاه از آن تفقد کرده‌ای. مرا قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته‌ای، زیرا عزیمت کردم که زبانم تجاوز نکند.
- ۴ و اما کارهای آدمیان به کلام لبهای تو؛ خود را از راههای ظالم نگاه داشتم. قدم‌هایم به آثار تو قائم است؛ پس پای‌هایم نخواهد لغزید.
- ای خدا تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود. گوش خود را به من فراگیر و سخن مرا بشنو.
- ۷ رحمت‌های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به دست راست خود از مخالفان ایشان میرهانی.

- ۸ مرامل مردمک چشم نگاه دار؛ مرا زیر سایه بال خود پنهان کن،
از روی شیرانی که مرا خراب میسازند، از دشمنان جانم که مرا احاطه میکنند.
- ۱۰ دل فربه خود را بستانند. به زبان خویش سخنان تکبر آمیزی گویند.
- ۱۱ الان قدمهای ما را احاطه کرده اند، و چشمان خود را دوخته اند تا ما را به زمین بیندازند.
- ۱۲ مثل او مثل شیر است که در دریدن حریص باشد، و مثل شیر ژیان که در پیشه خود در کین است.
- ای خداوند بر خیز و پیش روی وی در آمده، او را بینداز و جانم را از شیریه شمشیر خود
برهان،
از آدمیان، ای خداوند، به دست خویش، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی
است. که شکم ایشان را به ذخیره خود پر ساخته ای و از اولاد سیر شده، زیادی مال
خود را برای اطفال خویش ترک میکنند.
- و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید و چون بیدار شوم از صورت تو سیر خواهم شد.

خداوند، قلعه بلند

- برای سالار مغنیان، مز مورد او دبنده خداوند که کلام این سرود را به خداوند گفت،
در روزی که خداوند او را از دست همه دشمنانش و از دست شاول رهایی داد. پس
گفت:
ای خداوند! ای قوت من! تو را محبت می نمایم.
- ۲ خداوند صخره من است و ملجا و نجات دهنده من. خدایم صخره من است که در او
پناه میبرم. سپر من و شاخ نجاتم و قلعه بلند من.
- ۳ خداوند را که سزاوار کل حمد است، خواهم خواند. پس، از دشمنانم رهایی
خواهم یافت.
- رسنهای موت مرا احاطه کرده، و سیلابهای شرارت مرا ترسانیده بود.
- ۵ رسنهای گوردور مرا گرفته بود و دامهای موت پیش روی من در آمده.
- ۶ در تنگی خود خداوند را خواندم و زرد خدای خویش استغاثه نمودم. او آواز مرا
از هیکل خود شنید و استغاثه من به حضورش به گوش وی رسید.

زمین متزلزل و مرتعش شده، اساس کوهها بلرزد و متزلزل گردید چونکه خشم او فروخته شد.

۸ دخان از بینی او برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت و آتشفشان آن فروخته گردید.

۹ آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ میبود.

۱۰ بر کروی سوار شده، پرواز نمود و پربالهای باد طیران کرد.

۱۱ تاریکی را پرده خود و خیمهای گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آبها و ابرهای متراکم را.

۱۲ از تابش پیش روی او ابرهایش میشتافتند، تگرگ و آتشفشانهای فروخته.

۱۳ و خداوند از آسمان رعد کرده، حضرت اعلیٰ آواز خود را بداد، تگرگ و آتشفشانهای فروخته را.

۱۴ پس تیرهای خود را فرستاده، ایشان را پراکنده ساخت، و بر قها بینداخت و ایشان را پیریشان نمود.

۱۵ آنگاه عمقهای آب ظاهر شد و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه توای خداوند، از نفخه باد بینی تو!

پس، از اعلیٰ فرستاده، مرا برگرفت و از آبهای بسیار بیرون کشید.

۱۷ و مرا از دشمنان زور آورم رهایی داد و از خصمانم، زیرا که از من توانا تر بودند.

۱۸ در روز بلای من پیش رویم درآمدند، لیکن خداوند تکیه گاه من بود.

۱۹ و مرا بجای وسیع بیرون آورد، مرا نجات داد زیرا که در من رغبت میداشت.

خداوند موافق عدالتم مرا جزا داد و به حسب طهارت دستم مرا مکافات رسانید.

۲۱ زیرا که راههای خداوند را نگاه داشته، و به خدای خویش عصیان نورزید هام،

و جمیع احکام او پیش روی من بوده است و فرائض او را از خود دور نکرد هام،

و نزد او یعیب بود هام و خویشتن را از نگاه خود نگاه داشتم.

۲۴ پس خداوند مرا موافق عدالتم پاداش داده است و به حسب طهارت دستم در نظر وی.

۲۵ خویشتن را بار حیم، رحیم مینمایی، و با مرد کامل، خود را کامل مینمایی.

۲۶ خویشتن را با طاهر، طاهر می نمایی و با مکار، به مکر رفتار میکنی.

- ۲۷ زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت.
- ۲۸ زیرا که تو چراغ مرا خواهی افروخت؛ یهوه خدایم تاریکی مرا روشن خواهد گردانید.
- ۲۹ زیرا به مدد تو بر فوجها حمله میبرم و به خدای خود از حصارها برمی جهم.
- ۳۰ و اما خدا طریق او کامل است و کلام خداوند مصفی. او برای همه متوکلان خود سپر است،
- زیرا کیست خدا غیر از یهوه؟ و کیست صخرهای غیر از خدای ما؟
- خدایی که کمر را به قوت بسته و راههای مرا کامل گردانیده است.
- ۳۳ پایهای مرا مثل آهوساخته و مرا به مقامهای اعلائی من برپا داشته است.
- ۳۴ دستهای مرا برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازوی من خم شد.
- ۳۵ سپر نجات خود را به من دادهای. دست راستت عمود من شده و مهربانی تو مرا بزرگ ساخته است.
- ۳۶ قدمهایم را زیرم وسعت دادی که پایهای من نلغزید.
- ۳۷ دشمنان خود را تعاقب نموده، بدیشان خواهم رسید و تاتلف نشوند بر نخواهم گشت.
- ۳۸ ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست و زیر پایهای من خواهند افتاد.
- ۳۹ زیرا کمر مرا برای جنگ به قوت بستهای و مخالفانم را زیر پایم انداختهای.
- ۴۰ گردنهای دشمنانم را به من تسلیم کردهای تا خصمان خود را نابود بسازم.
- ۴۱ فریاد برآوردند اما رهانندهای نبود نزد خداوند، ولی ایشان را اجابت نکرد.
- ۴۲ ایشان را چون غبار پیش باد ساییدهام؛ مثل گل کوچیها ایشان را دور ریختم.
- ۴۳ مرا از منازعه قوم رهانیده، سرمایهها ساختهای. قومی را که نشناخته بودم، مرا خدمت مینمایند.
- ۴۴ به مجرد شنیدن مرا اطاعت خواهند کرد؛ فرزندان غر با نزد من تذلل خواهند نمود.
- ۴۵ فرزندان غر با پرمرده میشوند و در قلعههای خود خواهند لرزید.
- ۴۶ خداوند زنده است و صخره من متبارک باد، و خدای نجات من متعال!
- خدایی که برای من انتقام میگیرد و قومها را زیر من مغلوب میسازد.
- ۴۸ مرا از دشمنانم رهانیده، بر خصمانم بلند کردهای و از مرد ظالم مرا خلاصی دادهای!

لذا ای خداوند تورا در میان امتها حمد خواهم گفت و به نام تو سرود خواهم خواند.
۵۰ که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است. یعنی به داود و ذریت او تا ابد الابد.

خلقت و عظمت خدا

- برای سالار مغنیان. مز مورد اود
آسمان جلال خدا را بیان میکند و فلک از عمل دستهایش خبر میدهد.
۲ روز سخن میراند تا روز و شب معرفت را اعلان میکند تا شب.
۳ سخن نیست و کلامی نی و آواز آنها شنیده نمی شود.
۴ قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون.
۵ خیمهای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از جمله خود بیرون میآید و مثل پهلوان ازدویدن در میدان شادی میکند.
۶ خروجش از کرانه آسمان است و مدارش تا به کرانه دیگر؛ و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست.
شریعت خداوند کامل است و جان را برمی گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم میگرداند.
۸ فرایض خداوند راست است و دل را شاد میسازد. امر خداوند پاک است و چشم را روشن میکند.
۹ ترس خداوند ظاهر است و ثابت تا ابد الابد. احکام خداوند حق و تمام عدل است.
۱۰ از طلا مرغوب تر و از زر خالص بسیار. از شهد شیرین تر و از قطرات شانه عسل.
۱۱ بنده تونیز از آنها متنبه میشود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است.
کیست که سهوهای خود را بداند؟ مر از خطایای مخفیام طاهر ساز.
۱۳ بنده ات را نیز از اعمال متکبرانه بازدار تا بر من مسلط نشود؛ آنگاه بیعیب و از نگاه عظیم مبرا خواهم بود.
سخنان زیانم و تفکر دم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی!

نصرت از خدا

- برای سالار مغنیان. مز مورد اود
 خداوند تورا در روز تنگی مستجاب فرماید. نام خدای یعقوب تورا سرافراز نماید.
 ۲ نصرت برای تو از قدس خود بفرستد و تورا از صهیون تایید نماید.
 ۳ جمیع هدایای تورا به یاد آورد و قربانی های سوختنی تورا قبول فرماید. سلاه.
 ۴ موافق دل توبه تو عطا فرماید و همه مشورت های تورا به انجام رساند.
 به نجات تو خواهیم سراپید و به نام خدای خود، علم خود را خواهیم افزاشت. خداوند تمامی
 مسالت تورا به انجام خواهد رسانید.
 ۶ الان دانستهام که خداوند مسیح خود را می رهاند. از فلک قدس خود او را
 اجابت خواهد نمود، به قوت نجات بخش دست راست خویش.
 ۷ اینان را بههار او آنان اسپهرا، اما مانا میوه خدای خود را ذکر خواهیم نمود.
 ۸ ایشان خم شده، افتاد هاند و اما ما بر خاسته، ایستاد هیم.
 ای خداوند نجات بده! پادشاه در روزی که بخوانیم، ما را مستجاب فرماید.

شادی در نجات خدا

- برای سالار مغنیان. مز مورد اود
 ای خداوند در قوت تو پادشاه شادی می کند و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهد آمد.
 ۲ مراد دل او را به وی بخشیدی و مسالت زبانش را از او دریغ نداشتی. سلاه.
 ۳ زیرابه برکات نیکو پر مراد او سبقت جستی. تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی.
 ۴ حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا ابد الابد.
 ۵ جلال او به سبب نجات تو عظیم شده. اگرام و حشمت برابر او نهاد های.
 ۶ زیرا او را مبارک ساختهای تا ابد الابد. به حضور خود او را بی نهایت شادمان
 گردانیده های.
 ۷ زیرا که پادشاه بر خداوند توکل میدارد، و به رحمت حضرت اعلی جنبش نخواهد
 خورد.
 دست تو همه دشمنانت را خواهد دریافت. دست راست تو آنانی را که از تو نفرت
 دارند خواهد دریافت.

- ۹ در وقت غضب خود، ایشان را چون تورا آتش خواهی ساخت. خداوند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید و آتش ایشان را خواهد خورد.
- ۱۰ ثمره ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت و ذریت ایشان را از میان بنی آدم.
- ۱۱ زیرا قصد بدی برای تو کردند و مکایدی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورد.
- ۱۲ زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت. برزه های خود تیرهارا به روی ایشان نشان خواهی گرفت.
- ۱۳ ای خداوند در قوت خود متعال شو. جبروت تورا ترنم و تسبیح خواهیم خواند.

سرود غم و پیروزی

برای سالار مغنیان بر غزاله صبح. مز مورد اود
ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟
ای خدای من در روز می خوانم و مرا اجابت نمی کنی. در شب نیز و مرا خاموشی نیست.

- ۳ و اما تو قدوس هستی، ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته ای.
- ۴ پدران ما بر تو توکل داشتند. بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی.
- ۵ نزد تو فریاد بر آوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند، پس نجل نشدند.
و ما من کرم هستم و انسان نی. عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم.

۷ هر که مرا ببندد به من استهزا میکند. لبهای خود را باز میکنند و سرهای خود را میچنانند (میگویند):
«رخداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت میدارد.»

- زیرا که تو مرا از شکم بیرون آوردی، وقتی که براغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی.
- ۱۰ از رحم بر توانداخته شدم. از شکم مادرم خدای من توهستی.
- ۱۱ از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است. و کسی نیست که مدد کند.
- ۱۲ گاوان نر بسیار دور مرا گرفته اند. زورمندان باشان مرا احاطه کرده اند.
- ۱۳ دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده غران.

- ۱۴ مثل آب ریخته شده‌ام. و همه استخوانهایم از هم گسیخته. دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است.
- ۱۵ قوت من مثل سفال خشک شده و زبانه به کامم چسبیده. و مرا به خاک موت نهاده‌ای.
- ۱۶ زیراسگان دور مرا گرفته‌اند. جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفت‌نهند.
- ۱۷ همه استخوانهای خود را می‌شمارم. ایشان به من چشم دوخته، مینگرند.
- ۱۸ رخت مرا در میان خود تقسیم کردند. و لباس من قرعه انداختند.
- ۱۹ امانت‌های خداوند دورم باش. ای قوت من برای نصرت من شتاب کن.
- ۲۰ جان مرا از شمشیر خلاص کن. و بیگانه مرا از دست سگان.
- ۲۱ مرا از دهان شیر خلاصی ده. ای که از میان شاخهای گاو وحشی مرا اجابت کرده‌ای.
- ۲۲ نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد. در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند.
- ای ترسندگان خداوند او را حمد گوید. تمام ذریت یعقوب او را تحمید نماید. و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید.
- ۲۴ زیرامسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نهوشانیده است. و چون نزد وی فریاد برآورد او را اجابت فرمود.
- ۲۵ تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است. نذرهای خود را به حضور ترسندگان ادا خواهم نمود.
- ۲۶ حلیمان غذا خورده، سیر خواهند شد. و طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند. و دلهای شمنان زیست خواهد کرد تا ابد الاباد.
- ۲۷ جمیع کرانه‌های زمین متذکر شده، بسوی خداوند بازگشت خواهند نمود. و همه قبایل امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد.
- ۲۸ زیراسطنت از آن خداوند است. و او بر امت‌ها مسلط است.
- ۲۹ همه متمولان زمین غذا خورده، سجده خواهند کرد. و به حضور وی هر که به

خاک فرو میرود رکوع خواهد نمود. و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت.
 ۳۰ ذریقی اورا عبادت خواهند کرد و در باره خداوند طبقه بعد را اخبار خواهند نمود.
 ۳۱ ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد، قومی را که متولد خواهند شد
 که او این کار کرده است.

خداوند شبان من است

مز مورد او د

خداوند شبان من است. محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.

۲ در مرتعهای سبز مرا میخواندند. نزد آبهای راحت مرا رهبری میکنند.

۳ جان مرا برمی گردانند. و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت منماید.

۴ چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی. عصا
 و چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد.

۵ سفرهای برای من به حضور دشمنانم میگسترانی. سر مرا به روغن تدهین
 کردهای و کاسهام لبریز شده است.

۶ هر آینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود. و در خانه خداوند
 ساکن خواهم بود تا ابد الا باد.

دروازه های ابدی

مز مورد او د

زمین و پیری آن از آن خداوند است. ربع مسکون و ساکنان آن.

۲ زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد. و آن را بر نهرها ثابت گردانید.

۳ کیست که به کوه خداوند برآید؟ و کیست که به مکان قدس او ساکن شود؟

او که پاک دست و صاف دل باشد، که جان خود را به بطالت نهد و قسم دروغ نخورد.

۵ او برکت را از خداوند خواهد یافت. و عدالت را از خدای نجات خود.

۶ این است طبقه طالبان او. طالبان روی توای (دای یعقوب). سلاه.

ای دروازه های خود را برافزاید! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال
 داخل شود!

این پادشاه جلال کیست؟ خداوند قدیر و جبار؟ خداوند که در جنگ جبار است.

۹ ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافرازید تا پادشاه جلال داخل شود!
این پادشاه جلال کیست؟ یهوه صبا یوت پادشاه جلال اوست. سلاه.

درخواست تعلیم الهی

مز مورد او د

۱ ای خداوند بسوی تو جان خود را برمی افرازم. ای خدای من بر تو توکل می‌دارم.

۲ پس مگذار که نجمل بشوم و دشمنانم بر من نفر نمایند.

۳ بلی هر که انتظار تو می‌کشد نجمل نخواهد شد. آنانی که بیسبب خیانت می‌کنند نجمل خواهند گردید.

۴ ای خداوند طریق‌های خود را به من بیاموز و راه‌های خویش را به من تعلیم ده.

۵ مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده زیرا تو خدای نجات من هستی. تمامی روز منتظر تو بودهام.

۶ ای خداوند احسانات و رحمت‌های خود را بپا آور چونکه آنها از ازل بوده است.

۷ خطایای جوانی و عصیانم را بپا می‌آور. ای خداوند به رحمت خود و به خاطر نیکویی خویش مرا بپا کن.

۸ خداوند نیکو و عادل است. پس به گناه کاران طریق را خواهد آموخت.

۹ مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد.

۱۰ همه راه‌های خداوند در رحمت و حق است برای آنانی که عهد و شهادت او را نگاه میدارند.

ای خداوند به خاطر اسم خود، نگاه مرا بپا مریز زیرا که بزرگ است.

۱۲ کیست آن آدمی که از خداوند می‌ترسد؟ او را بطریقی که اختیار کرده است خواهد آموخت.

۱۳ جان او در نیکویی شب را بسر خواهد برد. و ذریت او وارث زمین خواهند شد.

۱۴ سر خداوند با ترسندگان او است و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد.

۱۵ چشمان من دائم بسوی خداوند است زیرا که او پایهای مرا از دام بیرون می‌آورد.

- ۱۶ بر من ملتفت شده، رحمت بفرما زیرا که منفرد و مسکین هستم.
- ۱۷ تنگیهای دل من زیاد شده است. مرا از مشقت های من بیرون آور.
- ۱۸ بر مسکنت ورنج من نظر افکن و جمیع خطایم را بیا مرز.
- ۱۹ بردشمنانم نظر کن زیرا که بسیار ندویه کینه تلخ به من کینه میورزند.
- ۲۰ جانم را حفظ کن و مرارهایی ده تا نجل نشوم زیرا بر تو توکل دارم.
- ۲۱ کمال و راستی حافظ من باشند زیرا که منتظر تو هستم.
- ۲۲ ای خدا اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع مشقتها وی.

دعای مرد عادل

مز مورد اود

ای خداوند مراد ادبده زیرا که من در کمال خود رفتار نمودهام و بر خداوند توکل داشتهام، پس نخواهم لغزید.

- ۲ ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان.
- ۳ زیرا که رحمت تو در مدنظر من است و در راستی تو رفتار نمودهام با مردان باطل ننشستهام و با منافقین داخل نخواهم شد.
- ۵ از جماعت بدکاران نفرت میدارم و با طالحین نخواهم نشست.
- ۶ دستهای خود را در صفای شویم. مذبح تو را ای خداوند طواف خواهم نمود.
- ۷ تا آواز حمد تو را بشنوام و عجایب تو را اخبار نمایم.
- ۸ ای خداوند محل خانه تو را دوست میدارم و مقام سکونت جلال تو را.
- ۹ جانم را با نگاه کاران جمع مکن و نه حیات مرا با مردمان خون ریز.
- ۱۰ که درد دستهای ایشان آزار است و دست راست ایشان پراز رشوه است.
- ۱۱ و اما من در کمال خود سالک میباشم. مرا خلاصی ده و بر من رحم فرما.
- ۱۲ پایم در جای هموار ایستاده است. خداوند را در جماعتها متبارک خواهم خواند.

اطمینان در خداوند

مز مورد اود

خداوند نور من و نجات من است از که بترسم؟ خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم؟

چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم، ایشان لغزیدند و افتادند.

۳ اگر لشکری بر فرود آید لم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز اطمینان خواهم داشت.

۴ یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید: که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیکل او تفکر نمایم.

۵ زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صحفه بلند خواهد ساخت.

۶ والا سرم بردشمنانم گرداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی‌های شادکامی را در خیمه او خواهم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند.

ای خداوند چون به آواز خود میخوانم مرا بشنو و رحمت فرموده، مرا مستجاب فرما. ۸ دل من به تو میگوید (گفته‌های: «وی مرا بطلبید.» بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید.

۹ روی خود را از من مپوشان و بنده خود را در خشم بر مگردان. تو مددکار من بودهای. ای خدای نجاتم، مرا در مکن و ترک منما.

۱۰ چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه خداوند مرا برمی دارد.

۱۱ ای خداوند طریق خود را به من بیاموز و به سبب دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما.

۱۲ مرا به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود کذب و دمنده‌گان ظلم بر من برخاسته‌اند.

۱۳ اگر باورغنی کردم که احسان خداوند را در زمین زندگان ببینم.

۱۴ برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دولت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند باش.

مز مورد او د

ای خداوند، نزد تو فریاد برمی آورم. ای صخره من، از من خاموش مباش. مبادا اگر از من خاموش شوی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو میروند.

۲ آواز تضرع مرا بشنو چون نزد تو استغاثه میکنم و دست خود را به محراب قدس تو برمی افرازم.

۳ مرا باشیران و بدکاران مکش که با همسایگان خود سخن صلحا میز می گویند و آزار در دل ایشان است.

۴ آنها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده آنها را مطابق عمل دست ایشان بده و رفتار ایشان را به خود ایشان رد نما.

۵ چونکه در اعمال خداوند و صنعت دست وی تفکر نمی کنند. ایشان را منهدم خواهی ساخت و بنا نخواهی نمود.

۶ خداوند متبارک باد زیرا که آواز تضرع مرا شنیده است.

۷ خداوند قوت من و سپر من است. دلم بر او توکل داشت و مدد یافتام. پس دل من به وجد آمده است و به سرود خود او را حمد خواهم گفت.

۸ خداوند قوت ایشان است و برای مسیح خود قلعه نجات.

۹ قوم خود را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را رعایت کن و برافراز تا ابد آباد.

تجید خداوند

مز مورد او د

ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید.

۲ خداوند را به جلال اسم او تجید نمایید. خداوند را در زینت قدوسیت سجده کنید.

۳ آواز خداوند فوق آنهاست. خدای جلال رعد میدهد. خداوند بالای آبهای بسیار است.

۴ آواز خداوند با قوت است. آواز خداوند با جلال است.

- ۵ آواز خداوند سروهای آزاد را میشکند. خداوند سروهای آزاد لبنان را می شکند.
- ۶ آنها را مثل گوساله میجهاند. لبنان و سریون را مثل بچه گاو وحشی.
- ۷ آواز خداوند زبانه های آتش را میشکافد.
- ۸ آواز خداوند صحرا را متزلزل میسازد. خداوند صحرای قادش را متزلزل میسازد.
- ۹ آواز خداوند غزالهارا به درد زه میاندازد، و جنگل را بیبرگ میگرداند. و در هیکل او جمیع جلال را ذکر می کنند.
- ۱۰ خداوند بر طوفان جلوس نموده. خداوند نشسته است پادشاه تا ابد الا باد. خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید. خداوند قوم خود را به سلامتی مبارک خواهد نمود.

تسبیح خداوند

- سرود برای متبرک ساختن خانه. مز مورد اود
- ای خداوند تورا تسبیح میخوانم زیرا که مرا بالا کشیدی و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی.
- ۲ ای بیوه خدای من! نزد تو استغاثه نمودم و مرا شفا دادی.
- ۳ ای خداوند جانم را از حفره برآوردی. مرا زنده ساختی تا به هاویه فرو نروم.
- ۴ ای مقدسان خداوند اورا بر اسرا پیدویه ذکر قدوسیت او حمد گوید!
- زیرا که غضب او لحظهای است و در رضامندی او زندگانی. شامگاه گریه نزیل میشود. صبحگاهان شادی رخ مینماید.
- ۶ و امامن در کامیابی خود گفتم: «نبش نخواهم خورد تا ابد الا باد.»
- ای خداوند به رضامندی خود کوه مرا در قوت ثابت گردانیدی و چون روی خود را پوشاندی پریشان شدم.
- ۸ ای خداوند نزد تو فریاد برمی آورم و نزد خداوند تضرع مینمایم.
- ۹ در خون من چه فایده است چون به حفره فرو روم. آیا خاک تورا حمد می گوید و راستی تورا اخبار مینماید؟
- ای خداوند بشنو بیه من کرم فرما. ای خداوند مدد کار من باش.

- ۱۱ ماتم مرا برای من به رقص مبدل ساختهای . پلاس را از من بیرون کرده و کهر مرا به شادی بستهای .
- ۱۲ تا جلالم ترا سرود خواند و خاموش نشود . ای یهوه خدای من ، تو را حمد خواهم گفت تا ابد الابد .

توکل بر خدا

- برای سالار مغنیان . مز مورد اود
 ای خداوند بر تو توکل دارم پس بجزل نشوم تا به ابد . در عدالت خویش مرا نجات بده .
- ۲ گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان . برایم صخرهای قوی و خانهای حصین باش تا مرا اخلاصی دهی .
- ۳ زیرا صخره و قلعه من توهستی . به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما .
- ۴ مرا از دمی که برایم پنهان کرده اند بیرون آور .
- ۵ زیرا قلعه من توهستی . روح خود را به دست تو میسپارم . ای یهوه خدای حق تو مرا فدیة دادی .
- ۶ از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی میکنند نفرت میکنم . و امانم بر خداوند توکل میدارم .
- ۷ به رحمت تو وجود و شادی میکنم زیرا مشقت مرا دیده و جانم را در تنگیها شناختهای .
- ۸ مرا به دست دشمن اسیر نساختهای . پایهای مرا بجای وسیع قائم گردانیدهای . ای خداوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم . چشم من از غصه کاهیده شد ، بلکه جانم و جسمم نیز .
- ۱۰ زیرا که حیاتم از غم و سالها میم از ناله فانی گردیده است . قوتم از گاهم ضعیف و استخوانهایم پوسیده شد .
- ۱۱ نزد همه دشمنانم عار گردیدهام . خصوص نزد همسایگان خویش و باعث خوف آشنایان شدهام . هر که مرا بیرون بیند از من میگریزد .
- ۱۲ مثل مرده از خاطر فراموش شدهام و مانند ظرف تلف شده گردیدهام .

- ۱۳ زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم و خوف گردا گرد من میباشد، زیرا بر من باهم مشورت میکنند و در قصد جانم تفکر مینمایند.
- ۱۴ و اما من بر تو ای خداوند توکل میدارم و گفته‌ام خدای من توهستی.
- ۱۵ و قتهای من در دست تو میباشد. مرا از دست دشمنانم و جفا کنندگانم خلاصی
- ۱۶ روی خود را بر بنده ات تابان ساز و مرا به رحمت خود نجاتبخش.
- ۱۷ ای خداوند نجمل نشوم چونکه تو را خوانده‌ام. شیران نجمل شوند و در حفره خاموش باشند.
- ۱۸ لبهای دروغ گو گنگ شود که به درستی و تکبر و استهانت بر عادلان سخن میگوید.
- ۱۹ زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده‌ای و برای متوکلان پدش بنی آدم ظاهر ساختهای.
- ۲۰ ایشان را در پرده روی خود از مکاید مردم خواهی پوشانید. ایشان را در خیمهای از عداوت زبانه‌خفی خواهی داشت.
- ۲۱ متبارک باد خداوند که رحمت عجیب خود را در شهر حصین به من ظاهر کرده است.
- ۲۲ و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده‌ام. لیکن چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع مرا شنیدی.
- ۲۳ ای جمیع مقدسان خداوند او را دوست دارید. خداوند امانا را محفوظ میدارد و متکبران را مجازات کثیر میدهد.
- ۲۴ قوی باشید و دل شمار تقویت خواهد داد. ای همگانی که برای خداوند انتظار میکشید!

اعتراف به گناه

قصیده داود

- خوشابحال کسیکه عصیان او آمرزیده شد و نگاه وی مستور گردید.
- ۲ خوشابحال کسیکه خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد. و در روح او حیل‌های نمی باشد.
- هنگامی که خاموش میبودم، استخوانهایم پوسیده میشد از نعرهای که تمامی روزی زدم.

- ۴ چونکه دست توروز و شب بر من سنگین میبود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید، سلاه.
- ۵ به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم. گفتم: عصیان خود را نزد خدا و نداقرا می کنم. پس تو آلائش نگاهم راعفو کردی، سلاه.
- ۶ از این رو هر مقدسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد. وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید، هرگز بد و نخواهد رسید.
- ۷ تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود، سلاه.
- تورا حکمت خواهم آموخت و براهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و تورا به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود.
- ۹ مثل اسب و قاطر بیفهم مباشید که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت میدهند، و الا نزدیک تو نخواهند آمد.
- غمهای شیرین بسیار میباشند. اما هر که بر خداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد.
- ۱۱ ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید و ای همه راست دلان ترنم نمائید.

سرود تسبیح

- ای صالحان در خداوند شادی نمائید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می شاید.
- ۲ خداوند را بر بطن حمد بگوئید. با عودده تارا و اسرود بخوانید.
- ۳ سرودی تازه برای او بسرایید. نیکو بنوازید با آهنگ بلند.
- ۴ زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است.
- ۵ عدالت و انصاف را دوست میدارد. جهان از رحمت خداوند پراست.
- ۶ به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نفع دهان او.
- ۷ آبهای دریا را مثل توده جمع میکند و لجهها را در خزانها ذخیره مینماید.
- ۸ تمامی اهل زمین از خداوند بترسند. جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند.
- ۹ زیرا که او گفت و شد. او امر فرمود و قایم گردید.

- ۱۰ خداوند مشورت امتهار باطل میکند. تدبیرهای قبائل رانیست میگرداند.
- ۱۱ مشورت خداوند قائم است تا ابد الابد. تدبیر قلب او تادهر الدهور.
- ۱۲ خوشباجال امتی که پیوه خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است.
- ۱۳ از آسمان خداوند نظر افکند و جمیع بنی آدم را نگریست.
- ۱۴ از مکان سکونت خویش نظر میافکند، بر جمیع ساکنان جهان.
- ۱۵ او که دلهای ایشان را جمیع سرشته است و اعمال ایشان را درک نموده است.
- ۱۶ پادشاه به زیادتى لشکر خلاص نخواهد شد و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد یافت.
- ۱۷ اسب به جهت استخلاص باطل است و به شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد.
- ۱۸ اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او میترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را میکشند.
- ۱۹ تاجان ایشان را از موت رهایی بخشد و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد.
- ۲۰ جان ما منتظر خداوند میباشد. او اعانت و سپر ما است.
- ۲۱ زیرا که دل مادر او شادی میکند و در نام قدوس او توکل میداریم.
- ۲۲ ای خداوند رحمت تو بر ما باد. چنانکه امیدوار تو بودهایم.

خدا نزدیک شکسته دلان است

- مز مورد او دو وقتی که منش خود را به حضور ایملک تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده، برفت
- ۱ خداوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت. تسبیح او دائم بر زبان من خواهد بود.
 - ۲ جان من در خداوند نخر خواهد کرد. مسکینان شنیده، شادی خواهند نمود.
 - ۳ خداوند را با من تکبیر بنمایید. نام او را با یکدیگر برافرازیم.
 - ۴ چون خداوند را طلبیدم مرا مستجاب فرمود و مرا از جمیع ترسهایم خلاصی بخشید.
 - ۵ بسوی او نظر کردند و منور گردیدند و رویهای ایشان بجعل نشد.
 - ۶ این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید و او را از تمامی تنگیهایش رهایی بخشید.
 - ۷ فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او است. اردوزده، ایشان را می رهاند.

- ۸ بچشید و ببینید که خداوند نیکو است. خوشبحال شخصی که بد و توکل میدارد.
- ۹ ای مقدسان خداوند از او بترسید زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی نیست.
- ۱۰ شیر بچگان بینوا شده، گرسنگی میکشند و اما طالبان خداوند را به هیچ چیز نیکو کمی نخواهد شد.
- ۱۱ ای اطفال بیایید مرابش نوید و ترس خداوند را به شما خواهیم آموخت.
- ۱۲ کیست آن شخصی که آرزو مند حیات است و طول ایام را دوست میدارد تا نیکویی را ببیند.
- ۱۳ زبانت را ازیدی نگاه دار و لهایت را از سخنان حيله آمیز.
- ۱۴ از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن. صلح را طلب نما و در پی آن بکوش.
- ۱۵ چشمان خداوند بسوی صالحان است و گوشهای وی بسوی فریاد ایشان.
- روی خداوند بسوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد.
- ۱۷ چون الحان (ریا دبر آوردند خداوند ایشان را شنید و ایشان را از همه تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- خداوند نزدیک شکسته دلان است و روح کوفتگان را نجات خواهد داد.
- ۱۹ زحمات مرد صالح بسیار است. اما خداوند او را از همه آنها خواهد رهانید.
- ۲۰ همه استخوانهای ایشان را نگاه میدارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد.
- ۲۱ شریرا شرارت هلاک خواهد کرد و از دشمنان مرد صالح موآخذه خواهد شد.
- ۲۲ خداوند جان بندگان خود را فدیة خواهد داد و از آنانی که بروی توکل دارند موآخذه نخواهد شد.

طلب کمک از خداوند

مزمورد او داد

- ای خداوند با خصمان من محاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ میکنند.
- ۲ سپرو مجن را بگیر و به اعانت من برخیز.
- ۳ ونیزه را راست کن و راه را پیش روی جفا کنندگانم ببند و بهجان من بگو من نجات تو هستم.

- ۴ نجل ورسواشوند آتانی که قصد جان من دارند و آتانی که بداندیش منند، برگردانیده و نجل شوند.
- ۵ مثل گاه پیش روی باد باشند و فرشته خداوند ایشان را براند.
- ۶ راه ایشان تاریکی و لغزنده باد. و فرشته خداوند ایشان را تعاقب کند.
- ۷ زیر ادم خود را برای من بیسبب در حفرهای پنهان کردند که آن را برای جان من بجهت کنده بودند.
- ۸ هلاکت ناگهانی بدو رسید و دمی که پنهان کرد خودش را بگیرد و در آن به هلاکت گرفتار گردد.
- ۹ و اما جان من در خداوند وجد خواهد کرد و در نجات او شادی خواهد نمود.
- ۱۰ همه استخوانهایم میگویند «ای خداوند کیست مانند تو که مسکین را از شخص قوی ترا ز او میرهاند و مسکین و فقیر را از تاراج کننده وی.»
- شاهدان کینه ور بر خاسته اند. چیزهایی را که نمی دانستم از من میپرسند.
- ۱۲ به عوض نیکویی بدی به من میکنند. جان مرا یکس گردانیده اند.
- ۱۳ و اما من چون ایشان بیمار میبودند پلاس میپوشیدم. جان خود را به روزه میرنجانیدم و دعایم به سینهایم بر می گشت.
- ۱۴ مثل آنکه او دوست و برادرم میبود، سرگردان میرفتم. چون کسیکه برای مادرش ماتم گیرد، از حزن خم میشدم.
- ۱۵ ولی چون افتادم شادیکان جمع شدند. آن فرومایگان بر من جمع شدند. و کسانی که نشناخته بودم مراد دیدند و ساکت نشدند.
- ۱۶ مثل فاجرانی که برای نان مسخرگی میکنند. دندانهای خود را بر من میافشردند.
- ۱۷ ای خداوند تابه کی نظر خواهی کرد! جانم را از خرابیهای ایشان برهان و یگانه مرا از شیر بچگان.
- ۱۸ و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت. تراد در میان قوم عظیم تسبیح خواهد خواند.
- ۱۹ تا آنانی که بیسبب دشمن منند، بر من نفر نکنند. و آنانی که بر من بیسبب بغض

مینمایند، چشمک نزنند.

۲۰ زیرا برای سلامتی سخن نمی گویند و برآنانی که در زمین آرامند سخنان حیلۀ آمیز را تفکرمی کنند.

۲۱ و دهان خود را بر من باز کرده، میگویند هه چشم ما دیده است.

۲۲ ای خداوند تو آن رادیدهای پس سکوت مفرما. ای خداوند از من دور مباش.

۲۳ خویشتن را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خدای من و خداوند من برای دعوی من.

۲۴ ای بیوه خدایم مرا موافق عدل خود داد بده، مبادا بر من شادی نمایند.

۲۵ تا در دل خود نگویند اینک مراد ما. تا نگویند او را بعید هستیم.

۲۶ و آنانی که دریدی من شادند، با هم نخل و شرمندۀ شوند. و آنانی که بر من

تکبر می کنند، به نخلت و رسوایی ملبس شوند.

۲۷ آنانی که خواهان حق منند ترنم و شادی نمایند. و دائم گویند خداوند بزرگ

است که به سلامتی بنده خود رغبت دارد.

۲۸ و زبانت عدالت تو را بیان خواهد کرد و تسبیح تو را تمامی روز.

راه بدکاران

برای سالار مغنیان. مز مورد او بنده خداوند

معصیت شری در اندرون دل من می گوید که ترس خدا در مدنظر او نیست.

۲ زیرا خویشتن را در نظر خود تملق میگوید تا گاهش ظاهر نشود و مکروه نگردد.

۳ سخنان زبانش شرارت و حیلۀ است. از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته

است.

۴ شرارت را بر بستر خود تفکر میکند. خود را به راه ناپسند قائم کرده، از بدی نفرت

ندارد.

ای خداوند رحمت تو در آسمانهاست و امانت تو تا افلاک.

۶ عدالت تو مثل کوههای خداست و احکام تو لجه عظیم. ای خداوند انسان و بهایم

رانجات میدهی.

۷ ای خدا رحمت تو چو ارجمند است. بنی آدم زیر سایه بالهای تو پناه میبرند.

۸ از چربی خانه تو شاداب میشوند. از نهر خوشیهای خود ایشان را می نوشانی.

- ۹ زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید.
- ۱۰ رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما و عدالت خود را برای راست دلان.
- ۱۱ پای تکبر بر من نیاید و دست شیران مرا گریزان نسازد.
- ۱۲ در آنجا بگذرداران افتاده اند. ایشان انداخته شده اند و نمی توانند برخاست.

سرنوشت شیران

مز مورد او د

- به سبب شیران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر.
- ۲ زیرا که مثل علف به زودی بریده میشوند و مثل علف سبز پزمرده خواهند شد.
- بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن. در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو.
- ۴ و در خداوند تمتع ببر، پس مسالت دل تو را به تو خواهد داد.
- ۵ طریق خود را به خداوند بسپار و بروی توکل کن که آن را انجام خواهد داد.
- ۶ و عدالت تو را مثل نوری بر روی خود آورد و انصاف تو را مانند ظهر.
- ۷ نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و از شخص فرخنده طریق و مرد حیلہ گر خود را مشوش مساز.
- ۸ از غضب بر کنار شو و خشم را ترک کن. خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد.
- ۹ زیرا که شیران منقطع خواهند شد. و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود.
- ۱۰ هان بعد از اندک زمانی شیر نخواهد بود. در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود.
- ۱۱ و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید.
- شیر بر مرد عادل شورامیکند و ندانهای خود را بر او میافشرد.
- ۱۳ خداوند بر او خواهد خندید، زیرا میبیند که روز او میآید.
- ۱۴ شیران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشید هاند تا مسکین و فقیر را ببند از ند و راست روان را مقتول سازند.
- ۱۵ شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد.

- ۱۶ نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته های شیرین کثیر.
- ۱۷ زیرا که بازوهای شیرین، شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تایید میکند.
- ۱۸ خداوند روزهای کاملان را میداند و میراث ایشان خواهد بود تا ابد الابد.
- ۱۹ در زمان بلا بجز نخواهند شد، و در ایام فقط سیر خواهند بود.
- ۲۰ زیرا شیرین هلاک میشوند و دشمنان خداوند مثل خرمی مرتعافانی خواهند شد. بلی مثل دخان فانی خواهند گردید.
- ۲۱ شیر بر قرض میگیرد و وفائی کند و اما صالح رحیم و بخشنده است.
- ۲۲ زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند. و اما آنانی که ملعون ویاند، منقطع خواهند شد.
- ۲۳ خداوند قدمهای انسان را مستحکم میسازد، و در طریق هایش سرور می دارد.
- ۲۴ اگر چه بیفتد افکنده نخواهد شد زیرا خداوند دستش را میگیرد.
- ۲۵ من جوان بودم و الان پیر هستم و مرد صالح راهرگز متروک ندیدهام و نه نسلش را که گدایان بشوند.
- ۲۶ تمامی روز ثواب است و قرض دهنده. و ذریت او مبارک خواهند بود.
- از بدی بر نگارش و نیکویی بکن. پس ساکن خواهی بود تا ابد الابد.
- ۲۸ زیرا خداوند انصاف را دوست میدارد و مقدسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابد الابد. و اما نسل شیر منقطع خواهد شد.
- ۲۹ صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تابه ابد سکونت خواهند نمود.
- ۳۰ دهان صالح حکمت را بیان میکند و زبان او انصاف را ذکر مینماید.
- ۳۱ شریعت خدای وی در دل اوست. پس قدمهایش نخواهد لغزید.
- ۳۲ شیر برای صالح کمین میکند و قصد قتل وی میدارد.
- ۳۳ خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد و چون به داوری آید بروی فتوا نخواهد داد.
- ۳۴ منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافزاند. چون شیرین منقطع شوند آن را خواهی دید.

- ۳۵ شیریرادیدم که ظلم پیشه بود و مثل درخت بومی سبز خود را بهر سومی کشید.
- ۳۶ اما گذشت و اینک نیست گردید و او را جستجو کردم و یافت نشد.
- ۳۷ مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را بین زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است.
- ۳۸ اما خطا کاران جمیع هلاک خواهند گردید و عاقبت شیریران منقطع خواهد شد و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی او قلعه ایشان خواهد بود.
- ۴۰ و خداوند ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد. ایشان را از شیریران خلاص کرده، خواهد رهانید. زیرا بر او توکل دارند.

دعای مصیبت دیده

- مز مورد او دبرای تذکر
ای خداوند مرا در غضب خود تو بیخ منما و در خشم خویش تا دیم مفرما.
- ۲ زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته و دست تو بر من فرو آمده است.
- ۳ در جسد من بهسبب غضب تو صحتی نیست و در استخوانهایم بهسبب خطای خودم سلامتی نی.
- ۴ زیرا گناهانم از سرم گذشته است. مثل بارگران از طاقم سنگین تر شده.
- ۵ جراحات من متعفن و مقروح شده است، بهسبب حماقت من.
- ۶ به خود میپیچم و بی نهایت منحنی شده ام. تمامی روزها متمکاناتم در درد میگذرم.
- ۷ زیرا کمر من از سوزش پر شده است و در جسد من صحتی نیست.
- ۸ من بیخس و بینهایت کوفته شده ام و از فغان دل خود نعره میزنم.
- ای خداوند تمامی آرزوی من در مدنظر تو است و ناله های من از تو مخفی نمی باشد.
- ۱۰ دل من میپلبد و قوتم از من رفته است و نور چشمانم نیز با من نیست.
- ۱۱ دوستان و رفیقانم از بلای من برکنار میایستند و خویشان من دور ایستاده اند.
- ۱۲ آنانی که قصد جانم دارند دام میگیرند و بداندیشانم سخنان فتنه انگیز میگویند و تمام روز حیل را تفکر میکنند.
- و اما من مثل کرخی شنوم. مانند گنگم که دهان خود را باز نکند.

- ۱۴ و مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود و کسیکه در زبانش حجتی نباشد.
- ۱۵ زیرا که‌ای خداوند انتظار تو را میکشم. تو ای به‌وه خدایم جواب خواهی داد.
- ۱۶ چونکه گفتم مباد ابر من شادی نمایند و چون پایم بلغزد بر من تکبر کنند.
- ۱۷ زیرا که برای افتادن نصب شده‌ام و درد من همیشه پیش روی من است.
- ۱۸ زیرا گاه خود را اخبار مینمایم و از خطای خود غمگین هستم.
- ۱۹ امانت‌نامه زنده و زور آوراند و آنانی که بی‌سبب بر من بغض مینمایند بسیار اند.
- ۲۰ و آنانی که به عوض نیکی به من بدی می‌سازند. بر من عداوت می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی میکنم.
- ۲۱ ای خداوند مرا ترک منما. ای خدای من از من دور مباش.
- ۲۲ و برای اعانت من تعجیل فرمای خداوندی که نجات من هستی.

دعای مردرنج‌دیده

- برای بد و تون سالار مغنیان. مز مورد اود
گفتم راه‌های خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانت خطا نورزم. دهان خود را به
لجام نگاه خواهم داشت، مادامی که شری پیش من است.
- ۲ من گنگ بودم و خاموش و از نیکویی نیز سکوت کردم و درد من به حرکت آمد.
- ۳ دلم در اندرونم گرم شد. چون تفکر می‌کردم آتش افروخته گردید. پس به زبان
خود سخن گفتم.
- ۴ ای خداوند اجل مرا بر من معلوم ساز و مقدار ایامم را که چیست تا بفهمم چه قدر
فانی هستم.
- ۵ اینک روزهایم را مثل یک و جب ساختهای و زندگان نیام در نظر تو هیچ است. یقین
هر آدمی محض بطلت قرار داده شد، سلاه.
- ۶ اینک انسان در خیال رفتار میکند و محض بطلت مضطرب میگردد. ذخیره
میکند و نمی‌داند کیست که از آن تمتع خواهد برد.
- والانای خداوند برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد.

- ۸ مر از همه نگاهانم برهان و مر از دجاها لان عار مگردان.
- ۹ من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم زیرا که تو این را کرده‌ای.
- ۱۰ بلای خود را از من بردار زیرا که از ضرب دست تو من تلف میشوم.
- ۱۱ چون انسان را به سبب گاهش به عتاب تادیب میکنی، نفایس او را مثل بید میگذاری. یقین هر انسان محض بطلت است، سلاه.
- ۱۲ ای خداوند دعای مرا بشنو و به فریادم گوش بده و از اشکهایم ساکت مباش، زیرا که من غریب هستم در نزد تو و نزیل هستم مثل جمیع پدران خود.
- ۱۳ (روی شم) و در از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نیایب گردم.

سرودی تازه

- برای سالار مغنیان. مز مورد او د
انتظار بسیار برای خداوند کشیدهام، و به من مایل شده، فریادم را شنید.
- ۲ و مر از چاه هلاکت بر آورد و از گل جن و پیاپیام را بر سخره گذاشته، قدمهایم را مستحکم گردانید.
- ۳ و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خدای ما را. بسیاری چون این را بینند ترسان شده، بر خداوند تو کل خواهند کرد.
- ۴ خوشبحال کسیکه بر خداوند تو کل دارد و به متکبران ظالم و مرتدان دروغ مایل نشود.
- ۵ ای پوه خدای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای. در نزد تو آنها را تقویم نتوان کرد، اگر آنها را تقیرو بیان بکنم، از حد شمار زیاده است.
- ۶ در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی نگاه را نخواستی.
- ۷ آنگاه گفتم: «ینک می‌آیم! در طومار کتاب در باره من نوشته شده است.
- ۸ در بجا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت میدارم و شریعت تو در اندرون دل من است.»

- در جماعت بزرگ به عدالت بشارت دادهام. اینک لبهای خود را باز نخواهم داشت و توای خداوند میدانی.
- ۱۰ عدالت تو را در دل خود مخفی نداشتهم. امانت و نجات تو را بیان کردهام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکردهام.
- ۱۱ پس توای خداوند لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو دائم مرا محافظت کند.
- ۱۲ زیرا که بلاهای بیشمار مرا احاطه میکنند. گگاهم دور مرا گرفته است به حدی که نمی توانم دید. از مویهای سر من زیاده است و دل من مرا ترک کرده است.
- ای خداوند مرا رحمت فرموده، مرا نجات بده. ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما.
- ۱۴ آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیع نجل و شرمنده شوند. و آنانی که دریدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند.
- ۱۵ آنانی که بر من هه هه میگویند، بهسبب نجات خویش حیران شوند.
- ۱۶ و اما جمیع طالبان تو در توجو و شادی نمایند و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائم گویند که خداوند بزرگ است.
- ۱۷ و اما من مسکین و فقیر هستم و خداوند در باره من تفکر میکند. تو معاون و نجاتدهنده من هستی. ای خدای من، تاخیر مفرما.

دعای مرد بیمار

- برای سالار مغنیان. مز مورد اود
خوشحال کسیکه برای فقیر تفکرمی کند. خداوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد.
- ۲ خداوند او را محافظت خواهد کرد و زنده خواهد داشت. اود در زمین مبارک خواهد بود و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهی کرد.
- ۳ خداوند او را بر سر بیماری تایید خواهد نمود. تمامی خوابگاه او را در بیماریش خواهی گسترانید.

- ۴ من گفتم: «ای خداوند بر من رحم نما. جان مرا شفا بده زیرا به تو نگاه و ورزیدهام.» دشمنانم در باره من به بدی سخن میگویند که کی بمیرد و نام او گم شود.
- ۶ واگر برای دیدن من بیاید، سخن باطل میگوید و دلش در خود شرارت را جمع میکند. چون بیرون رود آن را شایع میکند.
- ۷ و جمیع خصمانم بایکدی یگر بر من تمامی میکنند و در باره من بدی میاندايشند، که «ادشاهای مهلک بر او ریخته شده است. و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست.» و آن دوست خالص من که بر او اعتماد میداشتم که نان مرا نیز میخورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد.
- و اما تو ای خداوند بر من رحم فرموده، مرا بر پا دار تا مجازات بدیشان رسانم.
- ۱۱ از این میدانم که در من رغبت داری زیرا که دشمنم بر من نخر نمی نماید.
- ۱۲ و مرا به سبب کلام مستحکم نمودهای و مرا به حضور خویش دائم قائم خواهی نمود.
- ۱۳ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا به ابد. آمین و آمین.

همچون آه

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

- چنانکه آهوبرای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنانای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد.
- ۲ جان من تشنه خداست تشنه خدای حی، که کی پیامی به حضور خدا حاضر شوم.
- ۳ اشکهایم روز و شب نان من میبود، چون تمامی روز مرا می گفتند: «دای تو کجاست؟» چون این را بیاد میآورم جان خود را بر خود میریزم. چگونه با جماعت میرفتم و ایشان را به خانه خدا پیشروی میکردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عید کنندگان.
- ۵ ای جانم چرا منحنی شدهای و چرا در من پریشان گشتهای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت.
- ای خدای من، جانم در من منحنی شده. بنابراین تو را از زمین اردن یاد خواهم کرد،

از کوههای حرمون و از جبل مصغر.

۷ لجه به لجه ند میدهد از آواز آشارهای توجمیع خیزا بها و موجهای توبر من گذشته است.
۸ در روز خداوند رحمت خود را خواهد فرمود. و در شب سرود او با من خواهد بود و دعای خدای حیات من.

۹ به خدا گفتم: «ی صخره من چرا مرا فراموش کرده‌ای؟» چرا به سبب ظلم دشمن ما تمکّان تردد بکنم؟

دشمنانم به کوییدگی در استخوانهایم مرا ملامت میکنند، چونکه همه روزه مرا می گویند:
«دای تو کجاست؟»

ای جان من چرا منحنی شده و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

دعای شخص پریشان

ای خدا مرا داوری کن و دعوی مرا با قوم بیرحم فیصل فرما و از مرد حیلله گرو ظالم مرا خلاصی ده.

۲ زیرا تو خدای قوت من هستی. چرا مرا دور انداختی؟ چرا به سبب ستم دشمن ما تمکّان تردد بکنم؟

نور و راستی خود را بفرست تا مرا هدایت نمایند. و مرا به کوه مقدس تو و مسکن های تو رسانند.

۴ آنگاه به مذبح خدا خواهم رفت، بسوی خدایی که سرور و خرمی من است. و تو را ای خدا، خدای من با بریط تسبیح خواهم خواند.

ای جان من چرا منحنی شده‌ای؟ و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ امید بر خدا دار. زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

درخواست اعانت

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

ای خدا به گوشهای خود شنیدهایم و پدران ما، ما را خبر داد هاند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام سلف کرده‌ای.

- ۲ توبهدست خودامتبار بیرون کردی، اما ایشان را غرس نمودی. قومهارتابه کردی، اما ایشان را منتشر ساختی.
- ۳ زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان ایشان را نجات نداد. بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو. زیرا از ایشان خرسند بودی. ای خدا تو یاد شاه من هستی. پس بر نجات یعقوب امر فرما.
- ۵ به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند و به نام تو مخالفان خویش را پایمال خواهیم ساخت. ۶ زیر بار کمان خود تو کل نخواهم داشت و شمشیرم مرا خلاصی نخواهد داد.
- ۷ بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی و مبعضان ما را نجل ساختی.
- ۸ تمامی روز بر خدا نافر خواهیم کرد و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند، سلاه.
- ۹ لیکن الان تو ما را دور انداخته و رسوا ساختهای و بالشکرهای ما بیرون نمی آیی.
- ۱۰ و ما را از پیش دشمن روگردان ساختهای و خصمان ما برای خویشتن تاراج میکنند.
- ۱۱ ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کردهای و ما را در میان امتهای پراکنده ساختهای.
- ۱۲ قوم خود را بیبها فروختی و از قیمت ایشان نفع نبردی.
- ۱۳ ما را نزد همسایگان ما عار گردانیدی. اهانت و سخریه نزد آنانی که گرداگرد ما آیند.
- ۱۴ ما را در میان امت برنگردید و پایهای ساختهای. جنبانیدن سردر میان قومها.
- ۱۵ و رسوایی من همه روزه در نظر من است. و خجالت رویم مرا پوشانیده است، از آوازملا مت گو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده.
- این همه بر ما واقع شد. اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدیم.
- ۱۸ دل ما به عقب برنگردید و پایهای ما از طریق تو انحراف نورزید.
- ۱۹ هر چند ما را در مکان از درها کو بیدی و ما را به سایه موت پوشانیدی.
- ۲۰ نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم و دست خود را به خدای غیر بر نیفراشتیم.
- ۲۱ آیا خدا این را غوررسی نخواهد کرد؟ زیرا او خفایای قلب را می داند.
- ۲۲ هر آینه به خاطر تو تمامی روز کشته میشویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده میشویم.
- ۲۳ ای خدا وند پیدار شو چرا خوابیدهای؟ بر خیز و ما را تا به ابد دور مینداز.

- ۲۴ چرا روی خود را پوشانیدی و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی؟
 زیرا که جان ما به خاک خم شده است و شکم ما به زمین چسبیده.
 ۲۶ به جهت اعانت ما بر خیز و بخاطر رحمانیت خود ما را فدی ده.

سرود عروس پادشاه

- برای سالار مغنیان برسوسنبا. قصیده بنی قورح. سرود حییات
 دل من به کلام نیکو میجو شد. انشاء خود را در باره پادشاه میگویم. زبان من قلم
 کاتب ماهر است.
 ۲ تو جمیل تر هستی از بنی آدم و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را
 مبارک ساخته است تا ابد الابد.
 ۳ ای جبار شمشیر خود را بران خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را.
 ۴ و به کبریایی خود سوار شده، غالب شو به جهت راستی و حلم و عدالت و دست راستت
 چیزهای ترسناک را به تو خواهد آموخت.
 ۵ به تیرهای تیز تو امتها زیر تومی افتند و به دل دشمنان پادشاه فرو میرود.
 ۶ ای خدا، تخت تو تا ابد الابد است؛ عصبای راستی و عصبای سلطنت تو است.
 ۷ عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی. بنابراین خدا خدای تو تو را به روغن
 شادمانی بیشتر از رزق قیامت مسح کرده است.
 ۸ همه رختهای تو مرو عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که به تارها تو را خوش ساختند.
 ۹ دختران پادشاهان از زنان نجیب تو هستند. ملکه به دست راستت در طلای
 او فیر ایستاده است.
 ۱۰ ای دختر بشنو و بین و گوش خود را فرادار. و قوم خود و خانه پدرت را فراموش
 کن،
 تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما.
 ۱۲ و دختر صورت بار مغانی. و دو لتمدان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید.
 ۱۳ دختر پادشاه تمام دران درون مجید است و رختهای او با طلا مرصع است.
 ۱۴ به لباس طراز دار نزد پادشاه حاضر میشود. با کره های همراهان او در عقب
 وی نزد تو آورده خواهند شد.
 ۱۵ به شادمانی و خوشی آورده میشوند و به قصر پادشاه داخل خواهند شد.

۱۶ به عوض پدران پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت.
 ۱۷ نام تورادر همه دهرها ذکر خواهم کرد. پس قومها تو را حمد خواهند گفت تا ابد الاباد.

همک خدا در تنگیها

برای سالار مغنیان. سرود بنی قورح بر علاموت
 خدا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوریاقت میشود.
 ۲ پس نخواستیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوهها در قعر دریا به لرزش آید.
 ۳ اگر چه آبهای آشوب کنند و به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن متزلزل گردند،
 سلاه.
 ۴ نهری است که شعبه هایش شهر خدا را فرحناک میسازد و مسکن قدوس حضرت
 اعلی را.
 ۵ خدا در وسطاوست پس جنبش نخواهد خورد. خدا او را اعانت خواهد کرد در
 طلوع صبح.
 ۶ امتها نعره زدند و مملکتها متحرک گردیدند. او آواز خود را داد. پس جهان
 گداخته گردید.
 ۷ یهوه صبا یوت با ماست. و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سلاه.
 ۸ بیایید کارهای خدا و ندرانظاره کنید، که چه خرابیها در جهان پیدا نمود.
 ۹ او جنگها را تا اقصای جهان تسکین میدهد. کمان را میشکند و نیزه را قطع میکند
 و ارا بهار به آتش میسوزاند.
 ۱۰ باز ایستید و بدانید که من خدا هستم. در میان امتهای، متعال و در جهان، متعال
 خواهم شد.
 ۱۱ یهوه صبا یوت با ماست و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سلاه.

تسبیح خدایی که پادشاه است

برای سالار مغنیان. مزمور بنی قورح
 ای جمیع امتهادستک زیند. نزد خدا به آواز شادی بانگ بر آورید.

- ۲ زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ.
- ۳ قومهاراد رزیر ما مغلوب خواهد ساخت و طایفههاراد رزیر بایه‌های ما.
- ۴ میراث مارا برای ما خواهد برگزید یعنی جلالت یعقوب را که دوست میدارد، سلاه.
- ۵ خدا به آواز بلند صعود نموده است. خداوند به آواز کرنا.
- ۶ تسبیح بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید. تسبیح بخوانید، پادشاه مارا تسبیح بخوانید.
- ۷ زیرا خدا پادشاه تمامی جهان است. به خردمندی تسبیح بخوانید.
- ۸ خدا بر امتها سلطنت میکند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است.
- ۹ سروران قومها با قوم خدای ابراهیم جمع شده‌اند زیرا که سپرهای جهان از آن خدا است. او بسیار متعال می‌باشد.

خدا در کوه صهیون

سرود و مزمور بنی قورح

- خداوند بزرگ است و بینهایت مجید، در شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش.
- ۲ جمیل در بلندیاش و شادی تمامی جهان است کوه صهیون، در جوانب شمال، قریه پادشاه عظیم.
- ۳ خدا در قصرهای آن به ملجای بلند معروف است.
- ۴ زیرا اینک پادشاهان جمع شدند، و با هم درگذشتند.
- ۵ ایشان چون دیدند متعجب گردیدند. و در حیرت افتاده، فرار کردند.
- ۶ لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید و در شدیدی مثل زنی که میزاید.
- ۷ تو کشتیهای ترشیش را به باد شرقی شکستی.
- ۸ چنانکه شنیده بودیم، همچنان دیدهایم، در شهریهوه صبا یوت، در شهر خدای ما؛ خدا آن را تا ابد الاباد مستحکم خواهد ساخت، سلاه.
- ۹ ای خدا در رحمت تو تفکر کرده‌ایم، در اندرون هیکل تو.
- ۱۰ ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان تسبیح تو نیز تا اقصای زمین. دست راست تو از عدالت پر است.
- ۱۱ کوه صهیون شادی میکند و دختران یهودا به وجد می‌آیند، به سبب دوریه‌های تو.

- ۱۲ صهیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید و برجهای وی را بشمارید.
- ۱۳ دل خود را به حصار هایش بنهید و در قصر هایش تامل کنید تا طبقه آینده را اطلاع دهید.
- ۱۴ زیرا این خدا، خدای ماست تا ابد الابد و ما را تا به موت هدایت خواهد نمود.

حماقت اعتماد بر دولت

- برای سالار مغنیان. مز موربخی قورح
- ای تمامی قومها این را بشنوید! ای جمیع سکنه ربع مسکون این را گوش گیرید!
- ای عوام و خواص! ای دولتمدان و فقیران جمیع!
- زبانم به حکمت سخن میراند و تفکر دل من فطانت است.
- ۴ گوش خود را به مثل فرامیگیرم. معمای خویش را بر ربط میگشایم.
- چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون نگاه باشنه هایم مرا احاطه میکند؛
- آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند و بر کثرت توانگری خویش نخر مینمایند.
- ۷ هیچکس هرگز برای برادر خود فدیه نخواهد داد و کفاره او را به خدا نخواهد بخشید.
- ۸ زیرا فدیه جان ایشان گران بهاست و ابد بدان نمی توان رسید
- تا زنده بماند تا ابد الابد و فساد را نبیند.
- ۱۰ زیرا میبیند که حکیمان میمیرند. و جاهلان و ابلهان باهم هلاک میگردند و دولت خود را برای دیگران ترک میکنند.
- ۱۱ فکر دل ایشان این است که خانه های ایشان دائمی باشد و مسکنهای ایشان دور به دور؛ و نامهای خود را بر زمینهای خود مینهند.
- ۱۲ لیکن انسان در حرمت باقی نمی ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک میشود.
- ۱۳ این طریقه ایشان، جهالت ایشان است و اعقاب ایشان سخن ایشان را میپسندند، سلاه.
- ۱۴ مثل گوسفندان درهاویه رانده میشوند و موت ایشان را شبانی میکند و صبحگاهان راستان بر ایشان حکومت خواهند کرد و جمال ایشان درهاویه پوسیده خواهد شد تا مسکنی برای آن نباشد.
- ۱۵ لیکن خدا جان مرا از دست هاویه نجات خواهد داد زیرا که مرا خواهد گرفت، سلاه.

- پس ترسان مباش، چون کسی دولتند گردد و جلال خانه او افزوده شود!
 زیرا چون بمرید چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت.
 ۱۸ زیرا در حیات خود، خویشتن را مبارک میخواند. و چون بر خود احسان
 میکنی، مردم ترا میستایند.
 ۱۹ لیکن به طبقه پدران خود خواهد پیوست که نور را تابه ابد نخواهند دید.
 ۲۰ انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک میشود.

پرستش مقدسان خداوند

مز مور آساف

- خدا، خدایهوه تکلم میکند و زمین را از مطلع آفتاب تابه مغربش میخواند.
 از صهیون که کمال زیبایی است، خدا تجلی نموده است.
 ۳ خدای مامیآید و سکوت نخواهد نمود. آتش پیش روی او میبلعد. و طوفان
 شدید گردا گردوی خواهد بود.
 ۴ آسمان را از بالا میخواند و زمین را، تا قوم خود را دوری کند:
 «قدسان مرا نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بستانند.»
 و آسمانها از انصاف او خبر خواهند داد. زیرا خدا خود داداور است، سلاسه.
 «ای قوم من بشنوتاب سخن گویم. وای اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای
 تو من هستم.»
 ۸ درباره قربانی هایت تورا تو بیخ نمی کنم و قربانی های سوختنی تو دائم در نظر من است.
 ۹ گوسالهای از خانه تو نمی گیرم و نه بزای از آغل تو.
 ۱۰ زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن منند و بهایی که بر هزاران کوه میباشند.
 ۱۱ همه پرندگان کوهها را می شناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند.
 ۱۲ اگر گرسنه میبودم تورا خبر نمی دادم. زیرا ربع مسکون و پیری آن از آن من
 است.
 ۱۳ آیا گوشت گاو را بخورم و خون بزها را بنوشم؟
 برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به حضرت اعلی و فائما.

- ۱۵ پس در روز تنگی مرا بخوان تاتورا خلاصی دهم و مرا تجید بنمائی.»
 و اما به شریرخدا میگوید: «را چه کار است که فرایض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان خود بیاوری؟
 چونکه تواز تا دیب نفرت داشت‌های و کلام مرا پشت سر خود انداخت‌های.
 ۱۸ چون دزد را دیدی اورا پسند کردی و نصیب تو باز نا کاران است.
 ۱۹ دهان خود را به شرارت گشود‌های و زبانت حیل را اختراع میکند.
 ۲۰ نشسته‌های تا به ضد برادر خود سخن رانی و در باره پسر مادر خویش غیبت‌گویی.
 ۲۱ این را کردی و من سکوت نمودم. پس گمان بردی که من مثل تو هستم. لیکن تورا تو بیخ خواهم کرد. و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد.
 ۲۲ ای فراموش کنندگان خدا، در این تفکر کنید! مباد اشمرا بدرم و رهانده‌های نباشد.
 ۲۳ هر که قربانی تشکرا گذراند مرا تجید میکند. و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات خدا را به وی نشان خواهم داد.»

طلب بخشش

- برای سالار مغنیان. مز مورد او وقتی که ناتان نبی بعد از درآمدش به بتشبع نزد او آمد
 ای خدا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما. به حسب کثرت رافت خویش
 گاهانم را محوساز.
 ۲ مرا از عصیانم به کلی شست و شوده و از گاهم مرا طاهر کن.
 ۳ زیرا که من به معصیت خود اعتراف میکنم و گاهم همیشه در نظر من است.
 ۴ به تو و به توتنها گاه ورزیده، و در نظر تو این بدی را کرده‌ام. تادر کلام خود
 مصدق گردی و در داوری خویش من کی شوی.
 اینک در معصیت سرشته شدم و مادرم در گاه به من آبتن گردید.
 ۶ اینک بر استی در قلب راغب هستی. پس حکمت را در باطن من به من پیاموز.
 ۷ مرا باز و فاپاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفید تر گردم.
 ۸ شادی و خرمی را به من بشنوان تا استخوانهایی که کوبیده‌های به وجد آید.

- ۹ روی خود را از گناهانم پوشان و همه خطایای مرا محو کن.
- ۱۰ ای خدای طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز.
- ۱۱ مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس خود را از من مگیر.
- ۱۲ شادی نجات خود را به من بازده و به روح آزاد مرا تایید فرما.
- ۱۳ آنگاه طریق تو را به خطا کاران تعلیم خواهی داد، و نگاه کاران بسوی تو بازگشت خواهند نمود.
- ۱۴ مرا از خون نجات ده! ای خدایی که خدای نجات من هستی! تا ز بانم به عدالت تو ترنم نماید.
- ۱۵ خداوند البهاجر را بگشایانم تسبیح تو را اخبار نماید.
- ۱۶ زیر قربانی را دوست نداشتی و الا میدادم. قربانی سوختنی را پسند نکردی.
- ۱۷ قربانی های خدای روح شکسته است. خدای ابدل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد.
- ۱۸ به رضامندی خود بر صهیون احسان فرما و حصارهای اورشلیم را بنا نما.
- ۱۹ آنگاه از قربانی های عدالت و قربانی های سوختنی تمام راضی خواهی شد و گوسالهها بر مذبح تو خواهند گذرانید.

هلاکت شریر

- برای سالار مغنیان. قصیده داود وقتی که دو آغادومی آمد و شاول را خبر داده، گفت که داود به خانه اخیملک رفت
- ای جبار چرا از بدی نفر میکنی؟ رحمت خدا همیشه باقی است.
- ۲ زبان تو شرارت را اختراع میکند، مثل استره تیز، ای حيله ساز!
- بدی را از نیکویی بیشتر دوست میداری و دروغ را زیاد تر از راست گویی، سلاه.
- همه سخنان مهلک را دوست میداری، ای زبان حيله باز!
- خدایتو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و تورا رابوده، از مسکن تو خواهد کند و ریشه تو را از زمین زندگان، سلاه.
- ۶ عادلان این را دیده، خواهند رسید و پراو خواهند خندید.

۷ هان این کسی است که خدا را قلعه خویش نمود بلکه به کثرت دولت خود توکل کرد و از بدی خویش خود را زور آور ساخت. و اما من مثل زیتون سبز در خانه خدا هستم. به رحمت خدا توکل میدارم تا ابد الاباد. تو را همیشه حمد خواهم گفت، زیرا تو این را کرده‌ای. و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا نزد مقدسان تو نیکوست.

همه مرتد شده‌اند

برای سالار مغنیان بر ذوات او تار. قصیده داود
احق در دل خود میگوید که خدایی نیست. فاسد شده، شرارت مکره کرده‌اند.
و نیکو کاری نیست.

خدا از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که فهم و طالب خدایی هست.

۳ همه ایشان مرتد شده، باهم فاسد گردیده‌اند. نیکو کاری نیست یکی هم نمی.

۴ آیا نگاه‌کاران بی‌عرفت هستند که قوم مرا می‌خورند چنانکه نان می‌خورند و خدا را نمی
خوانند؟

آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود. زیرا خدا استخوانهای محاصره
کننده تو را از هم پاشید. آنها را خجل ساختهای زیرا خدا ایشان را رد نموده است.
کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد. وقتی که خدا اسیری قوم خویش
را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادی خواهد کرد.

دعای محافظت

برای سالار مغنیان. قصیده داود بر ذوات او تار وقتی که زنیان نزد شاول آمده،
گفتند آیا داود نزد ما خود را پنهان نمی کند

ای خدا به نام خود مرا نجات بده و به قوت خویش بر من داوری نما.

۲ ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبانم را گوش بگیر.

۳ زیرا بیگانگان به ضد من برخاسته‌اند و ظالمان قصد جان من دارند. و خدا را در مد
نظر خود نگذاشته‌اند، سلاه.

۴ اینک خدا مدد کار من است. خداوند از تایید کنندگان جان من است.

- ۵ بدی را بردشمنان من خواهد برگردانید. به راستی خود ریشه ایشان را بکن.
- ۶ قربانی های تبرعی نزد تو خواهم گذرانید و نام تو را ای خداوند حمد خواهم گفت زیرا نیکوست.
- ۷ چونکه از جمیع تنگیها مر اخلاصی دادهای، و چشم من بردشمنانم نگریسته است.

ناله از ظلم دوست

- برای سالار مغنیان. قصیده داود بر ذوات اوتار
ای خدا به دعای من گوش بگیر! و خود را از تضرع من پنهان مکن!
به من گوش فرا گیر و مرا مستجاب فرما! زیرا که در تفکر خود متحیرم و ناله میکنم.
- ۳ از آواز دشمن و به سبب ظلم شیر، زیرا که ظلم بر من میاندازند و باخشم بر من جفا میکنند.
- ۴ دل من در اندرونم پیچ و تاب می کند، و ترسهای موت بر من افتاده است.
- ۵ ترس و لرزه من در آمده است. وحشتی هولناک مرا در گرفته است.
- ۶ و گفتم کاش که مرا بالهامثل کبوتر میبود تا پرواز کرده، استراحت مییافتم.
- ۷ هر آینه بجای دور میپریدم، و در صحرا ما و امیگریدم، سلاه.
- ۸ میشتافتم بسوی پناهگاهی، از باد تند و از طوفان شدید.
- ای خداوند آنها را هلاک کن و زبانهایشان را تفریق نما زیرا که در شهر ظلم و جنگ دیده ام.
- ۱۰ روز و شب بر حصار هایش گردش میکنند و شرارت و مشقت در میانش میباشد.
- ۱۱ فساد هادر میان وی است و جور و حيله از کوجه هایش دور نمی شود.
- ۱۲ زیرا دشمن نبود که مرا ملامت میکرد و الا تحمل میکردم؛ و خصم من نبود که بر من سر بلندی مینمود؛ و الا خود را از وی پنهان میساختم.
- ۱۳ بلکه تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار خالص و دوست صدیق من!
که بایکدیگر مشورت شیرین میکردیم و به خانه خدا در انبوه میخرامیدیم.
- ۱۵ موت بر ایشان ناگهان آید و زنده بگور فروروند. زیرا شرارت در مسکن های ایشان و در میان ایشان است.
- و اما من نزد خدا فریاد میکنم و خداوند مرا نجات خواهد داد.

- ۱۷ شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می‌کنم و او آواز مرا خواهد شنید.
- ۱۸ جانم را از جنگی که بر من شده بود، بسلامتی فدیّه داده است. زیرا بسیاری با من مقاومت می‌کردند.
- ۱۹ خدا خواهد شنید و ایشان را جواب خواهد داد، او که از ازل نشسته است، سلاه.
- ۲۰ زیرا که در ایشان تبدیلهایی نیست و از خدائی ترسند.
- ۲۱ دست خود را بر صلح اندیشان خویش دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است.
- ۲۲ سخنان چرب زبانش نرم، لیکن دلش جنگ است. سخنانش چرب تر از روغن لیکن شمشیرهای برهنه است.
- ۲۳ نصیب خود را به خداوند سپار و تو را رزق خواهد داد. او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل جنبش خورد.
- ۲۴ تو ای خدا ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد. مردمان خون ریز و حیله ساز، روزهای خود را نیمه نخواهند کرد، لیکن من بر تو توکل خواهم داشت.

توکل بر خدا

- برای سالار مغنیان بر فاخته ساکت در بلا دبعیده. مکتوم داود وقتی که فلسطینیان او را در جت گرفتند
- ای خدا بر من رحم فرما، زیرا که انسان مرا به شدت تعاقب می‌کند. تمامی روز جنگ کرده، مرا اذیت مینماید.
- ۲ خصمانم تمامی روز مرا به شدت تعاقب می‌کنند. زیرا که بسیاری با تکبر با من می‌جنگند.
- ۳ هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت.
- در خدا کلام او را خواهم ستود. بر خدا توکل کرده، نخواهم ترسید. انسان به من چه میتواند کرد؟
- هر روز سخنان مرا منحرف می‌سازند. همه فکرهای ایشان درباره من بر شرارت است.
- ۶ ایشان جمع شده، کین می‌سازند. بر قدمهای من چشم دارند زیرا قصد جان من دارند.

۷ آیا ایشان به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت؟ ای خدا! متهارادر غضب خویش بینداز.

۸ تو آوار گیهای مرا تفریر کرده‌ای. اشکهایم را در مشک خود بگذار. آیا این در دفتر تو نیست؟

آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم رو خواهند گردانید. این را می دانم زیرا خدا با من است.

در خدا کلام او را خواهم ستود. در خداوند کلام او را خواهم ستود.

۱۱ برخدا توکل دارم پس نخواهم ترسید. آدمیان به من چه میتوانند کرد؟

ای خدا نذرهای تو بر من است. قربانی های حمد را نزد تو خواهم گذرانید.

۱۳ زیرا که جانم را از موت رهانیده‌ای. آیا پایایم را نیز از لغزیدن نگاه نخواستی داشت تا در نور زندگان به حضور خدا سالک باشم؟

پناه زیر سایه بالهای تو

برای سالار مغنیان بر لاتهک. مکتوم داود وقتی که از حضور شاول به مغاره فرار کرد

ای خدا بر من رحم فرما، بر من رحم فرما! زیرا جانم در تو پناه میبرد، و در سایه بالهای تو پناه میبرم تا این بلا یا بگذرد.

۲ نزد خدای تعالی آواز خواهم داد، نزد خدایی که همه چیز را بر ایم تمام میکند.

۳ از آسمان فرستاده، مرا خواهد رهانید. زیرا تعاقب کننده سخت من ملامت میکند، سلاه. خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد.

۴ جان من در میان شیران است. در میان آتش افروزان میخوابم یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزهها و تیرهاست. و زبان ایشان شمشیر برنده است.

۵ ای خدا بر آسمانها متعال شو و جلال تو بر تمامی جهان.

۶ دامی برای پایایم میساختند و جانم خم گردید. چاهی پیش رویم کردند، و خود در میانش افتادند، سلاه.

دل من مستحکم است خدا یاد دل من مستحکم است. سرود خواهم خواند و ترنم

خواهم نمود.

۸ ای جلال من بیدار شو! ای بریط و عود بیدار شو! صبحگاهان من بیدار خواهم شد.

۹ ای خداوند تورا در میان امتها حمد خواهم گفت. تورا در میان قومها تسبیح خواهم خواند.

۱۰ زیر رحمت تو تا آسمانها عظیم است و راستی تو تا افلاک.

۱۱ خدا یا بر آسمانها متعال شو. و جلال تو بر تمامی جهان.

مجازات شیران

برای سالار مغنیان بر لاتهک. مکتوم داود

آیانی الحقیقت به عدالتی که گنگ است سخن میگویند؟ وای بنی آدم آیا به راستی داوری مینمایند؟

بلکه درد دل خود شرارتها به عمل میآورد و ظلم دستهای خود را در زمین از میزان درمی کنید.

۳ شیران از رحم منحرف هستند. از شکم مادر دروغ گفته، گمراه میشوند.

۴ ایشان رازهری است مثل زهرمار. مثل افعی کر که گوش خود را میبندد.

۵ که آواز افسونگران را نمی شنود، هر چند به مهارت افسون میکند.

۶ ای خداوندانهایشان را در دهانشان بشکن. ای خداوندانهای شیران را خرد بشکن.

۷ گداخته شده، مثل آب بگذرند. چون او تیرهای خود را میاندازد، در ساعت منقطع خواهند شد.

۸ مثل حلزون که گداخته شده، میگذرد. مثل سقط زن، آفتاب را نخواهند دید.

۹ قبل از آنکه دیگهای شما آتش خارها را احساس کند. آنها را چه تروچه خشک خواهد رفت.

۱۰ مرد عادل چون انتقام را دید شادی خواهد نمود. پایهای خود را به خون شیر خواهد شست.

۱۱ و مردم خواهند گفت: «رآینه ثمرهای برای عادلان هست. هر آینه خدایی

هست که در جهان داوری میکند.»

دعا برای رهایی

برای سالار مغنیان بر لاتهلک . مکتوم داود وقتی که شاول فرستاد که خانه را کشیک بکشند

تا اورا بکشند ای خدایم مرا از دشمنانم برهان! مرا از مقاومت کنندگانم برافراز!
مرا از نگاهکاران خلاصی ده! و از مردمان خونریز رهایی بخش!
زیرا اینک برای جانم کمین میسازند و زور آوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون تقصیر منای خداوند و بدون نگاه من .

۴ بی‌صور من می‌شتابند و خود را آماده میکنند . پس برای ملاقات من بیدار شو و بین .

۵ امانت‌وای پهوه، خدای صباپوت، خدای اسرائیل! بیدار شده، همه امتهارا مکافات برسان و بر غداران بدکار شفقت مفرما، سلاه .

۶ شامگاهان برمی گردند و مثل سگ بانگ میکنند و در شهر دور میزنند .

۷ از دهان خود بدی را فرو می‌ریزند . در لپهای ایشان شمشیرهاست . زیرا میگویند: «یست که بشنود؟»

وامانت‌وای خداوند، برایشان خواهی خندید و تمامی امتهارا استهزا خواهی نمود .

۹ ای قوت من بسوی تو انتظار خواهم کشید زیرا خدا قلعه بلند من است .

۱۰ خدای رحمت من پیش روی من خواهد رفت . خدا مرا بردشمنانم نگران خواهد ساخت .

۱۱ ایشان را به قتل مرسان .

به سبب نگاه زبان و سخنان لپهای خود، در تکه بر خویش گرفتار شوند . و به عوض لعنت و دروغی که میگویند،

ایشان را فانی کن در غضب فانی کن تا نیست گردند و بدانند که خدا در یعقوب تا اقصای زمین سلطنت میکند . سلاه .

۱۴ و شامگاهان برگردیده، مثل سگ بانگ زنند و در شهر گردش کنند .

۱۵ و برای خوراک پراکنده شوند و سیر نشده، شب را بسر برند .

۱۶ و اما من قوت تو را خواهم سراپید و با مدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود . زیرا

قلعه بلند من هستی و در روز تنگی ملجای منی .
 ۱۷ ای قوت من برای تو سرود میخوانم، زیرا خدا قلعه بلند من است و خدای رحمت من .

درخواست اعانت

برای سالار مغنیان برسوسن شهادت . مکتوم داود برای تعلیم وقتی که بارم نهرین وارم صوبه از درمقاتله بیرون آمد و یوآب برگشته، دوازده هزار نفر از او میان رادر وادی الملح کشت

ای خدا ما را در ورنانداخته، پراکنده ساختهای! خشمناک بودی، بسوی مار جوع فرما! زمین را متزلزل ساخته، آن را شکافتهای! شکستگی پایش را شفا ده زیرا به جنبش آمده است .

۳ چیزهای مشکل را به قوم خود نشان دادهای . باده سرگردانی به مانوشانیدهای .

۴ علمی به ترسندگان خود دادهای تا آن را برای راستی برافرازند، سلاه .

۵ تا حیبیان تو نجات یابند . به دست راست خود نجات ده و مرا مستجاب فرما .
 خدا در قدوسیت خود سخن گفته است . پس وجد خواهیم نمود . شکیم را تقسیم میکنم و وادی سکوت را خواهیم پیود .

۷ جلعا داز آن من است، منسی از آن من . افرایم خود سر من است و په و ادعصای سلطنت من .

۸ موآب ظرف طهارت من است و برادوم کفش خود را خواهمانداخت . ای فلسطین برای من بانگ برآور!

کیست که مرا به شهر حصین در آورد؟ و کیست که مرا به ادم رهبری کند؟

مگر نه تو ای خدا که ما را در ورنانداختهای و بالشکرهای ما ای خدا بیرون نمی آیی؟
 مرا از دشمن اعانت فرما زیرا معاونت انسان باطل است .

۱۲ با خدا ظفر خواهیم یافت . زیرا او ست که دشمنان ما را پایمال خواهد کرد .

فریاد مرابشنو

برای سالار مغنیان بر ذوات او تار . مز مورد او د
 ای خدا فریاد مرابشنو! و دعای مرا اجابت فرما!

از اقصای جهان تو را خواهم خواند، هنگامی که دلم بیپوش میشود، مرابه صخرهای که از من بلند تراست هدایت نما.

۳ زیرا که تو ملجای من بودهای و برج قوی از روی دشمن.

۴ در خیمه تو ساکن خواهم بود تا ابد الابد. زیر سایه بالهای تو پناه خواهم برد، سلاه.

۵ زیر اتوای خداندزهای مرا شنیدهای و میراث ترسندگان نام خود را به من عطا کردهای.

۶ بر عمر پادشاه روزها خواهی افزود و سالهای او تا نسلها باقی خواهد ماند.

۷ به حضور خدا خواهد نشست تا ابد الابد. رحمت و راستی را مپایا کن تا او را محافظت کنند.

۸ پس نام تو را تا به ابد خواهم سرآید تا هر روز نذرهای خود را وفا کنم.

نجات از جانب خدا

برای بدو تون سالار مغنیان. مز مورد اود

جان من فقط برای خدا خاموش می شود زیرا که نجات من از جانب اوست.

۲ او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من. پس بسیار جنبش نخواهم خورد.

۳ تا به کی بر مردی هجوم میآوردید تا همگی شما و راهلاک کنید مثل دیوار خم شده و حصار جنبش خورده؟

در این فقط مشورت میکنند که او را از مرتبهاش بیندازند. و دروغ را دوست

میدارند. به زبان خود برکت میدهند و در دل خود لعنت میکنند، سلاه.

ای جان من فقط برای خدا خاموش شوزیرا که امید من از وی است.

۶ او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من تا جنبش نخورم.

۷ بر خداست نجات و جلال من. صخره قوت من و پناه من در خداست.

۸ ای قوم همه وقت بر او توکل کنید و دلهای خود را به حضور وی بریزید. زیرا خدا ملجای ماست، سلاه.

۹ البته بنی آدم بظالتاند و بنی بشر دروغ. در ترازو بالا میروند زیرا جمیع از بظالت سبکترند.

۱۰ بر ظلم توکل مکنید و بر غارت مغرور مشوید. چون دولت افزوده شود دل در آن میندید.

۱۱ خدایک بار گفته است و دوبار این را شنیدهام که قوت از آن خداست.
۱۲ ای خداوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد.

جان من تشنه توست

مز مورد او دهنگامی که در صحرای یهودا بود
ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه تو است و
جسد من مشتاق تو در زمین خشک تشنه بیاب.

۲ چنانکه در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم.
۳ چونکه رحمت تو از حیات نیکو تر است. پس لبهای من ترا تسبیح خواهد خواند.
۴ از این روز تا زنده هستم تو را مبارک خواهم خواند. و دستهای خود را به نام
تو خواهم برافراشت.

۵ جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و پیه. و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد
خواهد گفت،

چون تو را بر بستر خود یاد میآورم و در پاسهای شب در تو تفکرمی کنم.
۷ زیرا تو مدد کار من بودهای و زیر سایه بالهای تو شادی خواهم کرد.
۸ جان من به تو چسبیده است و دست راست تو مرا تایید کرده است.
۹ و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند
رفت.

۱۰ ایشان به دم شمشیر سپرده میشوند و نصیب شغالها خواهند شد.
۱۱ اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد و هر که بدو قسم خورد نخر خواهد نمود. زیرا
دهان دروغگویان بسته خواهد گردید.

حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار

برای سالار مغنیان. مز مورد او د
ای خدا وقتی که تضرع مینمایم، آواز مرا بشنو و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار!
مر از مشورت شیران پنهان کن و از هنگامه گاهکاران.
۳ که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده اند و تیرهای خود یعنی سخنان تلخ را بر زه آراسته اند.

- ۴ تادر کینهای خود بر مرد کامل بیندازند. ناگهان براو میاندازند و نمی ترسند.
- ۵ خویشتن را برای کار زشت تقویت میدهند. درباره پنهان کردن دامها گفتگو میکنند. میگویند: «بست که ما را ببیند؟»
- کارهای بد را تدبیر میکنند و میگویند: «دبیر نیکو کرده ایم.» و اندرون و قلب هر یک از ایشان عمیق است.
- اما خدایان بر ایشان خواهد انداخت. و ناگهان جراحتهای ایشان خواهد شد.
- ۸ وزبانههای خود را بر خود فرود خواهند آورد و هر که ایشان را ببیند فرار خواهد کرد.
- ۹ و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدای را اعلام خواهند کرد و عمل او را درک خواهند نمود.
- ۱۰ و مرد صالح در خداوند شادی میکند و بر او توکل میدارد و جمیع راست دلان، نفر خواهند نمود.

سرود تسبیح

- برای سالار مغنیان. مز مور و سرود داد
ای خدا، تسبیح در صبیون منتظر تو ست. و نذرهای تو وفا خواهد شد.
- ۲ ای که دعا میشنوی! نزد تو تمامی بشر خواهند آمد.
- ۳ گاهان بر من غالب آمده است. تو تقصیرهای مرا کفاره خواهی کرد.
- ۴ خوشباجال کسیکه او را برگزیده، و مقرب خود ساختهای تا به درگاههای تو ساکن شود. از نیکویی خانه تو سیر خواهیم شد و از قدوسیت هیکل تو.
- به چیزهای ترسناک در عدل، ما را جواب خواهی داد، ای خدایی که نجات ماهستی.
ای که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان بعیده دریاهستی.
- ۶ و کوهها را به قوت خود مستحکم ساختهای، و کمر خود را به قدرت بستهای.
- ۷ و تلاطم دریا را ساکن میگردانی، تلاطم امواج آن و شورش امتهارا.
- ۸ ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند. مطلعهای صبح و شام را شادمان میسازی.
- ۹ از زمین تفقد نموده، آن را سیراب میکنی و آن را بسیار توانگر میگردانی. نهر خداز
آب پر است. غله ایشان را آماده میکنی زیرا که بدین طور تهیه کردهای.

- ۱۰ پشته هایش را سیراب میکنی و مرز هایش را پست میسازی. به بارشها آن را شاداب مینمائی. نباتاتش را برکت میدهی.
- ۱۱ به احسان خویش سال را تا جدار میسازی و راههای تو چربی را میچکاند.
- ۱۲ مرتع های صحرائی می چکاند. و کمر تلها به شادمانی بسته شده است.
- ۱۳ چمنها به گوسفندان آراسته شده است و دره ها به غله پیراسته؛ از شادی بانگ میزنند و نیز می سرایند.

بانگ شادمانی برای خدا

برای سالار مغنیان. سرود و زمزمور

ای تمامی زمین، برای خدا بانگ شادمانی بزنید!

جلال نام او را بسرایید! و در تسبیح او جلال او را توصیف نمائید!

خدا را گویند: «مهیّب است کارهای تو! از شدت قوت تو دشمنانت نزد تو تذلل خواهند کرد!»

تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و تو را خواهند سرایید و به نام تو ترنم خواهند نمود.»
سلاه.

بیاید کارهای خدا را مشاهده کنید. او در کارهای خود به بنی آدم مهیب است.

۶ در یارابه خشکی مبدل ساخت و مردم از نهر با پا عبور کردند. در آنجا بدوشادی نمودیم.

۷ در توانایی خود تا به ابد سلطنت میکند و چشمانش مراقب امتهاست. فتنه انگیزان خویشتن را بر نیفرزند، سلاه.

۸ ای قوما، خدای ما را متبارک خوانید و آواز تسبیح او را بشنوانید.

۹ که جانهای ما را در حیات قرار میدهد و ثمنی گذارد که پایهای ما لغزش خورد.

۱۰ زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده ای و ما را اغال گذاشته ای چنانکه نقره را اغال میگذارند.

۱۱ ما را به دام درآوردی و یاری گران پریشتهای ما نهادی.

۱۲ مردمان را بر سر ماسوار گردانیدی و به آتش و آب درآمدیم. پس ما را به جای

خرم بیرون آوردی.

۱۳ قربانی های سوختنی به خانه تو خواهیم آورد. نذرهای خود را به تو وفا خواهیم

شود،

- که لبهای خود را بر آنها گشودم و در زمان تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم.
- ۱۵ قربانی‌های سوختنی پروراری را نزد تو خواهم گذرانید. گوساله‌ها و بزها را با بخور قوچها ذبح خواهم کرد، سلاه.
- ای همه خدا ترسان بیایید و بشنوید تا از آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم.
- ۱۷ به دهانم نژدا و آواز خود را بلند کردم و تسبیح بلند بر زبان من بود.
- ۱۸ اگر بیدی را در دل خود منظور میداشتم، خداوند مرا نمی شنید.
- ۱۹ لیکن خدا مرا شنیده است و به آواز دعای من توجه فرموده.
- ۲۰ متبارک باد خدا که دعای مرا از خود، و رحمت خویش را از من برگردانیده است.

سرود حمد و شادی

- برای سالار مغنیان. مز مورو سرود بر ذوات او تار
خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک سازد و نور روی خود را بر ما متجلی فرماید! سلاه.
- ۲ تاراه تو در جهان معروف گردد و نجات توبه به جمیع امتها.
- ۳ ای خدا قومها تو را حمد گویند. جمیع قومها تو را حمد گویند.
- امتها شادی و ترنم خواهند نمود زیرا قومها را به انصاف حکم خواهی نمود و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد، سلاه.
- ۵ ای خدا قومها تو را حمد گویند. جمیع قومها تو را حمد گویند.
- ۶ آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد و خدا خدای ما، ما را مبارک خواهد فرمود.
- ۷ خدا ما را مبارک خواهد فرمود. و تمامی اقصای جهان از او خواهند رسید.

سرود پیروزی

- برای سالار مغنیان. مز مورو سرود داد
خدا بر خیزد و دشمنانش پراکنده شوند! و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند!
چنانکه دو دود پراکنده میشود، ایشان را پراکنده ساز، و چنانکه موم پیش آتش گداخته
میشود، همچنان شیران به حضور خدا هلاک گردند.

- ۴ اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به وجد آیند و به شادمانی خرسند شوند.
 برای خدا سرود بخوانید و به نام او ترنم نمایید و راهی درست کنید برای او که در صحراها
 سوار است. نام او یهوه است! به حضورش به وجد آید!
- پدر یتیمان و داوریو هزنان، خداست در مسکن قدس خود!
 خدا یکسان را ساکن خانه میگرداند و اسیران را به رستگاری بیرون میآورد، لیکن فتنه
 انگیزان در زمین تفتیده ساکن خواهند شد.
- ۷ ای خدا هنگامی که پیش روی قوم خود بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی،
 سلاه.
- ۸ زمین متزلزل شد و آسمان به حضور خدا بارید. این سینانیز از حضور خدا، خدای
 اسرائیل.
- ۹ ای خدا باران نعمتها بارانیدی و میراث را چون خسته بود مستحکم گردانیدی.
- ۱۰ جماعت تو در آن ساکن شدند. ای خدا، به جود خویش برای مساکین
 تدارک دیدهای.
- خداوند سخن را امید دهد. مبشرات انبوه عظیمی میشوند.
- ۱۲ ملوک لشکرها فرار کرده، منهزم میشوند. وزنی که در خانه مانده است،
 غارت را تقسیم میکند.
- ۱۳ اگر چه در آغلها خوابیده بودید، لیکن مثل بالهای فاخته شده آید که به نقره پوشیده
 است و پرهایش به طلای سرخ.
- ۱۴ چون قادر مطلق پادشاهان را در آن پراکنده ساخت، مثل برف بر صلهون درخشان
 گردید.
- کوه خدا، کوه باشان است، کوهی باقله های افراشته کوه باشان است.
- ۱۶ ای کوههای باقله های افراشته، چرا نگرانید؟ بر این کوهی که خدا برای مسکن
 خود برگزیده است هر آینه خداوند در آن تا به ابد ساکن خواهد بود.
- ۱۷ اربابهای خدا گروهها و هزارهاست. خداوند در میان آنهاست و سینادر
 قدس است.
- ۱۸ بر اعلیٰ علین صعود کرده، و اسیران را به اسیری بردهای. از آدمیان بخششها
 گرفتهای. بلکه از فتنه انگیزان نیز تاپهوه خدا در ایشان مسکن گیرد.

متبارک باد خداوندی که هر روزه متحمل بارهای ما میشود و خدایی که نجات ماست،
سلاه.

۲۰ خدا برای ما، خدای نجات است و مفرهای موت از آن خداوند بیوه است.

۲۱ هر آینه خدا سردشمنان خود را خرد خواهد کوبید و که مویدار کسی را که در گاه
خود سالک باشد.

خداوند گفت: «زیاشان باز خواهم آورد. از ژرفیهای دریا باز خواهم آورد.

۲۳ تاپای خود را در خون فروبری و زبان سگان تو از دشمنانت بهره خود را بیابد.»

ای خدا طریق های تو را دید هاند یعنی طریق های خدا و پادشاه مآدر قدس.

۲۵ در پیش رو، مغنیان میخرامند و در عقب، سازندگان. و در وسط دوشیزگان
دف زن.

۲۶ خدارا در جماعت متبارک خوانید و خداوند را از چشمه اسرائیل.

۲۷ آنجاست بنیامین صغیر، حاکم ایشان و روسای یهودا محفل ایشان. روسای
زیبولون و روسای نفتالی.

۲۸ خدایت برای تو قوت را امر فرموده است. ای خدا آنچه را که برای ما کردهای،
استوار گردان.

۲۹ به سبب هیکل تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو خواهند آورد.

۳۰ و وحش نی زار را تو بیخ فرما و مره گاو را با گوساله های قوم که با شمشهای نقره
نزد تو گردن مینهند. و قوم هایی که جنگ را دوست میدانند پراکنده ساخته
است.

۳۱ سروران از مصر خواهند آمد و حبشه دستهای خود را نزد خدا بزودی دراز خواهد
کرد.

ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید. برای خداوند سرود بخوانید، سلاه.

۳۳ برای او که بر فلک الافلاک قدیمی سوار است.

۳۴ اینک آواز خود را میدهد آوازی که پر قوت است.

۳۵ خدارا به قوت تو صیغف نماید. جلال وی بر اسرائیل است و قوت او در
افلاک.

۳۶ ای خدا از قدسهای خود مهیب هستی. خدای اسرائیل قوم خود را قوت و
عظمت میدهد. متبارک باد خدا.

فریاد کمک

- برای سالار مغنیان برسوسنهام. زم مورد او د
 خدایا مرا نجات ده! زیرا آبهام بجان من درآمده است.
- ۲ در خلاب ژرف فرورفته‌ام، جایی که نتوان ایستاد. به آبهای عمیق درآمده‌ام و
 سیل مرا میپوشاند.
- ۳ از فریاد خود خسته شد هام و گوی من سوخته و چشمانم از انتظار خداتار گردیده
 است.
- ۴ آنانی که بیسبب از من نفرت دارند، از مویهای سرم زیاد هاند و دشمنان ناحق من
 که قصد هلاکت من دارند زور آورند. پس آنچه نگرفته بودم، رد کردم.
- ۵ ای خدا، تو حماقت مرا میدانی و گناهاتم از تو مخفی نیست.
- ۶ ای خداوندیوه صبا یوت، منتظرین تو بهسبب من نجمل نشوند. ای خدای
 اسرائیل، طالبان تو بهسبب من رسوا نگردند.
- ۷ زیرا بچخاطر تو متحمل عار گردید هام و رسوایی روی من، مرا پوشیده است.
- ۸ نزد برادرانم اجنبی شده‌ام و نزد پسران مادر خود غریب.
- ۹ زیرا غیرت خانه تو مرا خورده است و ملامت‌های ملامت کنندگان تو بر من طاری
 گردیده.
- ۱۰ روزه داشته، جان خود را مثل اشک ریخته‌ام. و این برای من عار گردیده
 است.
- ۱۱ پلاس رالباس خود ساختهام و نزد ایشان ضربالمثل گردید هام.
- ۱۲ دروازه نشینان در باره من حرف میزنند و سر و دم میگساران گشته‌ام.
- ۱۳ و اما من، ای خداوند دعای خود را در وقت اجابت نزد تو میکنم. ای خدادار
 کثرت رحمانیت خود در راستی نجات خود مرا مستجاب فرما.
- ۱۴ مرا از خلاب خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفرت کنندگانم و از زرفیهای آب رستگار
 شوم.
- ۱۵ مگذار که سیلان آب مرا بپوشاند و زرفی مرا ببلعد و هاویه دهان خود را بر من ببندد.

- ۱۶ ای خداوند مرا مستجاب فرما زیرا رحمت تونیکوست. به کثرت رحمانیتت بر من توجه نما.
- ۱۷ وروی خود را از بنده ات میپوشان زیرا در تنگی هستم مرا بزودی مستجاب فرما.
- ۱۸ به جاتم نزدیک شده، آن را رستگار ساز. به سبب دشمنانم مرا فدیہ ده.
- تو عار و نجات و رسوایی مرا میدانی و جمیع خصمانم پیش نظر تواند.
- ۲۰ عار، دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده ام. انتظار مشفق کشیدم، ولی نبود و برای تسلی دهندگان، امانیافتم.
- ۲۱ مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند.
- ۲۲ پس مائده ایشان پیش روی ایشان تله باد و چون مطمئن هستند دایمی باشد.
- ۲۳ چشمان ایشان تار گردد تا نبینند. و کمرهای ایشان را دائم لرزان گردان.
- ۲۴ خشم خود را بر ایشان بریز و سورت غضب تو ایشان را در یابد.
- ۲۵ خانه های ایشان مخروبه گردد و در خیمه های ایشان هیچکس ساکن نشود.
- ۲۶ زیرا بر کسیکه توزدهای جفای کنند و دردهای کوفتگان تو را اعلان می نمایند.
- ۲۷ گناه بر گناه ایشان مزید کن و در عدالت تو داخل نشوند.
- ۲۸ از دفتر حیات محو شوند و با صالحین مرقوم نگردند.
- و امان، مسکین و دردمند هستم. پسای خدا، نجات تو مرا سرفراز سازد.
- ۳۰ و نام خدا را با سرود تسبیح خواهم خواند و او را با حمد تعظیم خواهم نمود.
- ۳۱ و این پسندیده خدا خواهد بود، زیاده از گاو و گوساله ای که شاخها و سمها دارد.
- ۳۲ حلیمان این را دیده، شادمان شوند، و ای طالبان خدا دل شمان زنده گردد، زیرا خداوند فقیران را مستجاب میکند و اسیران خود را حقیقیر نمی شمارد.
- ۳۴ آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند. آبها نیز آنچه در آنها می جنبد.
- ۳۵ زیرا خدا صهیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهود را بنا خواهد نمود تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند.
- ۳۶ و ذریت بندگانش وارث آن خواهند شد و آتانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

دعای اعانت

برای سالار مغنیان . مز مورد اود به جهت یاد گاری
 خدایا، برای نجات من بشتاب! ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما!
 آنانی که قصد جان من دارند، نخل و شرمندہ شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند،
 رو برگردانیده و رسوا گردند،
 و آنانی که هه هه میگویند، به سبب نجات خویش رو برگردانیده شوند.
 و اما جمیع طالبان تو، در تو وجود و شادی کنند، و دوست دارندگان نجات تو دائم گویند:
 «دامتعال باد»!
 و اما من مسکین و فقیر هستم . خدایا برای من تعجیل کن . تو مدد کار و نجات دهنده
 من هستی . ای خداوند تاخیر منما .

دعای مر دپیر

در تو ای خداوند پناه برد هام ، پس تا به ابد نخل نخواهم شد .
 ۲ به عدالت خود مرا اخلاصی ده و برهان . گوش خود را به من فرا گیر و مرا نجات
 ده .
 ۳ برای من صخره سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم . توبه نجات من امر
 فرمودهای ، زیر صخره و قلعه من تو هستی .
 ۴ خدایا مرا از دست شریر برهان و از کف بد کار و ظالم .
 زیرا ای خداوند یهوه ، تو امید من هستی و از طفولیتم اعتماد من بودهای .
 ۶ از شکم بر تو انداخته شده ام . از رحم مادر مملو ای من توبه های و تسبیح من
 دائم در باره تو خواهد بود .
 ۷ بسیاری را آیتی عجیب شده ام . لیکن تو ملجای زور آور من هستی .
 ۸ دهانم از تسبیح تو پر است و از کبریایی تو تمامی روز .
 در زمان پیری مرا دور مینداز چون قوتم زایل شود مرا ترک منما .
 ۱۰ زیرا دشمنانم بر من حرف میزنند و مترصدان جانم بایکدیگر مشورت میکنند
 و میگویند: «داورا ترک کرده است . پس اورا تعاقب کرده ، بگیرید ، زیرا که
 رها ندهای نیست .»

- ای خدا از من دور مشو. خدا یابه اعانت من تعجیل نما.
 ۱۳ خصمان جانم نخل وفانی شوند.
 و اما من دائم امیدوار خواهم بود و بر همه تسبیح تو خواهم افزود.
- ۱۵ زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و نجات را تمامی روز. زیرا که حد شماره آن را نمی دانم.
- ۱۶ در توانایی خداوند بیهو خواهم آمد. و از عدالت تو بس خبر خواهم داد.
- ۱۷ ای خدا از طفولیت مرا تعلیم داده‌ای و تا الان، عجایب تو را اعلان کرده‌ام.
- ۱۸ پسای خدا، مرا تا زمان پیری و سفید مویی نیز ترک مکن، تا این طبقه را از بازوی تو خبر دهم و جمیع آیندگان را از توانایی تو.
- ۱۹ خدا یا عدالت تو تا اعلیٰ علین است. تو کارهای عظیم کرده‌ای. خدا یا مانند تو کیست؟
- ای که تنگیهای بسیار و سخت رابه ما نشان داده‌ای، رجوع کرده، باز ما را زنده خواهی ساخت؛ و برگشته، ما را از عمق‌های زمین بر خواهی آورد.
- ۲۱ بزرگی مرا زید خواهی کرد و برگشته، مرا تسلی خواهی بخشید.
- ۲۲ پس من نیز تو را بربط خواهم ستود، یعنی راستی تو را ای خدای من. و تو را ای قدوس اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود.
- ۲۳ چون برای تو سرود میخوانم لبهایم بسیار شادی خواهد کرد و جانم نیز که آن را فدیة داده‌ای.
- ۲۴ زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر خواهد کرد. زیرا آنانی که برای ضرر من میکوشیدند نخل و رسوا گردیدند.

دعا برای پادشاه

مز مور سلیمان

- ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه!
 و او قوم تو را به عدالت داور می خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف.
 ۳ آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد و تله‌های نیز در عدالت.

- ۴ مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد؛ و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد؛ و ظالمان را بزبون خواهد ساخت.
- ۵ از تو خواهند ترسید، مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات.
- ۶ او مثل باران بر علف زار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارشهایی که زمین را سیراب میکند.
- ۷ در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگرده.
- ۸ او حکمرانی خواهد کرد از دریاتادریا و از نهر تا اقصای جهان.
- ۹ به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید.
- ۱۰ پادشاهان ترشیش و جزایر هدا یا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبار مغناها خواهند رسانید.
- ۱۱ جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود.
- ۱۲ زیرا چون مسکین استغاثه کند، او راهایی خواهد داد و فقیری را که رهانندهای ندارد.
- ۱۳ بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جانهای مساکین را نجات خواهد بخشید.
- ۱۴ جانهای ایشان را از ظلم و ستم فدیة خواهد داد و خون ایشان در نظروی گران بها خواهد بود.
- او زنده خواهد ماند و از طلای شبا بدو خواهد داد. دائم برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند.
- ۱۶ و فراوانی غله در زمین برقله کوهها خواهد بود که ثمره آن مثل لبنان جنبش خواهد کرد. و اهل شهرها مثل علف زمین نشوونما خواهند کرد.
- نام او تا ابد الابد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت های زمین او را خوشحال خواهند خواند.
- ۱۸ متبارک بادیهو خدا که خدای اسرائیل است. که او فقط کارهای عجیب میکند.
- ۱۹ و متبارک باد نام مجید او تا ابد الابد. و تمامی زمین از جلال او پر بشود.

آمین و آمین.
دعاهای داود بنیسی تمام شد.

عدالت خدا

مز مورآساف

- هرآینه خدا برای اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاک دل هستند.
- ۲ و اما من نزدیک بود که پایهایم از راه در رود و نزدیک بود که قدمهایم بلغزد.
- ۳ زیرا بر متکبران حسد بردم چون سلامتی شیران را دیدم.
- ۴ زیرا که در موت ایشان قیدها نیست و قوت ایشان مستحکم است.
- ۵ مثل مردم در زحمت نیستند و مثل آدمیان مبتلانی باشند.
- بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است و ظلم مثل لباس ایشان را میپوشاند.
- ۷ چشمان ایشان از فریبی بدرآمده است و از خیالات دل خود تجاوز میکنند.
- ۸ استهزای میکنند و حرفهای بد میزنند و سخنان ظلم آمیز را از جای بلند می گویند.
- ۹ دهان خود را بر آسمانها گذارده اند و زبان ایشان در جهان گردش میکند.
- ۱۰ پس قوم او بدینجا برمی گردند و آبهای فراوان، بدیشان نوشانیده میشود.
- ۱۱ و ایشان میگویند: «دا چگونه بداند و آیا حضرت اعلی علم دارد؟»
- اینک اینان شیر هستند که همیشه مطمئن بوده، درد و التندی افزوده میشوند.
- ۱۳ یقین من دل خود را عبث طاهر ساخته و دستهای خود را به پاکی شستهام.
- ۱۴ و من تمامی روز مبتلای شوم و تادیب من هر بامداد حاضر است.
- ۱۵ اگر میگفتم که چنین سخن گویم، هرآینه بر طبقه فرزندان تو خیانت میکردم.
- ۱۶ چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد.
- ۱۷ تا به قدسهای خدادا داخل شدم. آنگاه در آخرت ایشان تامل کردم.
- ۱۸ هرآینه ایشان را در جایهای لغزنده گذاردهای. ایشان را به خرابیها خواهی انداخت.
- ۱۹ چگونه بغته به هلاکت رسید هاند! تباه شده، از ترسهای هولناک نیست گردیده هاند.

- ۲۰ مثل خواب کسی چون پیدا رشد، ای خداوند همچنین چون بر خیزی، صورت ایشان رانا چیز خواهی شمرد.
- لیکن دل من تلخ شده بود و در اندرون خود، دل ریش شده بودم.
- ۲۲ و من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم.
- ۲۳ ولی من داعم با تو هستم. تو دست راست مرا تا پید کردی.
- ۲۴ موافق رای خود مرا هدایت خواهی نمود و بعد از این مرا به جلال خواهی رسانید.
- ۲۵ کیست برای من در آسمان؟ و غیر از تو هیچ چیز را در زمین نمی خواهیم.
- ۲۶ اگر چه جسد و دل من زائل گردد، لیکن صخره دلم و حصه من خداست تا ابد الا باد.
- ۲۷ زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند شد. و آنانی را که از تو زنا میکنند، نابود خواهی ساخت.
- ۲۸ و اما مرا نیکوست که به خدا اتقرب جویم. بر خداوند یهوه توکل کرده ام تا همه کارهای تو را بیان کنم.

دعا برای نجات قوم

قصیده آساف

- چرا ای خدا ما را ترک کرده ای تا به ابد و خشم تو بر گوسفندان مرتع خود فروخته شده است؟
- جماعت خود را که از قدیم خریدهای، بیاد آور و آن را که فدیه دادهای تا سبط میراث تو شود و این کوه صهیون را که در آن ساکن بودهای.
- ۳ قدمهای خود را بسوی خرابه های ابدی بردار زیرا دشمن هر چه را که در قدس تو بود خراب کرده است.
- ۴ دشمنان در میان جماعت تو غرش میکنند و علمهای خود را برای علامات بر پامینمایند.
- ۵ و ظاهری می شوند چون کسانی که تبرها را بر درختان جنگل بلند میکنند.
- ۶ و الان همه نقشهای تراشیده آن را به تبرها و چکشها خرد میکنند.
- ۷ قدس های تو را آتش زده اند و مسکن نام تو را تا به زمین بیحرمت کرده اند.
- ۸ و در دل خود می گویند آنها را تمام خراب میکنیم. پس جمیع کنیسه های خدا را در زمین سوزانید هاند.

- ۹ آیات خود را نمی بینیم و دیگر هیچ نبی نیست. و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود.
- ۱۰ ای خدا، دشمن تابه کی ملامت خواهد کرد؟ و آیا خصم، تابه بدنام تورا اهانت خواهد نمود؟
- چرا دست خود یعنی دست راست خویش را برگردانیدهای؟ آن را از گریبان خود بیرون کشیده، ایشان را فانی کن.
- و خدا از قدیم پادشاه من است. او در میان زمین نجات پدید میآورد.
- ۱۳ توبه قوت خود در یار امنش ساختی و سرهای نهنگان را در آبها شکستی.
- ۱۴ سرهای لویاتان را کوفته، و او را خوراک صحرائشینان گردانیدهای.
- ۱۵ تو چشمهها و سیلها را شکافتی و نهرهای دائمی را خشک گردانیدی.
- ۱۶ روز آن تو ست و شب نیز آن تو. نور و آفتاب را تو برقرار نمودهای.
- ۱۷ تمامی حدود جهان را تو پایدار ساختهای. تابستان و زمستان را تو ایجاد کردهای.
- ای خداوند این را بیاد آور که دشمن ملامت میکند و مردم جاهل نام تورا اهانت مینمایند.
- ۱۹ جان فاخته خود را به جانور وحشی مسپار. جماعت مسکینان خود را تابه ابد فراموش مکن.
- ۲۰ عهد خود را ملاحظه فرما زیرا که ظلمات جهان از مسکن های ظلم پر است.
- ۲۱ مظلومان به رسوایی برنگردند. مساکین و فقیران نام تورا حمد گویند.
- ۲۲ ای خدا بر خیز و دعوی خود را برپا دار؛ و بیاد آور که احمق تمامی روز تورا ملامت میکند.
- ۲۳ آواز دشمنان خود را فراموش مکن و غوغای مخالفان خود را که پیوسته بلند میشود.

خدا، داور جهان

برای سالار مغنیان بر لاتهک. مز مور و سرود آساف
 تورا حمد میگویم! ای خدا تورا حمد میگویم! زیرا نام تو نزدیک است و مردم کارهای
 عجیب تورا ذکر میکنند.

۲ هنگامی که به زمان معین برسم برستی داور می خواهم کرد.

- ۳ زمین و جمیع ساکنانش گداخته شده‌اند. من ارکان آن را برقرار نمودم، سلاه.
- ۴ متکبران را گفتم: «خرمکنید!» و به شیران که «اخ خود را میفرازید.
- ۵ شاخهای خود را به بلندی میفرازید. و با گردن کشتی سخنان تکبرآمیز مگویند.»
زیرانه از مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرفرازی میآید.
- لیکن خدا، داو را ست. این رابه زیر میاندازد و آن را سرفرازمینماید.
- ۸ زیرا در دست خداوند کاسهای است و یاده آن پر جوش. از شراب مزوج پر است که از آن میریزد. و اما دردهایش را جمیع شیران جهان افشرد، خواهند نوشید.
- ۹ و اما من، تابه ابد ذکر خواهم کرد و برای خدای یعقوب ترنم خواهم نمود.
- ۱۰ جمیع شاخهای شیران را خواهم برید و اما شاخهای صالحین برافراشته خواهد شد.

مجد خدا

- برای سالار مغنیان بر ذوات او تار. مز مور و سر و آساف
خدا در یهود معروف است و نام او در اسرائیل عظیم!
خیمه او است در شالیم و مسکن او در صهیون.
- ۳ در آنجا، بر قهای کمان را شکست. سپر و شمشیر و جنگ را، سلاه.
- ۴ تو جلیل هستی و مجید، زیاده از کوههای یغما!
قوی دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان را در ر بود و همه مردان زور آوردست خود را نیافتند.
- ۶ از تو بیخ توای خدای یعقوب، بر اراهه ها و اسبان خوایی گران مستولی گردید.
- ۷ تو مهیب هستی، تو! و در حین غضبت، کیست که به حضور تو ایستد؟
از آسمان داوری را شنویندی. پس جهان بترسید و ساکت گردید.
- ۹ چون خدا برای داوری قیام فرماید تا همه مساکین جهان را خلاصی بخشد، سلاه،
آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت و باقی خشم را بر کمر خود خواهی بست.
- ۱۱ نذر کنید و وفا نمائید برای یهوه خدای خود. همه که گردا گرد او هستند، هدیه بگذرانند نزد او که مهیب است.

۱۲ روح روسارا منقطع خواهد ساخت و برای پادشاهان جهان مهیب میباشد.

راحت در روز تنگی

برای سالار مغنیان برید و تون. مز مور آساف
آواز من بسوی خداست و فریاد می کنم. آواز من بسوی خداست گوش خود را به
من فرا خواهد گرفت.

۲ در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم. در شب، دست من دراز شده،
باز کشیده نگشت و جان من تسلی نپذیرفت.

۳ خدا را یاد میکنم و پریشان میشوم. تفکر مینمایم و روح من متحیر میگردد، سلاه.

۴ چشمانم را بیدار میداشتی. بیتاب میشدم و سخن نمی توانستم گفت.

۵ درباره ایام قدیم تفکر کرده ام. درباره سالهای زمانهای سلف.

۶ سر و شبانه خود را بنحاطر میآورم و در دل خود تفکرمی کنم و روح من تفتیش نموده
است.

۷ مگر خدا تابه ابد ترک خواهد کرد و دیگر گره گزاضی نخواهد شد.

۸ آیا رحمت او تابه ابد زایل شده است؟ و قول او باطل گردیده تا ابد الا باد؟

آیا خدا رفت را فراموش کرده؟ و رحمت های خود را در غضب مسدود ساخته است؟
سلاه.

۱۰ پس گفتم این ضعف من است. زهی سالهای دست راست حضرت اعلی!

کارهای خداوند را ذکر خواهم نمود زیرا کار عجیب تورا که از قدیم است به یاد خواهم
آورد.

۱۲ و در جمیع کارهای تو تا منم نخواهم کرد و در صنعتهای تو تفکر خواهم نمود.

ای خدا، طریق تو در قدوسیت است. کیست خدای بزرگ مثل خدا؟

تو خدایی هستی که کارهای عجیب میکنی و قوت خویش را بر قومها معروف گردانیده ای.

۱۵ قوم خود را به بازوی خویش رهانیده ای یعنی بنی یعقوب و بنی یوسف را. سلاه.

۱۶ آهاتورا دید، ای خدا آهاتورا دیده، متزلزل شد. لجهان نیز سخت مضطرب

گردید.

- ۱۷ ابرهآب بریخت وافلاک رعدبداد. تیرهای تونیزبه هر طرف روان گردید.
- ۱۸ صدای رعدتودر گردبادبودورقهاربع مسکون راروشن کرد. پس زمین مرتعش و متزلزل گردید.
- ۱۹ طریق تودر ریاست و راههای تودر آبهای فراوان و آثار تورا نتوان دانست.
- ۲۰ قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی نمودی، به دست موسی و هارون.

قوم خدا

قصیده آساف

ای قوم من شریعت مرا بشنوید! گوشهای خود را به سخنان دهانم فرا گیرید!
دهان خود را به مثل باز خواهیم کرده چیزهایی که از بنای عالم مخفی بود تنطق خواهیم نمود.

- ۳ که آنها را شنیده و دانستیم و پدران ما برای ما بیان کرده اند.
- ۴ از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم کرد. تسبیحات خداوند را برای نسل آینده بیان میکنیم و قوت او و اعمال عجیبی را که او کرده است.
- ۵ زیرا که شهادتی در یعقوب بر یاد داشت و شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان خود تعلیم دهند؛
تانسلی آینده آنها را بدانند و فرزندان که میبایست مولود شوند تا ایشان بر خیزند و آنها را به فرزندان خود بیان نمایند؛
و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند.
- ۸ و مثل پدران خود نسلی گردن کش و فتنه انگیز نشوند، نسلی که دل خود را راست نساختند و روح ایشان بسوی خدا امین نبود.
- بنی افرایم که مسلح و کمان کش بودند، در روز جنگ رو بر تافتند.
- ۱۰ عهد خدا را نگاه نداشتند و از سلوک به شریعت او با نمودند،
و اعمال و عجایب او را فراموش کردند که آنها را بدیشان ظاهر کرده بود،
و در نظر پدران ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن.
- ۱۳ در یارامشق ساخته، ایشان را عبور داد و آبهارا مثل توده بر پانمود.

۱۴ و ایشان را در روز به ابراهنمایی کرد و تمامی شب به نور آتش .
 ۱۵ در صحرا صخره‌ها را بشکافت و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید.
 ۱۶ پس سیل‌ها را از صخره بیرون آورد و آب را مثل نهرها جاری ساخت .
 ۱۷ و بار دیگر بر او نگاه ورزیدند و بر حضرت اعلی در صحرا افتنه انگیزختند ،
 و در دل‌های خود خدا را امتحان کردند ، چونکه برای شهوات خود غذا خواستند .
 ۱۹ و بر ضد خدا تکلم کرده ، گفتند : « یا خدا میتواند در صحرا سفرهای حاضر کند ؟
 اینک صخره را زد و آب‌ها روان شد و اوادیه‌ها جاری گشت . آیامیتواند نان را نیز بدهد .
 و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد ؟ »
 پس خدا این را شنیده ، غضبناک شد و آتش در یعقوب افروخته گشت و خشم بر اسرائیل

مشتعل گردید .

۲۲ زیرا به خدا ایمان نیاوردند و به نجات او اعتماد ننمودند .
 ۲۳ پس ابرهارا از بالا امر فرمود و درهای آسمان را گشود
 و من را بر ایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را بدیشان بخشید .
 ۲۵ مردمان ، نان زور آوران را خوردند و آذوقه‌های برای ایشان فرستاد تا سیر شوند .
 ۲۶ باد شرقی را در آسمان وزانید و به قوت خود ، باد جنوبی را آورد ،
 و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید و مرغان بالدار را مثل ریگ دریا .
 ۲۸ و آن را در میان اردوی ایشان فرود آورد ، گرداگرد مسکن‌های ایشان .
 ۲۹ پس خوردند و نیکو سپردند و موافق شهوات ایشان بدیشان داد .
 ۳۰ ایشان از شهوت خود دست نکشیدند . و غذا هنوز در دهان ایشان بود
 که غضب خدا بر ایشان افروخته شده ؛ تنومندان ایشان را بکشت و جوانان اسرائیل
 را هلاک ساخت .

با وجود این همه ، باز نگاه ورزیدند و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند .
 ۳۳ بنابراین ، روزهای ایشان را در بطلت تمام کرد و سال‌های ایشان را در ترس .
 ۳۴ هنگامی که ایشان را کشت او را طلبیدند و باز گشت کرده ، درباره خدا تفحص
 نمودند ،

و به باد آوردند که خدا صخره ایشان ، و خدای تعالی ولی ایشان است .
 ۳۶ اما به دهان خود او را تملق نمودند و به زبان خویش به او دروغ گفتند .

- ۳۷ زیرا که دل ایشان با اوراست نبود و به عهد وی موتمن نبودند.
اما و به حسب رحمانیتش نگاه ایشان را عفو نموده، ایشان را هلاک نساخت بلکه بارها غضب خود را بر گردانیده، تمامی خشم خویش را بر نینگیخت.
- ۳۹ و به یاد آورد که ایشان بشرند، بادی که می رود و بر نمی گردد.
۴۰ چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیزختند و او را در بادیه رنجانیدند.
۴۱ و برگشته، خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند،
و قوت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود.
۴۳ که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن.
۴۴ و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود و رودهای ایشان را نتوانستند نوشید.
۴۵ انواع پیشهاد در میان ایشان فرستاد که ایشان را گردیدند و غوکهایی که ایشان را تباه نمودند؛
و محصول ایشان را به کرم صدف اسپرد و عمل ایشان را به ملخ داد.
- ۴۷ تا کستان ایشان را به تگرگ خراب کرد و درختان جمیز ایشان را به تگرگهای درشت.
۴۸ بهایم ایشان را به تگرگ سپرد و مواشی ایشان را به شعله های برق.
۴۹ و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق را، به فرستادن فرشتگان شریر.
۵۰ و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از موت نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به و با تسلیم نمود.
- ۵۱ و همه نخست زادگان مصر را کشت، اوایل قوت ایشان را در خیمه های حام.
و قوم خود را مثل گوسفندان کوچانید و ایشان را در صحرا مثل گله راهنمایی نمود.
۵۳ و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند و در یاد شمتان ایشان را پوشانید.
۵۴ و ایشان را به حدود مقدس خود آورد، بدین کوهی که به دست راست خود تحصیل کرده بود.
- ۵۵ و امتهار از حضور ایشان راند و میراث را برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد و اسباط اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید.
لیکن خدای تعالی را امتحان کرده، بدو فتنه انگیزختند و شهادت او را نگاه نداشتند.

۵۷ و برگشته، مثل پدران خود خیانت ورزیدند و مثل کمان خطا کننده منحرف شدند.
۵۸ و به مقامهای بلند خود خشم او را به هیجان آوردند و به تهای خویش غیرت او را جنبش دادند.

۵۹ چون خدا این را بشنید غضبناک گردید و اسرائیل را به شدت مکروه داشت.
۶۰ پس مسکن شیلو را ترک نمود، آن خیمهای را که در میان آدمیان برپا ساخته بود،
(و ابوت (قوت خود را به اسیری داد و جمال خویش را به دست دشمن سپرد،
و قوم خود را به شمشیر تسلیم نمود و با میراث خود غضبناک گردید.

۶۳ جوانان ایشان را آتش سوزانید و برای دوشیزگان ایشان سرو و نکاح نشد.

۶۴ کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند و بیوه های ایشان نوحه گری نمودند.

آنگاه خداوند مثل کسیکه خوابیده بود بیدار شد، مثل جباری که از شراب میخروشد،
و دشمنان خود را به عقب زد و ایشان را عار ابدی گردانید.

۶۷ و خیمه یوسف را در نموده، سبط افرایم را برنگزید.

۶۸ لیکن سبط یهودا را برگزید و این کوه صهیون را که دوست میداشت.

۶۹ و قدس خود را مثل کوههای بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا ابد الاباد بنیاد نهاد.

۷۰ و بنده خود را و در ابرگزید و او را از آغلهای گوسفندان گرفت.

۷۱ از عقب میشهای شیرده او را آورد تا قوم او یعقوب و میراث او اسرائیل را رعایت کند.

پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد.

دعای برای نجات قوم

مرز مورآساف

ای خدا، امتهابه میراث تو داخل شده، هیکل قدس تو را بیعصمت ساختند. اورشلیم را خرابها نمودند.

۲ لاشهای بندگانت را به مرغان هوا برای خوراک دادند و گوشت مقدسانت را به وحوش صحراء

- ۳ خون ایشان را گردا گردا و در اورشلیم مثل آب ریختند و کسی نبود که ایشان را دفن کند.
- ۴ نزد همسایگان خود عار گردیدیم و نزد مجاوران خویش استهزا و سخریه شدیم.
- ۵ تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود؟ آیا غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد شد تا ابد الابد؟
- قهر خود را بر امت هایی که تو را نمی شناسند بر زور ممالکی که نام تو را نمی خوانند!
- زیرا که یعقوب را خورده، و مسکن او را خراب کرده اند.
- گگهان اجداد ما را بر ما میاد میاور. رحمت های تو برودی پیش روی ما آید زیرا که بسیار ذلیل شدیم.
- ۹ ای خدا، ای نجات دهنده ما، به خاطر جلال نام خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و بخاطر نام خود گگهان ما را بیامرز.
- ۱۰ چرا ما را گویند که خدای ایشان کجاست؟ انتقام خون بندگانت که ریخته شده است، بر امتها در نظر ما معلوم شود.
- ۱۱ ناله اسیران به حضور تو برسد. به حسب عظمت بازوی خود آنانی را که به موت سپرده شده اند، برهان.
- ۱۲ و جزای هفت چندان به آغوش همسایگان ما رسان، برای اهانتی که به تو کرده اند، ای خداوند.
- ۱۳ پس ما که قوم تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم گفت و تسبیح تو را نسلا بعد نسل ذکر خواهیم نمود.

دعا برای تفقد از قوم

برای سالار مغنیان. شهادتی برسوسنها. مز مور آساف
ای شبان اسرائیل بشنو! ای که یوسف را مثل گله رعایت میکنی! ای که بر کروی بین جلوس نمودهای، تجلی فرما!

به حضور افرایم و بنیامین و منسی، توانایی خود را بر انگیز و برای نجات ما!

ای خدا ما را باز آور و روی خود را روشن کن تا نجات یابیم!

ای یهوه، خدای صبا یوت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک خواهی بود،

نان ماتم را بدیشان میخورانی و اشکهای بیاندازه بدیشان مینوشانی؟
 مارا محل منازعه همسایگان ما ساختهای و دشمنان مادر میان خویش استهزای نمایند.
 ۷ ای خدای لشکرها ما را باز آور و روی خود را روشن کن تا نجات یابیم!
 موی را از مصر بیرون آوردی. امتهارا بیرون کرده، آن را غرس نمودی.
 ۹ پیش روی آن را وسعت دادی. پس ریشه خود را نیکو کرده، زمین را پر ساخت.
 ۱۰ کوهها به سایه اش پوشانیده شد و سروهای آزاد خدا به شاخه هایش.
 ۱۱ شاخه های خود را تابه دریا پهن کرد و فرعهای خویش را تابه نهر.
 ۱۲ پس چرا دیوار هایش را شکستهای که هر راهگذری آن را میچیند؟
 گرازهای جنگل آن را ویران میکنند و وحوش صحرا آن را میچرنند.
 ای خدای لشکرها رجوع کرده، از آسمان نظر کن و بین و از این موفقتنا
 و از این نهالی که دست راست تو غرس کرده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی
 ساختهای!

مثل هیزم در آتش سوخته شده و از عتاب روی تو تباه گردید هاند!
 دست تو بر مرد دست راست تو باشد و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساختهای.
 ۱۸ و ما از تو رو نخواهیم تافت. ما را حیات بده تا نام تو را بخوانیم.
 ۱۹ ای یهوه، خدای لشکرها ما را باز آور و روی خود را روشن ساز تا نجات یابیم.

پیروی از خداوند

برای سالار مغنیان برجیتیت. مز مور آساف
 ترخم نمایید برای خدایی که قوت ماست. برای خدای یعقوب آواز شادمانی دهید!
 سرود را بلند کنید و دف را بیاورید و بر بطن دلتان آواز بارباب!
 کرنا را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما.
 ۴ زیرا که این فریضهای است در اسرائیل و حکمی از خدای یعقوب.
 ۵ این را شهادتی در یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت، جایی که لغتی
 را که نفهمیده بودم شنیدم:
 «وش او را از بار سنگین آزاد ساختم و دستهای او از سبدرها شد.»

۷ در تنگی استدعا نمودی و تورا خلاصی دادم. درست رعد، تورا اجابت کردم و تو راز دآب مر یبه امتحان نمودم.

«ی قوم من بشنو و تورا تا کید می کنم. وای اسرائیل اگر به من گوش دهی.

۹ در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما.

۱۰ من پیوه خدای تو هستم که تورا از زمین مصر بر آوردم. دهان خود در انیکویاز کن و آن را بر خواهم ساخت.

۱۱ لیکن قوم من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل مرا با غموندند.

۱۲ پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم که به مشورت های خود سلوک نمایند.

۱۳ ای کاش که قوم من به من گوش میگرفتند و اسرائیل در طریقهای من سالک میبودند.

۱۴ آنگاه دشمنان ایشان را بزودی به زیر میانداختم و دست خود را بر خصمان ایشان بر می گردانیدم.

۱۵ آنانی که از خداوند نفرت دارند بدو گردن مینهند. اما زمان ایشان باقی میبود تا ابد الابد.

۱۶ ایشان را به نیکوترین گندم میپرورد؛ و تورا به عسل از صخره سیر میگردم.»

خدا در جماعت خدا

مز مور آساف

خدا در جماعت خدا ایستاده است. در میان خدا بان داوری میکند:

«ابه کی به بیانصافی داوری خواهید کرد و شیران را طر فدا ری خواهید نمود؟ سلاه.

۳ فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید. مظلومان و مسکینان را انصاف دهید.

۴ مظلومان و فقیران را برهانید و ایشان را از دست شیران خلاصی دهید.

«می داند و نمی فهمند و در تاریکی راه میروند و جمیع اساس زمین متزلزل می باشد.

۶ من گفتم که شما خدا یانید و جمیع شما فرزندان حضرت اعلی.

۷ لیکن مثل آدمیان خواهید مرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد!»

ای خدا بر خیز و جهان را داوری فرما زیرا که تو تمامی امتهارا متصرف خواهی شد.

دعای برای شکست دشمنان

سرود و مزمور آساف

ای خدا تورا خاموشی نباشد! ای خدا ساکت مباش و میارام!

زیرا اینک دشمنانت شورش میکنند و آنانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته‌اند.

۳ بر قوم تو مکاید می‌اندیشند و بر پناه آوردگان تو مشورت میکنند.

۴ و میگویند: «یابید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر مذکور

نشود.»

زیرا به یک دل با هم مشورت میکنند و بر ضد تو عهد بسته‌اند.

۶ خیمه‌های ادم و واسماعیلیان و موآب و هاجریان.

۷ جبال و عمون و عمالیق و فلسطین با ساکنان صور.

۸ آشور نیز با ایشان متفق شدند و یازوی برای بنی لوطگر دیدند، سلاه.

بدیشان عمل نما چنانکه به مدیان کردی. چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون.

۱۰ که در عیند و رهلاک شدند و سرگین برای زمین گردیدند.

۱۱ سروران ایشان را مثل غراب و ذئب گردان و جمیع امرای ایشان را مثل ذبح و صلبناع.

۱۲ که میگفتند: «ساکن خدا را برای خویشان تو تصرف نمایم.»

ای خدای من، ایشان را چون غبار گرد باد بساز و مانند گاه پیش روی باد.

۱۴ مثل آتشی که جنگل را میسوزاند و مثل شعلهای که کوهها را مشتعل میسازد.

۱۵ همچنان ایشان را به تند باد خود بران و به طوفان خویش ایشان را آشفته گردان.

۱۶ رویهای ایشان را به ذلت پر کن تا نام تورا ای خداوند بطلند.

۱۷ نخل و پریشان بشوند تا ابد الابد و شرمنده و هلاک گردند.

۱۸ و بدانند تو که اسمت یهوه میباشی، به تنها بر تمامی زمین متعال هستی.

اشتیاق برای خانه خدا

برای سالار مغنیان برجتیت. مزمور بنی قورح

ای یهوه صبا یوت، چه دل پذیراست مسکنهای تو!

- جان من مشتاق بلکه کاهیده شده است برای صحنهای خداوند. دلم و جسمم برای خدای حی صیحه میزند.
- ۳ گنجشک نیز برای خود خانهای پیدا کرده است و پرستوک برای خوشتن آشیانهای تابچه های خود را در آن بگذارد، در مذبح های تو ای یهوه صبا یوت که پادشاه من و خدای من هستی.
- ۴ خوشباجال آنانی که در خانه تو ساکنند که تو را دائم تسبیح میخوانند، سلاه.
- ۵ خوشباجال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق های تو در دلهای ایشان.
- ۶ چون از وادی بکا عبور می کنند، آن را چشمه میسازند و باران آن را به برکت میپوشاند.
- ۷ از قوت تا قوت میخرامند و هر یک از ایشان در صهیون نزد خدا حاضر می شوند.
- ای یهوه خدای لشکرها! دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب گوش خود را فرا گیر! سلاه.
- ۹ ای خدایی که سپر ماهستی، بین و به روی مسیح خود نظر انداز.
- ۱۰ زیرایک روز در صحنهای تو بهتر است از هزاره. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را بیشتر می پسندم از ساکن شدن در خیمه های اشرار.
- ۱۱ زیرا که یهوه خدا آفتاب و سپر است. خداوند فیض و جلال خواهد داد. و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که به راستی سالک باشند.
- ۱۲ ای یهوه صبا یوت، خوشباجال کسی که بر تو توکل دارد.

دعای سعادت قوم

- برای سالار مغنیان. مزمور بنی قورح
- ای خداوند از زمین خود راضی شده ای. اسیری یعقوب را باز آورد های.
- ۲ عصیان قوم خود را عفو کرده ای. تمامی گناهان ایشان را پوشانیده ای، سلاه.
- ۳ تمامی غضب خود را برداشته، و از حدت خشم خویش رجوع کرده ای.
- ۴ ای خدای نجات ما، ما را برگردان. و غیظ خود را از ما بردار.
- ۵ آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود؟ و خشم خویش را نسلا بعد نسل طول خواهی داد؟
- آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد تا قوم تو در تو شادی نمایند؟
- ای خداوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما.

- ۸ آنچه خدا بپوه میگوید خواهد شنید زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی خواهد گفت تا بسوی جهالت برنگردند.
- ۹ یقین نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ماسا کن شود.
- ۱۰ رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند. عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسید هانده.
- ۱۱ راستی، از زمین خواهد روید و عدالت، از آسمان خواهد نگرست.
- ۱۲ خداوند نیز چیزهای نیکو را خواهد بخشید و زمین ما محصول خود را خواهد داد.
- ۱۳ عدالت پیش روی او خواهد خرامید و آثار خود را طریقی خواهد ساخت.

دعای نجات

دعای داود

- ای خداوند گوش خود را فرا گرفته، مرا مستجاب فرما زیرا مسکین و نیازمند هستم!
جان مرا نگاه دار زیرا من متقی هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده.
- ۳ ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که تمامی روز تو را میخوانم!
جان بنده خود را شادمان گردان زیرا ای خداوند جان خود را نزد تو برمی دارم.
- ۵ زیرا تو ای خداوند، نیکو و غفار هستی و بسیار رحیم برای آنانی که تو را میخوانند.
- ۶ ای خداوند دعای مرا اجابت فرما و به آواز تضرع من توجه نما!
در روز تنگی خود تو را خواهم خواند زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود.
- ۸ ای خداوند در میان خدایان مثل تونیست و کاری مثل کارهای تونی.
- ۹ ای خداوند همه امت‌هایی که آفریده‌ای آمده، به حضور تو سجده خواهند کرد و نام تو را تجید خواهند نمود.
- ۱۰ زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می‌کنی. تنها خدا هستی.
ای خداوند طریقی خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم. دل مرا واحد ساز تا از نام تو ترسان باشم.
- ۱۲ ای خداوند خدای من تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت و نام تو را تجید خواهم کرد تا ابد الا باد.

- ۱۳ زیرا که رحمت توبه من عظیم است و جان مرا ازها و یه اسفل رهانیدهای.
- ۱۴ ای خدا متکبران بر من برخاسته اند و گروهی از ظالمان قصد جان من دارند و تورا در مد نظر خود نمی آورند.
- ۱۵ و تو ای خدا وند خدای رحیم و کریم هستی. دیر غضب و پراز رحمت و راستی.
- ۱۶ بسوی من التفات کن و بر من کرم فرما. قوت خود را به بنده ات بده و پسر کنیز خود را نجات بخش.
- ۱۷ علامت خوبی رابه من بنماتا آتانی که از من نفرت دارند آن را دیده، نخل شوند زیرا که تو ای خدا وند مرا اعانت کرده و تسلی داده ای.

دروصف اورشلیم

- مز مور و سرود بنی قورح
اساس او در کوه های مقدس است.
- ۲ خدا وند دروازه های صهیون را دوست میدارد، بیشتر از جمیع مسکن های یعقوب.
- ۳ سخنه های مجید در باره تو گفته میشود، ای شهر خدا! سلاه.
- ۴ رهب و بابل را از شناسندگان خود ذکر خواهم کرد. اینک فلسطین و صورو حبش، این در آنجا متولد شده است.
- ۵ و در باره صهیون گفته خواهد شد که این و آن در آن متولد شد هاند. و خود حضرت اعلی آن را استوار خواهد نمود.
- ۶ خدا وند چون امتهارامی نویسد، ثبت خواهد کرد که این در آنجا متولد شده است، سلاه.
- ۷ مغنیان و رقص کنندگان نیز. جمیع چشمه های من در تو است.

فریاد مک

- سرود و مز مور بنی قورح برای سالار مغنیان بر محلت لعنوت. قصیده هیمان ازراحی
ای یهوه خدای نجات من، شب و روز نزد تو فریاد کرده ام.
- ۲ دعای من به حضور تو برسد، به ناله من گوش خود را فرا گیر.
- ۳ زیرا که جان من از بلا یاپر شده است و زندگانیم به قبر نزدیک گردیده.

- ۴ از فرورندگان به هاویه شمرده شده‌ام و مثل مرد بی‌قوت گشتم.
- ۵ در میان مردگان منفرد شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از دست تو منقطع شده‌اند.
- ۶ مراد هاویه اسفل گذاشته‌ای، در ظلمت در زرفیها.
- ۷ خشم تو بر من سنگین شده است و به همه امواج خود مرا مبتلا ساخته‌ای، سلاه.
- ۸ آشنایانم را از من دور کرده، و مرا مکروه ایشان گردانیده‌ای محبوس شده، بیرون نمی‌توانم آمد.
- ۹ چشمانم از مذلت کاهیده شد. ای خداوند، نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز. دستهای خود را به تو دراز کرده‌ام.
- آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی کرد؟ مگر مردگان برخاسته، تو را حمد خواهند گفت؟ سلاه.
- ۱۱ آیا رحمت تو در قبر مذکور خواهد شد؟ و امانت تو در هلاکت؟
- آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام میشود و عدالت تو در زمین فراموشی؟
- و اما من نزد تو ای خداوند فریاد بر آورده‌ام و با مدادان دعای من در پیش تو می‌آید.
- ۱۴ ای خداوند چرا جان مرا ترک کرده، و روی خود را از من پنهان نمودهای.
- ۱۵ من مستمند و از طفولیت مشرف بر موت شده‌ام. ترسهای تو را تحمل شده، متحیر گردیده‌ام.
- ۱۶ حدت خشم تو بر من گذشته است و خوف‌های تو مرا هلاک ساخته.
- ۱۷ مثل آب دور مرا گرفته است تمامی روز و مرا از هر سو احاطه نموده.
- ۱۸ یاران و دوستان را از من دور کرده‌ای و آشنایانم را در تاریکی.

دعا برای قوم

قصیده‌ایتان از راحی
 رحمت‌های خداوند را تا ابد خواهیم سراپید. امانت تو را به دهان خود نسلا بعد
 نسل اعلام خواهیم کرد.

- ۲ زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا ابد الابد و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی ساخت.
- ۳ با برگزیده خود عهد بستهام. برای بنده خویش داود قسم خورد هام.
- ۴ که ذریت تو را پایدار خواهد ساخت تا ابد الابد و تحت تو را نسلا بعد نسل بنا خواهم نمود، سلاه.
- ۵ و آسمانها کارهای عجیب تو را ای خداوند تعجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت مقدسان.
- ۶ زیرا کیست در آسمانها که با خداوند برابری تواند کرد؟ و از فرزندان زور آوران که را با خداوند تشبیه توان نمود؟
- خدا اینها پیت مهیب است در جماعت مقدسان و ترسناک است بر آنانی که گردا گرد او هستند.
- ۸ ای یهوه خدای لشکرها! کیستای یاه قدیر مانند تو؟ و امانت تو، تو را احاطه میکند.
- ۹ بر تکبر در یاتو مسلط هستی. چون مواجش بلند می شود، آنها را ساکن میگردانی.
- ۱۰ رهبر مثل کشته شده خرد شکسته های. به بازوی زور آور خویش دشمنانت را پراکنده نمودهای.
- ۱۱ آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو. ربع مسکون و پیری آن را تو بنیاد نهادهای.
- ۱۲ شمال و جنوب را تو آفریده های. تابور و حر مون به نام تو شادی میکنند.
- ۱۳ بازوی تو با قوت است. دست تو زور آور است و دست راست تو متعال.
- ۱۴ عدالت و انصاف اساس تحت تو است. رحمت و راستی پیش روی تو می خرامند.
- خوشا بحال قومی که آواز شادمانی را می دانند. در نور روی تو ای خداوند خواهند خرامید.
- ۱۶ در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز و در عدالت تو سرفراشته خواهند گردید.
- ۱۷ زیرا که فخر قوت ایشان تو هستی و به رضامندی تو شاخ ما مرفع خواهد شد.
- ۱۸ زیرا که سپر ما از آن خداوند است و یاد شاه ما از آن قدوس اسرائیل.
- ۱۹ آنگاه در عالم رویا به مقدس خود خطاب کرده، گفتی که نصرت را بر مردی زور آور نهادم و برگزیده های از قوم را ممتاز کردم.
- ۲۰ بنده خود داود را یافتم و او را به روغن مقدس خود مسح کردم.
- ۲۱ که دست من با او استوار خواهد شد. بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید.

- ۲۲ دشمنی بر اوستم نخواهد کرد و هیچ پسر ظلم بد و اذیت نخواهد رسانید.
- ۲۳ و خصمان او را پیش روی وی خواهم گرفت و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا خواهم گردانید.
- ۲۴ و امانت و رحمت من با وی خواهد بود و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد.
- ۲۵ دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت و دست راست او را بر نهرها.
- ۲۶ او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی، خدای من و صخره نجات من.
- ۲۷ من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت، بلند تر از یاد شاهان جهان.
- ۲۸ رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت تا ابد الابد و عهد من با او استوار خواهد بود.
- ۲۹ و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا ابد الابد و تخت او را مثل روزهای آسمان.
- اگر فرزندان او شریعت مرا ترک کنند، و در احکام من سلوک ننمایند،
اگر فریاض مرا بشکنند، و او امر مرا نگاه ندارند،
آنگاه معصیت ایشان را به عصا تادیب خواهم نمود و گاه ایشان را به تازیانهها.
- ۳۳ لیکن رحمت خود را از او بر نخواهم داشت و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت.
- ۳۴ عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را از دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد.
- ۳۵ یک چیز را به قد و سیت خود قسم خوردم و به داود هرگز دروغ نخواهم گفت.
- ۳۶ که ذریت او باقی خواهد بود تا ابد الابد و تخت او به حضور من مثل آفتاب،
مثل ماه ثابت خواهد بود تا ابد الابد و مثل شاهد امین در آسمان، سلاه.
- ۳۸ لیکن تو ترک کرده‌ای و دور انداخته‌ای و با مسیح خود غضبناک شده‌ای.
- ۳۹ عهد بنده خود را باطل ساخته‌ای و تاج او را بر زمین انداخته، بی‌عصمت کرده‌ای.
- ۴۰ جمیع حصارهایش را شکسته و قلعه‌های او را خراب نمودهای.
- ۴۱ همه راه گذران او را تاراج میکنند و او نزد همسایگان خود عار گردیده است.
- ۴۲ دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را مسرور ساخته‌ای.
- ۴۳ دم شمشیر او را نیز برگردانیده‌ای و او را در جنگ پایدار نساخته‌ای.

- ۴۴ جلال اورا باطل ساخته و تخت اورا به زمین انداختهای .
- ۴۵ ایام شبابش را کوتاه کرده، و اورا به نجالت پوشانیده‌های، سلاه .
- تابه یکای خداوند خود را تابه ابد پنهان خواهی کرد و غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد؟
- به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است . چرا تمامی بنی آدم را برای بطلت آفریده‌های؟
- کدام آدمی زنده است که موت را نخواهد دید؟ و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت؟ سلاه .
- ۴۹ ای خداوند رحمت‌های قدیم تو کجاست؟ که برای داود به امانت خود قسم خوردی .
- ۵۰ ای خداوند ملامت بنده خود را به یاد آور که آن را از قوم‌های بسیار در سینه خود متحمل میباشم .
- ۵۱ که دشمنان تو ای خداوند ملامت کرده‌اند، یعنی آثار مسیح تو را ملامت نمود هاند .
- ۵۲ خداوند متبارک باد تا ابد الاباد . آمین و آمین .

فانی بودن انسان

- دعای موسی مرد خدا
- ای خداوند مسکن ما تو بودهای، در جمیع نسلها،
- قبل از آنکه کوه‌ها به وجود آید و زمین ربع مسکون را بیا فرینی . از ازل تابه ابد تو خدا هستی .
- ۳ انسان را به غبار برمی گردانی، و میگویای بنی آدم رجوع نمائید .
- ۴ زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پاسی از شب .
- ۵ مثل سیلاب ایشان را رفته‌های و مثل خواب شده‌اند . بامدادان مثل گگاهی که میروید .
- ۶ بامدادان میشکفد و میروید . شامگاهان بریده و پزمرده میشود .
- ۷ زیرا که در غضب تو کاهیده میشویم و در خشم تو پزیرشان میگردیم .
- ۸ چونکه گاهان ما را در نظر خود گذارده‌های و خفایای ما را در نور روی خویش .
- ۹ زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی بسر بردهایم .

- ۱۰ ایام عمر ما هفتاد سال است و اگر از بنیه، هشتاد سال باشد. لیکن نفر آنها محنت و بطالت است زیرا به زودی تمام شده، پروازی کنیم.
- ۱۱ کیست که شدت خشم تو را میداند و غضب تو را چنانکه از تو میباید ترسید.
- ۱۲ ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خرد مندی را حاصل نماییم.
- ۱۳ رجوع کنای خداوند تابه کی و پرندگان خود شفقت فرما.
- ۱۴ صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نمایم.
- ۱۵ ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما را مبتلا ساختی و سالهایی که بدی را دیدهایم.
- ۱۶ اعمال تو پر بندگانت ظاهر بشود و کبریایی تو بر فرزندان ایشان.
- ۱۷ جمال خداوند خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما بر ما استوار ساز. عمل دستهای ما را استوار گردان.

در ستر حضرت اعلی

- ۱ آنکه در ستر حضرت اعلی نشسته است، زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود.
- ۲ درباره خداوند میگویم که او ملجا و قلعه من است و خدای من که بر او توکل دارم.
- ۳ زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید و از وبای خبیث.
- ۴ به پره‌های خود تو را خواهد پوشانید و زیر بالهایش پناه خواهی گرفت. راستی او تو را محن و سپر خواهد بود.
- ۵ از خوفی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می‌پرد.
- ۶ و نه از وبایی که در تاریکی می‌خرامد و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد میکند.
- ۷ هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد و ده هزار به دست راست تو. لیکن نزد تو نخواهد رسید.
- ۸ فقط به چشمان خود خواهی نگریست و پاداش شیرین را خواهی دید.
- ۹ زیرا گفتی تو ای خداوند ملجای من هستی و حضرت اعلی را ما وای خویش گردانیدهای.
- ۱۰ هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایی نزد خیمه تو نخواهد رسید.
- ۱۱ زیرا که فرشتگان خود را در باره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راههایت تو را حفظ نمایند.

- ۱۲ تور بر دستهای خود بر خواهند داشت، مباداپای خود را به سنگ بزنی.
- ۱۳ بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیر بچه واژدها را پایمال خواهی کرد.
- ۱۴ «ونکه به من رغبت دارد او را خواهم رهانید و چونکه به اسم من عارف است او را سرافراز خواهم ساخت.
- ۱۵ چون مرا خواند او را اجابت خواهم کرد. من در تنگی با او خواهم بود و او را نجات داده، معزز خواهم ساخت.
- ۱۶ به طول ایام او را سیر میگردانم و نجات خویش را بدو نشان خواهم داد.»

سرود حمد و تسبیح

- مز مورو سرود برای روز سبت
 خداوند را حمد گفتن نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن، ای حضرت اعلی.
- ۲ بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن و در هر شب امانت تو را.
- ۳ بر ذات ده او تار و بر باب و به نغمه هجایون و بر بط.
- ۴ زیرا کههای خداوند مرا به کارهای خودت شادمان ساختهای. به سبب اعمال دستهای تو ترنم خواهم نمود.
- ۵ ای خداوند اعمال تو چه عظیم است و فکرهای تویی نهایت عمیق.
- ۶ مرد و وحشی این را نمی داند و جاهل در این تامل نمی کند.
- ۷ وقتی که شیران مثل علف میرویند و جمیع بدکاران میشکفند، برای این است که تا به ابد هلاک گردند.
- ۸ لیکن تو ای خداوند بر اعلی علین هستی، تا ابد الابد.
- ۹ زیرا اینک دشمنان تو ای خداوند، همان دشمنان تو هلاک خواهند شد و جمیع بدکاران پراکنده خواهند شد.
- و اما شاخ مرا مثل شاخ گاو و وحشی بلند کردهای و به روغن تازه مسح شد هام.
- ۱۱ و چشم من بر دشمنانم خواهد نگرست و گوشهای من از شیرانی که با من مقاومت میکنند خواهد شنید.
- ۱۲ عادل مثل درخت خرم خواهد شکفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد.
- ۱۳ آنانی که در خانه خداوند غرس شده اند، در صحنهای خدای ما خواهند شکفت.

- ۱۴ در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تروتازه و سبز خواهند بود.
 ۱۵ تا اعلام کنند که خداوند راست است. او صخره من است و در وی هیچ بیانصافی نیست.

اقتدار خداوند

- خداوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است. خداوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است. ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و جنبش نخواهد خورد.
 ۲ تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از قدیم هستی.
 ۳ ای خداوند سیلا بهار افراشته اند سیلا به آواز خود را بر افراشته‌اند. سیلا بهار خوش خود را بر افراشته‌اند.
 ۴ فوق آوازه‌های بسیار، فوق امواج زور آور دریا. خداوند در اعلی‌ترین زور آورتر است.
 ۵ شهادت تو بینهایت امین است. ای خداوند، قدوسیت خانه تو را می زیبد تا ابد الابد.

مکافات شیران

- ای بیهوده خدای ذوالانتقام، ای خدای ذوالانتقام، تجلی فرما!
 ای داور جهان متعال شو و بر متکبران مکافات برسان!
 ای خداوند تابه کی شیران، تابه کی شیران نفر خواهند نمود؟
 حرفها میزنند و سخنان سم آ میز میگویند. جمیع بدکاران لاف میزنند. ای خداوند، قوم تو را میشکنند و میراث تو را ذلیل میسازند.
 ۵ بیوه زنان و غریبان را میکشند و یتیمان را به قتل می‌رسانند.
 ۶ و میگویند یاه نمی بیند و خدای یعقوب ملا حظه نمی نماید.
 ۷ ای احمقان قوم بفهمید! وای ابلهان کی تعقل خواهید نمود؟
 او که گوش را غرس نمود، آیا نمی شنود؟ او که چشم را ساخت، آیا نمی بیند؟
 او که امتها را تادیب میکند، آیا تو بیخ نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می آموزد؟
 خداوند فکرهای انسان را میداند که محض بطالت است.

ای یاه خوشباجال شخصی که اورا تادیب مینمایی و از شریعت خود اورا تعلیم میدهی تا اورا از روزهای بلا راحت بخشی، مادامی که حفره برای شیران کنده شود. ۱۳ زیرا خداوند قوم خود را در آن خواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود. ۱۴ زیرا که داوری به انصاف رجوع خواهد کرد و همه راست دلان پیروی آن را خواهند نمود.

کیست که برای من باشیران مقاومت خواهد کرد و کیست که بابد کاران مقابله خواهد نمود. ۱۶ اگر خداوند مدد کار من نمی بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن میشد. ۱۷ چون گفتم که پای من میلغزد، پس رحمت تو ای خداوند مرا تابید نمود. در کثرت اندیشه های دل من، تسلی های تو جانم را آسایش بخشید. ۱۹ آیا کرسی شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع میکند؟ بر جان مرد صدیق با هم جمع میشوند و بر خون بیگناه فتوا میدهند. ۲۱ لیکن خداوند برای من قلعه بلند است و خدایم صخره ملجای من است. ۲۲ و نگاه ایشان را بر ایشان راجع خواهد کرد و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت. یهوه خدای ما ایشان را فانی خواهد نمود.

سرود حمد و شادی

بیا پید خداوند را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم!
 به حضور او با حمد نزدیک بشویم! و با مزامیر او آواز شادمانی دهیم!
 زیرا که یهوه، خدای بزرگ است،
 و یاد شاه عظیم بر جمیع خدایان. نشیبهای زمین در دست وی است و فرازهای
 کوهها از آن او.
 ۵ دریا از آن اوست، او آن را بساخت، و دستهای وی خشکی را مصور نمود.
 بیا پید عبادت و سجده نمائیم و به حضور آفریننده خود خداوند را نوزنیم!
 زیرا که او خدای ما است! و ما قوم مرتع و گله دست او می باشیم! امروز کاش آواز او
 را میشنیدید!
 دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا، مانند یوم مسادر صحرا.

- ۹ چون اجداد شما را آزمودند و تجربه کردند و اعمال مرادیدند.
- ۱۰ چهل سال از آن قوم محزون بودم و گفتم: «وم گمراه دل هستند که طرق مرا نشناختند.
- ۱۱ پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

بزرگی و جلال خدا

- یهوہ را سرود تازه بسرایید! ای تمامی زمین خداوند را بسرایید!
- خداوند را بسرایید و نام او را متبارک خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایید.
- ۳ در میان امتهای جلال او را ذکر کنید و کارهای عجیب او را در جمیع قومها.
- ۴ زیرا خداوند، عظیم است و بینهایت حمید. و او مهیب است بر جمیع خدایان.
- ۵ زیرا جمیع خدایان امتهای بتیانند، لیکن یهوه آسمانها را آفرید.
- ۶ مجد و جلال به حضور وی است و قوت و جمال در قدس وی.
- ای قبایل قومها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوت توصیف نمایید!
- خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید! هدیه بیاورید و به سخنهای او بیایید!
- خداوند را در زینت قدوسیت پرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید!
- در میان امتهای گویند خداوند سلطنت گرفته است. ربع مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد خورد. قومها را به انصاف داوری خواهد نمود.
- آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نماید.
- ۱۲ صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود
- به حضور خداوند زیرا که میآید. زیرا که برای داوری جهان میآید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به امانت خود.

بزرگی و مجد خداوند

- خداوند سلطنت گرفته است، پس زمین شادی کند و جزیره‌های بسیار مسرور گردند.
- ۲ ابرها و ظلمت غلیظ گرداگرد او است. عدل و انصاف قاعده تحت او است.
- ۳ آتش پیش روی وی می‌رود و دشمنان او را به اطرافش میسوزاند.
- ۴ بر قهایش ربع مسکون را روشن میسازد. زمین این را بدید و بلرزید.

- ۵ کوهها از حضور خداوند مثل موم گداخته میشود، از حضور خداوند تمامی جهان،
 ۶ آسمانها عدالت اورا اعلام میکنند و جمیع قومها جلال اورا می بینند.
 ۷ همه پرستندگان بتهای تراشیده نخل میشوند که به بتها نخر مینمایند. ای جمیع
 خدایان اورا بپرستید.

صهیون شنید و شادمان شد و دختران یهودا مسرور گردیدند، ای خداوند به سبب داوریهای
 تو.

- ۹ زیرا که تو ای خداوند بر تمامی روی زمین متعال هستی. بر جمیع خدایان، بسیار
 اعلی هستی.

ای شما که خداوند را دوست میدارید، از بدی نفرت کنید! او حافظ جانهای مقدسان
 خود است. ایشان را از دست شریران میرهاند.

۱۱ نور برای عادلان کاشته شده است و شادمانی برای راست دلان.

۱۲ ای عادلان، در خداوند شادمان باشید! و ذکر قدوسیت اورا حمد بگویید.

سرود تازه

مزمور

برای خداوند سرود تازه بسرایید زیرا کارهای عجیب کرده است. دست راست و
 بازوی قدوس او، اورا مظفر ساخته است.

۲ خداوند نجات خود را اعلام نموده، و عدالتش را به نظرات ما مکشوف کرده است.

۳ رحمت و امانت خود را با خاندان اسرائیل به یاد آورد. همه اقصای زمین نجات
 خدای ما را دیده اند.

ای تمامی زمین، خداوند را آواز شادمانی دهید. بانگ زنید و ترنم نمائید و بسرایید.

۵ خداوند را بابر ببط بسرایید! بابر ببط و یا آواز نغمات!

با کرناها و آواز سرنا! به حضور یهوه پادشاه آواز شادمانی دهید!

دریا و پری آن بخروشد! ربع مسکون و ساکنان آن!

نهر هادستک بزنند! و کوهها با هم ترنم نمایند.

۹ به حضور خداوند زیرا به داوری جهان میآید. ربع مسکون را به انصاف داوری

خواهد کرد و قومها را به راستی.

سلطنت و اقتدار خداوند

خداوند سلطنت گرفته است، پس قوم ما بلرزند! بر کرو بین جلوس میفرماید، زمین متزلزل گردد!

خداوند در صیهون عظیم است و او بر جمیع قومها متعال است!

اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که او قدوس است.

۴ و قوت پادشاه، انصاف را دوست میدارد. تو راستی را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آوردهای.

۵ یهوه خدای ما را تکریم نمائید و نزد قدمگاه او عبادت کنید، که او قدوس است.

۶ موسی و هارون از کاهنانش و سموئیل از خوانندگان نام او. یهوه را خوانند و او ایشان را اجابت فرمود.

۷ درستون ابر بدیشان سخن گفت. شهادت او و فریضهای را که بدیشان داد نگاه داشتند.

۸ ای یهوه خدای ما تو ایشان را اجابت فرمودی. ایشان را خدای غفور بودی. اما از اعمال ایشان انتقام کشیدی.

۹ یهوه خدای ما را متعال بخوانید و نزد کوه مقدس او عبادت کنید. زیرا یهوه خدای ما قدوس است.

آواز شادمانی

ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید.

۲ خداوند را با شادی عبادت نماید و به حضور او با ترنم بیاید.

۳ بدانید که یهوه خداست، او ما را آفرید. ما قوم او هستیم و گو سفندان مرتع او.

۴ به دروازه های او با حمد بیاید و به صحنهای او با تسبیح! او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانند!

زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابد الابد.

عهد پادشاه

مزمور داود

رحمت و انصاف را خواهم سرا بید. نزد تو ای خداوند، تسبیح خواهم خواند.

- ۲ در طریق کامل به خرد مندی رفتار خواهیم نمود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خود بادل سلیم سالک خواهیم شد.
- ۳ چیزی بدر ایش نظر خود نخواهم گذاشت. کار کج روان را مگروه میدارم، به من نخواهد چسبید.
- ۴ دل کج از من دور خواهد شد. شخص شیر را نخواهم شناخت.
- ۵ کسی را که در خفیه به همسایه خود غیبت گوید، هلاک خواهیم کرد. کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد.
- ۶ چشمانم بر امنای زمین است تا با من ساکن شوند. کسی که به طریق کامل سالک باشد خادم من خواهد بود.
- ۷ حیلہ گردر خانه من ساکن نخواهد شد. دروغ گویش نظر من نخواهد ماند.
- ۸ همه شیران زمین را صبحگاهان هلاک خواهیم کرد. تاجمیع بدکاران را از شهر خداوند منقطع سازم.

دعای پریشانی

- دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده، ناله خود را به حضور پوهه میریزد ای خداوند دعای مرا بشنو، و فریاد من نزد تو برسد.
- ۲ در روز تنگیام روی خود را از من مپوشان. گوش خود را به من فراگیر، و روزی که بخوانم مرا به زودی اجابت فرما.
- ۳ زیر آرزوهایم مثل دود تلف شد و استخوانهایم مثل هیزم سوخته گردید.
- ۴ دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است زیرا خوردن غذای خود را فراموش میکنم.
- ۵ به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به گوشت من چسبیده است.
- ۶ مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابها گردیدم.
- ۷ پاسبانی میکنم و مثل گنجشک پریشتم بام، منفرد گشته‌ام.
- ۸ تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش میکنند و آنانی که بر من دیوانه شده‌اند مرا لعنت مینمایند.

- ۹ زیرا خاکستر را مثل نان خورد هام و مشروب خود را با اشک آمیختم،
به سبب غضب و خشم تو زیرا که مرا برافراشته و به زیر افکنده‌ای.
- ۱۱ روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده و من مثل گیاه پژمرده شده‌ام.
لیکن تو ای خداوند جلوس فرمودهای تا ابد الابد! و ذکر تو تا جمیع نسل‌هاست!
تو برخاسته، بر صهیون ترحم خواهی نمود زیرا وقتی است که بر اورافت کنی و زمان معین
رسیده است.
- ۱۴ چونکه بندگان تو در سنگهای وی رغبت دارند و بر خاک او شفقت مینمایند.
۱۵ پس امتها از نام خداوند خواهند ترسید و جمیع پادشاهان جهان از کبریائی تو.
۱۶ زیرا خداوند صهیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است.
۱۷ به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است.
این برای نسل آینده نوشته میشود تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند.
۱۹ زیرا که از بلندی قدس خود نگر بسته، خداوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است.
۲۰ تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که به موت سپرده شده‌اند آزاد نماید.
۲۱ تا نام خداوند را در صهیون ذکر نمایند و تسبیح او را در اورشليم،
هنگامی که قوما با هم جمع شوند و ممالک نیز تا خداوند را عبادت نمایند.
توانایی مراد راه ناتوان ساخت و روزهای مرا کوتاه گردانید.
۲۴ گفتم ای خدای من مراد نصف روزهایم بر مدار. سالهای تو تا جمیع نسلها
است.
- ۲۵ از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمانها عمل دستهای تو است.
۲۶ آنها فانی میشوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهند شد.
و مثل رد آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد.
۲۷ لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.
۲۸ فرزندان بندگانت باقی خواهند ماند و ذریت ایشان در حضور تو پدیدار خواهند بود.

ستایش خدا

مز مورد او د

ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و هر چه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند.

۲ ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و جمیع احسان های او را فراموش مکن!
که تمام گناهات را میآمرزد و همه مرض های تو را شفا میبخشد.

۴ که حیات تو را ازهاویه فدیه میدهد و تاج رحمت و رافت را بر سر تو مینهد.

۵ که جان تو را به چیزهای نیکو سیر میکند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.
خداوند عدالت را به جامیآورد و انصاف را برای جمیع مظلومان.

۷ طریق های خویش را به موسی تعلیم داد و عمل های خود را به بنیاسرائیل.
۸ خداوند رحمان و کریم است دیر غضب و بسیار رحیم.

۹ تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت.

۱۰ با ما موافق گناهان ما عمل ننموده، و به ما به حسب خطایای ما جزا نداده است.

۱۱ زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلند تر است، به همان قدر رحمت او برتر است گناش عظیم است.

۱۲ به اندازه های که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است.

۱۳ چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤوف است همچنان خداوند برتر است گناگان خود را رافت مینماید.

۱۴ زیرا جبلت ما را میداند و یاد میدارد که ما خاک هستیم.

۱۵ و اما انسان، ایام او مثل گیاه است، مثل گل صحرا همچنان میشکند.

۱۶ زیرا که باد بر آن میوزد و نابود میگردد و مکانش دیگر آن را نمی شناسد.

لیکن رحمت خداوند برتر است گناش از ازل تا ابد الابد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان.

۱۸ بر آنانی که عهد او را حفظ میکنند و فرایض او را یاد میدارند تا آنها را بهجا آورند.

۱۹ خداوند تحت خود را بر آسمانها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است.

۲۰ خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جامیآوردید و آواز کلام او را گوش میگیرید!

ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک خوانید! وای خادمان او که اراده او را بجا میآورید! ای همه کارهای خداوند او را متبارک خوانید! در همه مکان های سلطنت او. ای جان من خداوند را متبارک بخوان!

ستایش خداوند

ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! ای یهوه خدای من تویی نهایت عظیم هستی! به عزت و جلال ملبس هستی.

۲ خویشتن را به نور مثل ردپوشانیدهای.

آن که غرفات خود را بر آبهابنا کرده است و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد میخرامد.

۴ فرشتگان خود را بادها میگرداند و خادمان خود را آتش مشتعل.

۵ که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا جنبش نخورد تا ابد الابد.

۶ آن را به لجهها مثل ردپوشانیدهای، که آبهاب کوهها را استاد هاند.

۷ از عتاب تو میگریزند. از آواز زعد تو پراکنده میشوند.

۸ به فراز کوهها برمی آیند، و به هموار بیافروند می آیند، به مکانی که برای آنها میساخته ای.

۹ حدی برای آنها قرار داده ای که از آن نگذرند و برنگردند تا زمین را ببوشانند.

۱۰ که چشمهها را در وادیا جاری میسازد تا در میان کوهها روان بشوند.

۱۱ تمام حیوانات صحرا را سیراب میسازد تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند.

۱۲ بر آنها مرغان هوا ساکن میشوند و از میان شاخهها آواز خود را میدهند.

۱۳ آواز غرفات خود کوهها را سیراب میکند و از ثمرات اعمال توزمین سیر میشود.

نباتات را برای بهایم میرویانند و سبزهها را برای خدمت انسان، ونان را از زمین بیرون میآورند.

۱۵ و شراب را که دل انسان را شادمان میکند، و چهره او را به روغن شاداب میسازد

و دل انسان را به نان قوی میگرداند.

۱۶ در ختان خداوند شادابند، یعنی سروهای آزاد لبنان که غرس کرده است،

که در آنها مرغان آشیانهای خود را میگیرند و اما صنوبر خانه لوق میباشند.

۱۸ کوههای بلند برای بزهای کوهی و صخرهها برای ربوع ملجاء است.

۱۹ ماه را برای موسمهاساخت و آفتاب مغرب خود را میداند.

تاریکی میسازد و شب میشود که در آن همه حیوانات جنگلی راه میروند.

- ۲۱ شیر بچگان برای شکار خود غرش میکنند و خوراک خویش را از خدا میجویند.
- ۲۲ چون آفتاب طلوع میکند جمع میشوند و در بیشه های خود می خوابند.
- ۲۳ انسان برای عمل خود بیرون می آید و به جهت شغل خویش تا شامگاه.
- ای خداوند اعمال تو چه بسیار است. جمع آنها را به حکمت کرده ای. زمین از دولت تو پر است.
- ۲۵ و آن دریای بزرگ و وسیع الاطراف نیز که در آن حشرات از حد شماره زیاد هاند و حیوانات خرد و بزرگ.
- ۲۶ و در آن کشتی هاراه میروند و آن لویاتان که به جهت بازی کردن در آن آفریده ای.
- ۲۷ جمع اینها از تو انتظار می کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی.
- ۲۸ آنچه را که به آنها میدهی، فرامیگیرند. دست خود را باز میکنی، پس از چیزهای نیکو سیر می شوند.
- ۲۹ روی خود را میپوشانی پس مضطرب میگردند. روح آنها را قبض میکنی، پس میمیرند و به خاک خود بر می گردند.
- ۳۰ چون روح خود را میفرستی، آفریده میشوند و روی زمین را تازه میگردانی.
- جلال خداوند تا ابد الابد است. خداوند از اعمال خود راضی خواهد بود.
- ۳۲ که به زمین نگاه میکند و آن می لرزد. کوهها را لمس میکند، پس آتش فشان میشوند.
- ۳۳ خداوند را خواهم سراپید تا زنده میباشم. برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم.
- ۳۴ تفکر من اورا لذیذ بشود و من در خداوند شادمان خواهم بود.
- ۳۵ گاه کاران از زمین نبود گردند و شریران دیگر یافت نشوند. ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! هلولو یاه!

کارهای خدا برای قوم او

- بپوه را حمد گوید و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قوم ها اعلام نمایید.
- ۲ او را بسراپید برای او تسبیح بخوانید. در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید.
- ۳ در نام قدوس او تفر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد.

- ۴ خداوند وقوت اورا بطلبید. روی اورا پیوسته طالب باشید.
- ۵ کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید. آیات او داوریهای دهان او را.
- ای ذریت بنده او ابراهیم! ای فرزندان یعقوب، برگزیده او!
- یهوه خدای ماست. داوریهای او در تمامی جهان است.
- ۸ عهد خود را یاد میدارد تا ابد الابد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است.
- ۹ آن عهدهی را که با ابراهیم بسته و قسمی را که برای اسحاق خورده است.
- ۱۰ و آن را برای یعقوب فریضهای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی.
- ۱۱ و گفت که زمین کنعان را به تو خواهیم داد تا حصه میراث شما شود.
- ۱۲ هنگامی که عددی معدود بودند، قلیل العدد و غر باد رآنجا.
- ۱۳ و از امتی تا امتی سرگردان میبودند و از یک مملکت تا قوم دیگر.
- ۱۴ او نگذاشت که کسی برایشان ظلم کند بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود که بر مسیحان من دست مگذارید. و انبیای مراضر مرسانید.
- ۱۶ پس قحطی را بر آن زمین خواند و تمامی قوام نان را شکست،
- و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی فروختند.
- ۱۸ پایهای وی را به زنجیرها بستند و جان او در آهن بسته شد
- تا وقتی که سخن او واقع شد. و کلام خداوند او را امتحان نمود.
- ۲۰ آنگاه پادشاه فرستاده، بندهای او را گشاد و سلطان قومها او را آزاد ساخت.
- ۲۱ او را بر خانه خود حاکم قرارداد و مختار بر تمام مایملک خویش.
- ۲۲ تا به اراده خود سروران او را بند نماید و مشایخ او را حکمت آموزد.
- پس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت.
- ۲۴ و او قوم خود را به غایت بارور گردانید و ایشان را از دشمنان ایشان قوی تر ساخت.
- ۲۵ لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند و بر بندگان وی حيله نمایند.
- ۲۶ بنده خود موسی را فرستاد و هارون را که برگزیده بود.
- ۲۷ کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند و عجایب او را در زمین حام.

- ۲۸ ظلمت رافرستاد که تاریک گردید. پس به کلام او مخالفت نورزیدند.
- ۲۹ آبهای ایشان رابه خون مبدل ساخت وماهیان ایشان رامیرانید.
- ۳۰ زمین ایشان غوکهارابه ازدحام پیدانمود، حتی در حرهای پادشاهان ایشان.
- او گفت وانواع مگسها پدید آمد و پشه هادر همه حدود ایشان.
- ۳۲ تگرگ رابه عوض باران بارانید و آتش مشتعل رادر زمین ایشان.
- ۳۳ موها و انجیرهای ایشان رازدود درختان محال ایشان رابشکست.
- ۳۴ او گفت و ملخ پدید آمد و کرما از حد شماره افزون.
- ۳۵ و هر سهم رادر زمین ایشان بخوردند و میوه های زمین ایشان را خوردند.
- ۳۶ و جمیع نخست زادگان رادر زمین ایشان زد، و ائیل تمامی قوت ایشان را.
- ۳۷ و ایشان راباطلا و نقره بیرون آورد که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود.
- ۳۸ مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند زیرا که خوف ایشان بر آنها مستولی گردیده بود.
- ۳۹ ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که شامگاه روشنایی دهد.
- ۴۰ سوال کردند پس سلوی برای ایشان فرستاد و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید.
- ۴۱ صخره رابشکافت و آب جاری شد؛ در جایهای خشک مثل نهر روان گردید.
- ۴۲ زیرا کلام مقدس خود رابه یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را.
- ۴۳ و قوم خود راباشاد مانی بیرون آورد و برگزیدگان خویش راباتر نم.
- ۴۴ و زمینهای امتهار ابدیشان داد و زحمت قومهارا وارث شدند.
- ۴۵ تا آنکه فرایض اورانگاه دارند و شریعت اورا حفظ نمایند. هلولویاه!

رحمت خداوند برای قوم خود

هلولویاه! خداوند را حمد بگو بید زیرا که او نیکو است و رحمت او تا ابد الابد!
 کیست که اعمال عظیم خداوند را بگوید و همه تسبیحات او را بشنواند؟
 خوشحال آنانی که انصاف رانگاه دارند و آن که عدالت رادر همه وقت به عمل آورد.
 ای خداوند مرا یاد کن به رضامندی که با قوم خود می داری و به نجات خود از من
 تفقد نما.

- ۵ تا سعادت برگزیدگان تورا ببینم و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو نخر نمایم.
 با پدران خود گناه نمودهایم و عصیان ورزیده، شرارت کرده ایم.
- ۷ پدران ما کارهای عجیب تورا در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تورا به یاد نیاوردند
 بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم فتنه انگیختند.
- ۸ لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد تا توانایی خود را اعلان نماید.
- ۹ و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید. پس ایشان را در لجه‌ها مثل بیابان
 رهبری فرمود.
- ۱۰ و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست خصم رهایی بخشید.
- ۱۱ و آب، دشمنان ایشان را پوشانید که یکی از ایشان باقی نماند.
- ۱۲ آنگاه به کلام او ایمان آوردند و حمد او را سراپیدند.
- ۱۳ لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند.
- ۱۴ بلکه شهبوت پرستی نمودند در بادیه، و خدا را امتحان کردند در هامون.
- ۱۵ و مسالت ایشان را بدیشان داد. لیکن لاغری در جانهای ایشان فرستاد.
 پس به موسی در اردو حسد بردند و به هارون، مقدس یهوه.
- ۱۷ و زمین شکافته شده، داتان را فرورد و جماعت ابیرام را پوشانید.
- ۱۸ و آتش، در جماعت ایشان افروخته شده، شعله آتش شیران را سوزانید.
- ۱۹ گوسالهای در حوریب ساختند و بتی ریخته شده را پرستش نمودند.
- ۲۰ و جلال خود را تبدیل نمودند به مثال گاوی که علف میخورد.
- ۲۱ و خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند که کارهای عظیم در مصر کرده بود.
- ۲۲ و اعمال عجیبه را در زمین حام و کارهای ترسناک را در بحر قلزم.
- ۲۳ آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند. اگر برگزیده او موسی در شکاف به
 حضور وی نمی ایستاد، تا غضب او را از هلاکت ایشان برگرداند.
- ۲۴ و زمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی ایمان نیاوردند.
- ۲۵ و در خیمه‌های خود همه کرده‌اند و قول خداوند را استماع نمودند.
- ۲۶ لهادست خود را بر ایشان برافراشت، که ایشان را در صحرا از یاد آورد.
- ۲۷ و ذریت ایشان را در میان امتهای پندازد و ایشان را در زمین پراکنده کند.

- ۲۸ پس به بعل فغور پیوستند و قربانی‌های مردگان را خوردند.
- ۲۹ و بهکارهای خود خشم اورابه هیجان آوردند و برابر ایشان سخت آمد.
- آنگاه فینحاس برپایستاده، داوری نمود و و با برداشته شد.
- ۳۱ و این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلا بعد نسل تا ابد الابد.
- ۳۲ و او را نزد آب مریمه غضبناک نمودند. حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض گردید.
- ۳۳ زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لپهای خود ناسزا گفت.
- ۳۴ و آن قومهارا هلاک نکردند، که در باره ایشان خداوند امر فرموده بود.
- ۳۵ بلکه خویشترن را با آنها می‌ختند و کارهای ایشان را آموختند.
- ۳۶ و بتهای ایشان را پرستش نمودند تا آنکه برای ایشان دام گردید.
- ۳۷ و پسران و دختران خویش را برای دیوها قربانی گذرانیدند.
- ۳۸ و خون بیگانه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را که آن را برای بتهای کنعان ذبح کردند و زمین از خون ملوث گردید.
- ۳۹ و از کارهای خود نجس شدند و در افعال خویش زنا کار گردیدند.
- ۴۰ لهدا خشم خداوند بر قوم خود افروخته شد و میراث خویش را مکروه داشت.
- ۴۱ و ایشان را به دست امتهاتسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، برایشان حکمرانی کردند.
- ۴۲ و دشمنان ایشان برایشان ظلم نمودند و زبردست ایشان ذلیل گردیدند.
- ۴۳ بارهای بسیار ایشان را خلاصی داد. لیکن به مشورتهای خویش بر او فتنه کردند و به سبب گناه خویش خوار گردیدند.
- با وجود این، بر تنگی ایشان نظر کرد، و وقتی که فریاد ایشان را شنید.
- ۴۵ و به خاطر ایشان، عهد خود را به یاد آورد و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود.
- ۴۶ و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان.
- ۴۷ ای بهوه خدای ما، ما را نجات ده! و ما را از میان امتهاجمع کن! تا نام قدوس تورا حمد گویم و در تسبیح تو نغمه نمایم.

۴۸ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابد الابد. و تمامی قوم بگویند آمین، هلمویاه!

ستایش نیکویی خداوند

- خداوند را حمد بگویند زیرا که او نیکو است و رحمت او باقی است تا ابد الابد.
- ۲ فدیة شدگان خداوند این را بگویند که ایشان را از دست دشمن فدیة داده است.
- ۳ و ایشان را از بلدان جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب.
- ۴ در صحرا آواره شدند و در بادیهای بیطریق و شهری برای سکونت نیافتند.
- ۵ گرسنه و تشنه نیز شدند و جان ایشان در ایشان مستمند گردید.
- ۶ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- ۷ و ایشان را به راه مستقیم رهبری نمود، تا به شهری مسکون در آمدند.
- پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب وی باینی آدم.
- ۹ زیرا که جان آرزو مندر اسیر گردانید و جان گرسنه را از چیزهای نیکو پر ساخت.
- ۱۰ آنانی که در تاریکی و سایه موت نشسته بودند، که در مذلت و آهن بسته شده بودند.
- ۱۱ زیرا به کلام خدا مخالفت نمودند و به نصیحت حضرت اعلی اهانت کردند.
- ۱۲ و او دل ایشان را به مشقت ذلیل ساخت. بلغزیدند و مدد کنندهای نبود.
- ۱۳ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- ۱۴ ایشان را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و بندهای ایشان را بگسست.
- پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او باینی آدم.
- ۱۶ زیرا که دروازه های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است.
- ۱۷ احقان به سبب طریق شیرانه خود و به سبب گاهان خویش، خود را ذلیل ساختند.
- ۱۸ جان ایشان هر قسم خوراک را مکروه داشت و به دروازه های موت نزدیک شدند.
- ۱۹ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- ۲۰ کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکتهای ایشان رهانید.
- پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او باینی آدم.

- ۲۲ و قربانی های تشکر را بگذرانند و اعمال وی را به ترنم ذکر کنند.
- ۲۳ آنانی که در کشتیابه در یارفتند، و در آبهای کثیر شغل کردند.
- ۲۴ اینان کارهای خداوند را دیدند و اعمال عجیب او را در لجهها.
- ۲۵ او گفت پس باد تندر او زانید و امواج آن را برافراشت.
- ۲۶ به آسمانها بالا رفتند و به لجهها فرو شدند و جان ایشان از سخنی گداخته گردید.
- ۲۷ سرگردان گشته، مثل مستان افتان و خیزان شدند و عقل ایشان تمام حیران گردید.
- ۲۸ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- ۲۹ طوفان را به آرامی ساکت ساخت که موجهایش ساکن گردید.
- ۳۰ پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند و ایشان را به بند مراد ایشان رسانید.
- پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او بانی آدم.
- ۳۲ و او را در مجمع قوم متعال بخوانند و در مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند.
- ۳۳ او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه های آب را به زمین تشنه.
- ۳۴ و زمین بارور را نیز به شوره زار، به سبب شرارت ساکنان آن.
- ۳۵ بادیه را به دریاچه آب مبدل کرد و زمین خشک را به چشمه های آب.
- و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند.
- ۳۷ و مزرعهها کاشتند و تا کستانها غرس نمودند و حاصل غله به عمل آوردند.
- ۳۸ و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند و بهایم ایشان را نگذارد کم شوند.
- ۳۹ و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن.
- ۴۰ ذلت را بر روسامیر یزد و ایشان را در بادیه های که راه ندارد آواره میسازد.
- ۴۱ اما مسکین را از مشقتش برمی افروزد و قبیلهها را مثل گله ها برایش پیدامیکند.
- ۴۲ صالحان این را دیده، شادمان میشوند و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست.
- ۴۳ کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت های خداوند را خواهند فهمید.

طلب کمک علیه دشمنان

سرود و مزمور داود

ای خدادل من مستحکم است. من خواهم سراپید و ترنم خواهم نمود و جلال من نیز.

۲ ای عود و بر بیدار شوید! من نیز در سحر گاه بیدار خواهم شد.

۳ ای خداوند، توراد در میان قومها حمد خواهم گفت و در میان طایفهها توراً خواهم سراپید.

۴ زیرا که رحمت تو عظیم است، فوق آسمانها! و راستی تو تا افلاک میرسد!

ای خدا، بر فوق آسمانها متعال باش و جلال تو بر تمامی زمین!
تا محبوبان تو خلاصی یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما.
خدا در قدوسیت خود سخن گفته است، پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم
میکم و وادی سکوت را خواهم پیود.

۸ جلعا داز آن من است و منسی از آن من. و افرایم خود سر من. و یهود اعصای
سلطنت من.

۹ مواب ظرف شست و شوی من است، و برادوم نعلین خود را خواهانداخت و بر
فلسطین نخر خواهم نمود.

۱۰ کیست که مرا به شهر حصین در آورد؟ کیست که مرا به ادم رهبری نماید؟
آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای؟ و تو ای خدا که بالشکرهای ما بیرون نمی آیی؟
ما را بر دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است.
۱۳ در خدا با شجاعت کار خواهیم کرد و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود.

شکایت مر در نچدیده

برای سالار مغنیان. مز مورد ادای
خدای تسبیح من، خاموش مباش!

زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشود هاند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته‌اند.

۳ به سخنان کینه مرا احاطه کرده‌اند و بیسبب با من جنگ نمود هاند.

۴ به عوض محبت من، با من مخالفت میکنند، و امان دعا.

۵ و به عوض نیکویی به من بدی کرده‌اند. و به عوض محبت، عداوت نموده.

۶ مردی شریر را بر او بیگار، و دشمن به دست راست او بایستد.

- ۷ هنگامی که در محاکمه بیاید، خطا کار بیرون آید و دعای او نگاه بشود.
- ۸ ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری ضبط نماید.
- ۹ فرزندان او یتیم بشوند و زوجه وی بیوه گردد.
- ۱۰ و فرزندان او آواره شده، گدایی بکنند و از خرابه های خود قوت را بجویند.
- ۱۱ طلبکار تمامی مایملک او را ضبط نماید و اجنبیان محنت او را تاراج کنند.
- ۱۲ کسی نباشد که بر او رحمت کند و بر یتیمان وی احدی رافت ننماید.
- ۱۳ ذریت وی منقطع گردند و در طبقه بعد نام ایشان محو شود.
- ۱۴ عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود و نگاه مادرش محو نگردد.
- ۱۵ و آنها در مدنظر خداوند دائم بماند تا یاد گاری ایشان را از زمین ببرد.
- ۱۶ زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاورد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد و بر شکسته دل تا او را به قتل رساند.
- ۱۷ چون که لعنت را دوست میداشت بدور رسیده و چون که برکت را نمی خواست، از او دور شده است.
- ۱۸ و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت و مثل آب به شکمش در آمد و مثل روغن در استخوانهای وی.
- ۱۹ پس مثل جامهای که او را میپوشاند، و چون کمر بندی که به آن همیشه بسته میشود، خواهد بود.
- ۲۰ این است اجرت مخالفانم از جانب خداوند و برای آنانی که بر جان من بدی میگویند.
- اماتوای یهوه خداوند به خاطر نام خود با من عمل نما؛ چون که رحمت تو نیکوست، مرا اخلاصی
۵۵
- ۲۲ زیرا که من فقیر و مسکین هستم و دل من در اندرونم مجروح است.
- ۲۳ مثل سایه ای که در زوال باشد در قهقام و مثل ملخ رانده شده ام.
- ۲۴ زانوهایم از روزه داشتن میلرزد و گوشتم از فریبی کاهیده میشود.
- ۲۵ و من نزد ایشان عار گردیده ام. چون مرا میبینند سر خود را می جنبانند.
- ۲۶ ای یهوه خدای من مرا اعانت فرما، و به حسب رحمت خود مرا نجات ده، تا بابتند که این است دست تو، و توای خداوند این را کرده ای.

- ۲۸ ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. ایشان بر خیزند و نجل گردند و ما بنده توشاد مان شود.
- ۲۹ جفا کنند گانم به رسوایی ملبس شوند و نجات خویش را مثل رد اپوشند.
- ۳۰ خداوند را به زبان خود بسیار تشکر خواهم کرد و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت.
- ۳۱ زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانی که بر جان او فتوا میدهند برهاند.

کاهن به رتبه ملک یدق

مرز مور داود

- یهوه به خداوند من گفت: «هدست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.» خداوند عصای قوت تو را از صهیون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن.
- ۳ قوم تو در روز قوت تو، هدایای تبرعی میباشند. درزینتهای قد و سیت، شبم جوانی تو از رحم صخر گاه برای توست.
- ۴ خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «کاهن هستی تا ابد الابد، به رتبه ملک یدق.»
- خداوند که به دست راست توست؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد.
- ۶ در میان امتها دوری خواهد کرد. از لاشه پیر خواهد ساخت و سر آنها را در زمین وسیع خواهد کوبید.
- ۷ از نهر سر راه خواهد نوشید. بنابراین سر خود را بر خواهد افراشت.

رحمت خداوند

- هللویاه! خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت.
- ۲ کارهای خداوند عظیم است، و همگانی که به آنها رغبت دارند در آنها تفتیش میکنند.
- ۳ کار او جلال و کبریایی است و عدالت وی پایدار تا ابد الابد.
- ۴ یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است. خداوند کریم و رحیم است.

- ۵ ترسندگان خود را رزقی نیکو داده است. عهد خویش را به یاد خواهد داشت تا ابد الابد.
- ۶ قوت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است تا میراث امتهار ابدیشان عطا فرماید.
- ۷ کارهای دستپایش راستی و انصاف است و جمیع فریض وی امین.
- ۸ آنها پایدار است تا ابد الابد. در راستی و استقامت کرده شده.
- ۹ فدیهایی برای قوم خود فرستاد و عهد خویش را تا ابد امر فرمود. نام او قدوس و مهیب است.
- ۱۰ ترس خداوند ابتدای حکمت است. همه عاملین آنها را خردمندی نیکو است. حمد او پایدار است تا ابد الابد.

سعادت شخص خدا ترس

- هللویاه! خوشبحال کسی که از خداوند میترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد.
- ۲ ذریتش در زمین زور آور خواهند بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد.
- ۳ توانگری و دولت در خانه او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است.
- ۴ نور برای راستان در تاریکی طلوع میکند. او کریم و رحیم و عادل است.
- ۵ فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می دارد.
- ۶ زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود.
- ۷ از خبر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد.
- ۸ دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.
- ۹ بذل نموده، به فقر بخشیده است، عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزت افراشته خواهد شد.
- ۱۰ شیرین رادیده، غضبناک خواهد شد. دندانهای خود را فشرده، گداخته خواهد گشت. آرزوی شیرین زایل خواهد گردید.

محبت خداوند

- هللویاه! ای بنندگان خداوند، تسبیح بخوانید. نام خداوند را تسبیح بخوانید.
- ۲ نام خداوند مبارک باد، از الان تا ابد الابد.

- ۳ از مطلع آفتاب تا مغرب آن، نام خداوند را تسبیح خوانده شود.
- ۴ خداوند بر جمیع امتهای متعال است و جلال وی فوق آسمانها.
- ۵ کیست مانند یهوه خدای ما که بر اعلیٰ علین نشسته است؟
و متواضع میشود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین.
- ۷ که مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از مزبله برمی افرازد.
- ۸ تا اورا بزرگان بنشانند یعنی بایزگان قوم خویش.
- ۹ زن نازدارا خانه نشین میسازد و مادر فرحناک فرزندان. هلولیاه!

سرود فصیح

- وقتی که اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خاندان یعقوب از قوم اجنبی زبان،
یهودا مقدس او بود و اسرائیل محل سلطنت وی.
- ۳ دریا این را دید و گریخت و اردن به عقب برگشت.
- ۴ کوهها مثل قوچها به جستن درآمدند و تلها مثل بره های گله.
- ۵ ای دریا تو را چه شد که گریختی؟ و ای اردن که به عقب برگشتی؟
- ای کوهها که مثل قوچها به جستن درآمدید و ای تلها که مثل بره های گله.
- ۷ ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب.
- ۸ که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

در وصف خدای حقیقی

- مارانی، ای خداوند! مارانی، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و به سبب راستی
خویش.
- ۲ امتهای چرا بگویند که «دای ایشان الان کجاست؟»
- اما خدای مادر آسمانهاست. آنچه را که اراده نموده به عمل آورده است.
- ۴ پتهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان.
- ۵ آنها را دهان است و سخن نمی گویند. آنها را چشمهاست و نمی بینند.
- ۶ آنها را گوشهاست و نمی شنوند. آنها را بینی است و نمی بویند.
- ۷ دستها دارند و لمس نمی کنند. و پایها راه نمی روند. و به گوی خود تتطق نمی
نمایند.

- ۸ سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر آنها توکل دارد.
- ای اسرائیل بر خداوند توکل نما. او معاون و سپر ایشان است.
- ۱۰ ای خاندان هارون بر خداوند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است.
- ۱۱ ای ترسندگان خداوند، بر خداوند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است.
- ۱۲ خداوند ما را به یاد آورده، برکت می‌دهد. خاندان اسرائیل را برکت خواهد داد و خاندان هارون را برکت خواهد داد.
- ۱۳ ترسندگان خداوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ.
- ۱۴ خداوند شما را ترقی خواهد داد، شما و فرزندان شما را.
- ۱۵ شما مبارک خداوند هستید که آسمان و زمین را آفرید.
- ۱۶ آسمانها، آسمانهای خداوند است و اما زمین را به بنی آدم عطا فرمود.
- ۱۷ مردگان نیستند که یاه را تسبیح می‌خوانند، و نه آنانی که به خاموشی فرو می‌روند.
- ۱۸ لیکن مایه را متبارک خواهیم خواند، از الان و تا ابد الابد. هلولیاه!

سپاسگزاری برای رهایی

- خداوند را محبت مینمایم زیرا که آواز من و تضرع مرا شنیده است.
- ۲ زیرا که گوش خود را به من فراداشته است، پس مدت حیات خود، او را خواهم خواند.
- ۳ ریسمانهای موت مرا احاطه کرد و تنگیهای هاویه مرا دریافت، تنگی و غم پیدا کردم.
- ۴ آنگاه نام خداوند را خواندم. آهای خداوند جان مرا رهایی ده!
- خداوند رؤوف و عادل است و خدای ما رحیم است.
- ۶ خداوند ساده دلان را محافظت میکند. دلیل بودم و مرانجات داد.
- ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است.
- ۸ زیرا که جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پایایم را از لغزیدن.
- ۹ به حضور خداوند سالک خواهم بود، در زمین زندگان.
- ۱۰ ایمان آوردم پس سخن گفتم. من بسیار مستمند شدم.

- ۱۱ در ریشانی خود گفتم که «میع آدمیان دروغ گویند.»
 خداوند را چه ادا کنم، برای همه احسانهایی که به من نموده است؟
 پیاله نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند.
 ۱۴ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او.
 ۱۵ موت مقدسان خداوند در نظرومی گرانهاست.
 ۱۶ آهای خداوند، من بنده توهستم! من بنده تو و پسر کنیز توهستم. بندهای مرا
 گشودهای!

قربانی های تشکر نزد تو خواهم گذرانید و نام خداوند را خواهم خواند.
 ۱۸ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم و،
 در صحن های خانه خداوند، در اندرون توای اورشلیم. هلولو یاه!

تسبیح خداوند

ای جمیع امتها خداوند را تسبیح بخوانید! ای تمامی قبایل! او را حمد گوید!
 زیرا که رحمت او بر ما عظیم است و راستی خداوند تا ابد الابد. هلولو یاه!

سرود پیروزی

- خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابد الابد است.
 ۲ اسرائیل بگویند که «حمیت او تا ابد الابد است.»
 خاندان هارون بگویند که «حمیت او تا ابد الابد است.»
 ترسندگان خداوند بگویند که «حمیت او تا ابد الابد است.»
 در تنگی یاه را خواندم. یاه مرا اجابت فرموده، در جای وسیع آورد.
 ۶ خداوند با من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟
 خداوند بر ایم از مدد کاران من است. پس من بر نفرت کنندگان خود آرزوی
 خویش را خواهم دید.
 ۸ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان.
 ۹ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر امیران.

۱۰. جمیع امتها را احاطه کردند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک خواهیم کرد.
۱۱. مرا احاطه کردند و دور مرا گرفتند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک خواهیم کرد.
۱۲. مثل زنبورها مرا احاطه کردند و مثل آتش خارها خاموش شدند. زیرا که به نام خداوند ایشان را هلاک خواهیم کرد.
۱۳. بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند مرا اعانت نمود.
۱۴. خداوند قوت و سرود من است و نجات من شده است.
۱۵. آواز ترنم و نجات در خیمه های عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل میکند.
۱۶. دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل میکند.
۱۷. نمی میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود.
۱۸. یاه مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است.
۱۹. دروازه های عدالت را برای من بگشاید! به آنها داخل شده، یاه را حمد خواهم گفت.
۲۰. دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد.
۲۱. تو را حمد میگویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده ای.
۲۲. سنگی را که معماران رد کردند، همان سرزایه شده است.
۲۳. این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است.
۲۴. این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود.
۲۵. آهای خداوند نجات بخش! آهای خداوند سعادت عطا فرما!
- مبارک باد او که به نام خداوند می آید. شمار از خانه خداوند برکت میدهیم.
۲۷. یهوه خدایی است که ما را روشن ساخته است. ذیحه را به ریسمانها بر شاخهای قربانگاه ببندید.

- ۲۸ تو خدای من هستی تو، پس تو را حمد می گویم. خدای من، تو را متعال خواهم خواند.
- ۲۹ خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابد الابد است.

دروصف طریق و شریعت خدا

- ۱ خوشایه حال کاملان طریق که به شریعت خداوند سال کند.
 - ۲ خوشایه حال آنانی که شهادت او را حفظ میکنند و به تمامی دل او را میطلبند.
 - ۳ کج روی نیز نمی کنند و به طریق های وی سلوک مینمایند.
 - ۴ تو و صیای خود را امر فرمودهای تا آنها را تمام نگاه داریم.
 - ۵ کاش که راههای من مستحکم شود تا فرایض تو را حفظ کنم.
 - ۶ آنگاه نخل نخواهم شد چون تمام او امر تو را در مد نظر خود دارم.
 - ۷ تو را به راستی دل حمد خواهم گفت چون داوریهای عدالت تو را آموخته شوم.
 - ۸ فرایض تو را نگاه میدارم. مرا بالکلیه ترک منما.
- ب**
- ۹ به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک میسازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو.
 - ۱۰ به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از او امر تو گمراه شوم.
 - ۱۱ کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو نگاه ورزم.
 - ۱۲ ای خداوند تو متبارک هستی فرایض خود را به من بیاموز.
 - ۱۳ به لب های خود بیان کردم تمامی داوریهای دهان تو را.
 - ۱۴ در طریق شهادت تو شاد مانم.
 - ۱۵ چنانکه در هر قسم توانگری، درو صیای تو تفکر میکنم و به طریق های تو نگران خواهم بود.
 - ۱۶ از فرایض تولدت میبرم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد.
- ج**
- ۱۷ به بنده خود احسان بنماتا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم.
 - ۱۸ چشمان مرا بگشاتا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم.

- ۱۹ من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از من مخفی مدار.
- ۲۰ جان من شکسته میشود از اشتیاق داوریهای تو در هر وقت.
- ۲۱ متکبران ملعون را تو بیخ نمودی، که از او امر تو گمراه میشوند.
- ۲۲ ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده‌ام.
- ۲۳ سروران نیز نشسته، به ضد من سخن گفتند. لیکن بنده تو در فریض تو تفکرمی کند.
- ۲۴ شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت دهندگان من بود هاند.
- د
- جان من به خاک چسبیده است. مرا موافق کلام خود زنده ساز.
- ۲۶ راههای خود را ذکر کردم و مرا اجابت نمودی. پس فریض خویش را به من پیاموز.
- ۲۷ طریق وصایای خود را به من بفهمان و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود.
- ۲۸ جان من از حزن گداخته میشود. مرا موافق کلام خود بریابد.
- ۲۹ راه دروغ را از من دور کن و شریعت خود را به من عنایت فرما.
- ۳۰ طریق راستی را اختیار کردم و داوریهای تو را پیش خود گذاشتم.
- ۳۱ به شهادت تو چسبیدم. ای خداوند مرا اجل مساز.
- ۳۲ در طریق اوامر تو دو ان خواهم رفت، وقتی که دل مرا وسعت دادی.
- ه
- ای خداوند طریق فریض خود را به من پیاموز. پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت.
- ۳۴ مرا فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود.
- ۳۵ مراد رسبیل اوامر خود سالک گردان زیرا که در آن رغبت دارم.
- ۳۶ دل مرا به شهادت خود مایل گردان و نه به سوی طمع.
- ۳۷ چشمانم را از دیدن بطلت برگردان و در طریق خود مرا زنده ساز.
- ۳۸ کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که به ترس تو سپرده شده است.

۳۹ ننگ مرا که از آن میترسم از من دور کن زیرا که داوریهای تونیکواست.
۴۰ هان به وصایای تو اشتیاق دارم. به حسب عدالت خود مرا زنده ساز.

و
ای خداوند در رحمهای توبه من برسد و نجات توبه حسب کلام تو.
۴۲ تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم زیرا بر کلام تو توکل دارم.
۴۳ و کلام راستی را از دهانم بالکل مگیر زیرا که به داوریهای تو امیدوارم
و شریعت تو را دائم نگاه خواهم داشت تا ابد الاباد.
۴۵ و به آزادی راه خواهم رفت زیرا که وصایای تو را طلبیدهام.
۴۶ و در شهادت توبه حضور پادشاهان سخن خواهم گفت و نجمل نخواهم شد.
۴۷ و از وصایای تو تلذذ خواهم یافت که آنها را دوست میدارم.
۴۸ و دستهای خود را به او امر تو که دوست میدارم بر خواهم افراشت و در فریاض
تو تفکر خواهم نمود.

ز

کلام خود را باینده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی.
۵۰ این در مصیبتم تسلی من است زیرا قول تو مرا زنده ساخت.
۵۱ متکبران مرا بسیار استهزا کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیدم.
۵۲ ای خداوند داوریهای تو را از قدیم به یاد آوردم و خویشتن را تسلی دادم.
۵۳ حدت خشم مرا در گرفته است، به سبب شریانی که شریعت تو را ترک کرده اند.
۵۴ فریاض تو سرودهای من گردید، در خانه غربت من.
۵۵ ای خداوند نام تو را در شب به یاد آوردم و شریعت تو را نگاه داشتم.
۵۶ این بهره من گردید، زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

ح

خداوند نصیب من است. گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت.
۵۸ رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم. به حسب کلام خود بر من رحم
فرما.

۵۹ در راههای خود تفکر کردم و پاییهای خود را به شهادت تو مایل ساختم.

۶۰ شتابیدم و درنگ نکردم تا او امر تو را نگاه دارم.

۶۱ ریسمانهای شیرین مرا احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم.

۶۲ در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهی عدالت تو.

۶۳ من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که وصایای تو را نگاه میدارند.

۶۴ ای خداوند زمین از رحمت تو بتراست. فریض خود را به من بیاموز.

ط

باینده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش.

۶۶ خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز زیرا که به او امر تو ایمان آوردم.

۶۷ قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم لیکن الان کلام تو را نگاه داشتم.

۶۸ تو نیکو هستی و نیکویی میکنی. فریض خود را به من بیاموز.

۶۹ متکبران بر من دروغ بستند. و امانم به تمامی دل و صیای تو را نگاه داشتم.

۷۰ دل ایشان مثل پیه فربه است. و امانم در شریعت تو تلذذ می یابم.

۷۱ مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فریض تو را بیاموزم.

۷۲ شریعت دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره.

ی

دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهم گردان تا او امر تو را بیاموزم.

۷۴ ترسندگان تو چون مرا ببینند شادمان گردند زیرا که کلام تو امیدوار هستم.

۷۵ ای خداوند دانستم که داوریهی تو عدل است، و برحق مرا مصیبت دادهای.

۷۶ پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو باینده خویش.

۷۷ رحمت های توبه من برسد تا زنده شوم زیرا که شریعت تو تلذذ من است.

۷۸ متکبران نجل شوند زیرا که دروغ مرا اذیت رسانیدند. و امانم در وصایای تو

تفکرمی کنم.

۷۹ ترسندگان توبه من رجوع کنند و آنانی که شهادت تو را امید اندند.

۸۰ دل من در فریض تو کامل شود، تا نجل نشوم.

ک

- جان من برای نجات تو کاهیده میشود. لیکن به کلام تو امید وار هستم.
- ۸۲ چشمان من برای کلام توتار گردیده است و میگویم کی مرا تسلی خواهی داد.
- ۸۳ زیرا که مثل مشک درد و گردید هام. لیکن فرایض تورا فراموش نکرد هام.
- ۸۴ چند است روزهای بنده تو؟ و کی بر جفا کنندگانم داوری خواهی نمود؟
- متکبران برای من حفرهها زدند زیرا که موافق شریعت تو نیستند.
- ۸۶ تمامی او امر تو امین است. بر من ناحق جفا کردند. پس مرا امداد فرما.
- ۸۷ نزدیک بود که مر از زمین نابود سازند. اما من و صایای تورا ترک نکردم.
- ۸۸ به حسب رحمت خود مر ازنده ساز تا شهادت دهان تورا نگاه دارم.

ل

- ای خداوند کلام تو تا ابد الابد در آسمانها پایدار است.
- ۹۰ امانت تو نسلا بعد نسل است. زمین را آفریدهای و پایدار میماند.
- ۹۱ برای داوریهای تو تا امروز ایستاد هاند زیرا که همه بنده تو هستند.
- ۹۲ اگر شریعت تو تلذذ من نمی بود، هر آینه در مذلت خود هلاک میشدم.
- ۹۳ و صایای تورا تا به ابد فراموش نخواهم کرد زیرا به آنها مر ازنده ساختهای.
- ۹۴ من از آن تو هستم مر انجات ده زیرا که و صایای تورا طلبیدم.
- ۹۵ شیران برای من انتظار کشیدند تا مرا هلاک کنند. لیکن در شهادت تو شامل می کنم.
- ۹۶ برای هر کالی انتهایی دیدم، لیکن حکم تو بینهایت وسیع است.

م

- شریعت تورا چقدر دوست میدارم.
- او امر تو مر از دشمنانم حکیم تر ساخته است زیرا که همیشه نزد من میباشد.
- ۹۹ از جمیع معلمان خود فهمیم تر شدم زیرا که شهادت تو تفکر من است.
- ۱۰۰ از مشایخ خردمند تر شدم زیرا که و صایای تورا نگاه داشتم.
- ۱۰۱ پایهای خود را از هر راه بدنگاه داشتم تا آن که کلام تورا حفظ کنم.

- ۱۰۲ از داوریهای تورو برنگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی.
- ۱۰۳ کلام توبه مذاق من چه شیرین است و به دهانم از غسل شیرین تر.
- ۱۰۴ از وصایای توفطانت را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکره میدانم.
- ن**
- کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است.
- ۱۰۶ قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوریهای عدالت تو را نگاه خواهم داشت.
- ۱۰۷ بسیار ذلیل شده‌ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا زنده ساز!
- ای خداوند هدایای تبرعی دهان مرا منظور فرما و داوریهای خود را به من بیاموز.
- ۱۰۹ جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمی‌کنم.
- ۱۱۰ شیران برای من دام گذاشته‌اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم.
- ۱۱۱ شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساختم زیرا که آنها شادمانی دل من است.
- ۱۱۲ دل خود را برای بجا آوردن فریض تو مایل ساختم، تا ابد الا باد و تا نهایت.
- س**
- مردمان دور و مرا مکره داشته‌ام، لیکن شریعت تو را دوست میدانم.
- ۱۱۴ سترو سپر من توهستی. به کلام تو انتظار میکشم.
- ۱۱۵ ای بدکاران، از من دور شوید! و او امر خدای خویش را نگاه خواهم داشت.
- ۱۱۶ مرا به حسب کلام خود تایید کن تا زنده شوم و از امید خود نجل نگردم.
- ۱۱۷ مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فریض تو دائم نظر نمایم.
- ۱۱۸ همه کسانی را که از فریض تو گمراه شده‌اند، حقیر شمردهای زیرا که مکر ایشان دروغ است.
- ۱۱۹ جمیع شیران زمین را مثل درد هلاک میکنی. بنابراین شهادت تو را دوست میدانم.
- ۱۲۰ موی بدن من از خوف تو برخاسته است و از داوریهای تو ترسیدم.
- ع**
- داد و عدالت را بجا آوردم. مرا به ظلم کنندگانم تسلیم منما.
- ۱۲۲ برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند.

- ۱۲۳ چشمانم برای نجات تورا شده است و برای کلام عدالت تو.
 ۱۲۴ باینده خویش موافق رحمانیتت عمل نما و فریض خود را به من پیاموز.
 ۱۲۵ من بنده توهستم. مرا فهمم گردان تا شهادت تورا دانسته باشم.
 ۱۲۶ وقت است که خداوند عمل کند زیرا که شریعت تورا باطل نمود هاند.
 ۱۲۷ بنابراین، او امر تورا دوست میدارم، زیاد ترا ز طلا و زر خالص.
 ۱۲۸ بنابراین، همه و صبیای تورا در هر چیز راست میدارم، و هر راه دروغ را مکره میدارم.

ف

- شهادت تو عجیب است. ازین سبب جان من آنها را نگاه میدارد.
 ۱۳۰ کشف کلام تو نور می بخشد و ساده دلان را فهم میگرداند.
 ۱۳۱ دهان خود را نیکو باز کرده، نفس زدم زیرا که مشتاق و صبیای تو بودم.
 ۱۳۲ بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت توبه آنانی که نام تورا دوست میدارند.
 ۱۳۳ قدم های مرا در کلام خودت پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد.
 ۱۳۴ مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا و صبیای تورا نگاه دارم.
 ۱۳۵ روی خود را بر بنده خود روشن ساز، و فریض خود را به من پیاموز.
 ۱۳۶ نهرهای آب از چشمانم جاری است زیرا که شریعت تورا نگاه نمی دارند.

ص

- ای خداوند تو عادل هستی و داوریهای تورا است است.
 ۱۳۸ شهادت خود را به راستی امر فرمودی و به امانت الی نهایت.
 ۱۳۹ غیرت من مرا هلاک کرده است زیرا که دشمنان من کلام تورا فراموش کرده اند.
 ۱۴۰ کلام تو بینهایت مصفی است و بنده تو آن را دوست میدارد.
 ۱۴۱ من کوچک و حقیر هستم، اما و صبیای تورا فراموش نکردم.
 ۱۴۲ عدالت تو عادل است تا ابد الابد و شریعت تورا است است.
 ۱۴۳ تنگی و ضیق مرا در گرفته است، اما او امر تو تلذذ من است.
 ۱۴۴ شهادت تو عادل است تا ابد الابد. مرا فهمم گردان تا زنده شوم.

ق

به تمامی دل خوانده ام. ای خداوند مرا جواب ده تا فریض تورا نگاه دارم!

- تورا خوانده‌ام، پس مرانجات ده. و شهادت تورا نگاه خواهم داشت.
- ۱۴۷ بر طلوع فجر سبقت جسته، استغاثه کردم، و کلام تورا انتظار کشیدم.
- ۱۴۸ چشم‌انم بر پاسهای شب سبقت جست، تادر کلام تو تفکر بنمایم.
- ۱۴۹ به حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای خداوند موافق داوریهای خود مرا زنده ساز.
- ۱۵۰ آنانی که در پی خباثت می‌روند، نزدیک می‌آیند، و از شریعت تو دور می‌باشند.
- ۱۵۱ ای خداوند تو نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است.
- ۱۵۲ شهادت تورا از زمان پیش دانستم که آنها را بنیان کرده‌ای تا ابد الابد.
- بر مذلت من نظر کن و مرا اخلاصی ده زیرا که شریعت تو را فراموش نکردم.
- ۱۵۴ درد عوای من دادرسی فرموده، مرانجات ده و به حسب کلام خویش مرا زنده ساز.
- ۱۵۵ نجات از شیران دور است زیرا که فرایض تو را نمی‌طلبند.
- ۱۵۶ ای خداوند، رحمت‌های تو بسیار است. به حسب داوریهای خود مرا زنده ساز.
- ۱۵۷ جفا کنندگان و خصمان من بسیارند. اما از شهادت تو رو برنگردانیدم.
- ۱۵۸ خیانت کاران را دیدم و مکروه داشتم زیرا کلام تورا نگاه نمی‌دارند.
- ۱۵۹ بین که وصایای تو را دوست میدارم. ای خداوند، به حسب رحمت خود مرا زنده ساز!
- جمله کلام تو راستی است و تمامی دآوری عدالت تو تا ابد الابد است.
- ش
- سروران بیجهت بر من جفا کردند. امادل من از کلام تو ترسان است.
- ۱۶۲ من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسیکه غنیمت وافر پیدا نموده باشد.
- ۱۶۳ از دروغ کراهت و نفرت دارم. اما شریعت تو را دوست میدارم.
- ۱۶۴ هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می‌خوانم، برای داوریهای عدالت تو.
- ۱۶۵ آنانی را که شریعت تو را دوست می‌دارند، سلامتی عظیم است و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد.

- ۱۶۶ ای خداوند، برای نجات تو امیدوار هستم و او امر تو را بجا میآورم.
 ۱۶۷ جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آنها را بینهایت دوست میدارم.
 ۱۶۸ وصایا و شهادت تو را نگاه داشتهام زیرا که تمام طریقهای من در مدنظر تو است.

ت

- ای خداوند، فریاد من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا فهمم گردان.
 ۱۷۰ مناجات من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا اخلاصی ده.
 ۱۷۱ لبهای من حمد تو را جاری کند زیرا فریاض خود را به من آموختهای.
 ۱۷۲ زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام او امر تو عدل است.
 ۱۷۳ دست تو برای اعانت من بشود زیرا که وصایای تو را برگزیدهام.
 ۱۷۴ ای خداوند برای نجات تو مشتاق بودهام و شریعت تو تلذذ من است.
 ۱۷۵ جان من زنده شود تا تو را تسبیح بخواند و دوریهای تو معاون من باشد.
 ۱۷۶ مثل گوسفند گم شده، آواره گشتم. بنده خود را طلب نما، زیرا که او امر تو را فراموش نکردم.

دعادر تنگی

سرود درجات

- نزد خداوند در تنگی خود فریاد کردم و مرا اجابت فرمود.
 ۲ ای خداوند جان مرا اخلاصی ده از لب دروغ و از زبان حیله گر.
 ۳ چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو افزوده گردد، ای زبان حیله گر؟
 تیرهای تیز جباران با اخگرهای طاق!
 وای بر من که در ماشک ما واگزیدهام و در خیمه های قیدار ساکن شدهام.
 ۶ چه طویل شد سکونت جان من با کسی که سلامتی را دشمن میدارد.
 ۷ من از اهل سلامتی هستم، لیکن چون سخن میگویم، ایشان آماده جنگ میباشند.

اعانت الهی

سرود درجات

چشمان خود را به سوی کوه‌های برمی افرازم، که از آنجا اعانت من می‌آید. * [رجعه درست این آیه اینست: «شمان خود را بسوی کوه‌های برمی افرازم. اعانت من از آنجا می‌آید؟»]

- اعانت من از جانب خداوند است، که آسمان و زمین را آفرید.
- ۳ او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد. او که حافظ توست نخواهد خوابید.
- ۴ اینک او که حافظ اسرائیل است، نمی خوابد و به خواب نمی رود.
- خداوند حافظ تو می‌باشد. خداوند به دست راستت سایه تو است.
- ۶ آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید و نه ماهتاب در شب.
- ۷ خداوند تو را از هریدی نگاه می‌دارد. او جان تو را حفظ خواهد کرد.
- ۸ خداوند خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت، از الان و تا ابد الاباد.

دروصف اورشلیم

سرود درجات از داود

شادمان میشدم چون به من می گفتند: «خانه خداوند برویم.»
 پایهای ما خواهد ایستاد، به اندرون دروازه‌های تو، ای اورشلیم!
 ای اورشلیم که بناشد های مثل شهری که تمام باهم پیوسته باشد،
 که بدانجا اسباط بالا می‌روند، یعنی اسباط یاه، تا شهادت باشد برای اسرائیل و تا نام یهوه را تسبیح بخوانند.

۵ زیرا که در آنجا کرسیهای داوری برپا شده است، یعنی کرسیهای خاندان داود.
 برای سلامتی اورشلیم مسالت کنید. آنانی که تو را دوست میدارند، نجسته حال خواهند شد.

- ۷ سلامتی در باره‌های تو باشد، و رفاهیت در قصرهای تو.
- ۸ به خاطر برادران و یاران خویش، می‌گویم که سلامتی بر تو باد.
- ۹ به خاطر خانه یهوه خدای ما، سعادت تو را خواهم طلبید.

طلب کرم

سرود درجات

به سوی تو چشمان خود را برمی افرازم، ای که بر آسمانها جلوس فرموده‌های!
 اینک مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون
 خویش، همچنان چشمان ما به سوی یهوه خدای ماست تا بر ما کرم بفرماید.
 ۳ ای خداوند بر ما کرم فرما، بر ما کرم فرما زیرا چه بسیار از اهانت پر شده‌ایم.
 ۴ چه بسیار جان ما پر شده است، از استهزای مستریحان و اهانت متکبران.

اعانت از جانب خدا

سرود درجات از داود

اگر خداوند با ما نمی بود، اسرائیل الان بگوید؛
 اگر خداوند با ما نمی بود، وقتی که آدمیان با ما مقاومت نمودند،
 آنگاه هر آینه ما را زنده فرو میبردند، چون خشم ایشان بر ما فروخته بود.
 ۴ آنگاه آبها ما را غرق میکرد و نهرها بر جان ما میگذاشت.
 ۵ آنگاه آبهای پر زور، از جان ما میگذاشت.
 متبارک باد خداوند که ما را اشکار برای دندانهای ایشان نساخت.
 ۷ جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص شد. دام گسسته شد و ما خلاصی
 یافتیم.
 ۸ اعانت ما به نام یهوه است، که آسمان وزمین را آفرید.

متوکلان خدا جنبش نخواهند خورد

سرود درجات

آنانی که بر خداوند توکل دارند، مثل کوه صهیوناند که جنبش نمی خورد و پایدار است
 تا ابد الابد.
 ۲ کوهها گردا گرد اورشلیم است؛ و خداوند گردا گرد قوم خود، از الان و تا ابد الابد
 است.
 ۳ زیرا که عصای شیرین بر نصیب عادلان قرار نخواهد گرفت، مبادا عادلان دست
 خود را به گناه دراز کنند.
 ۴ ای خداوند به صالحان احسان فرما و به آنانی که راست دل میباشند.

۵ واما آتانی که به راههای کج خود مایل میباشند، خداوند ایشان را بابد کاران رهبری خواهد نمود. سلامتی بر اسرائیل باد.

باز آوردن اسیران صهیون

سرود درجات

چون خداوند اسیران صهیون را باز آورد، مثل خواب بینندگان شدیم.
 ۲ آنگاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از ترنم. آنگاه در میان امتهما گفتند که
 «داوند با ایشان کارهای عظیم کرده است.»
 خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است که از آنها شادمان هستیم.
 ۴ ای خداوند اسیران ما را باز آور، مثل نهر هادر جنوب.
 ۵ آتانی که با اشکهای کارند، با ترنم درو خواهند نمود.
 ۶ آنکه با گریه بیرون میروند و تخم برای زراعت میبرد، هر آینه با ترنم خواهد برگشت و
 بافه های خویش را خواهد آورد.

اعتماد بر خدا

سرود درجات از سلیمان

اگر خداوند خانه را بنانکند، بنیانش زحمت بیفایده میکشند. اگر خداوند شهر را
 پاسبانی نکند، پاسبانان بیفایده پاسبانی میکنند.
 ۲ بیفایده است که شما صبح زود بر می خیزید و شب دیر می خوابید و نان مشقت را می خورید.
 همچنان محبوبان خویش را خواب میبخشد.
 ۳ اینک پسران میراث از جانب خداوند میباشند و ثمره رحم، اجر قی از اوست.
 ۴ مثل تیر هادر دست مرد زور آور، همچنان هستند پسران جوانی.
 ۵ خوشبحال کسیکه ترکش خود را از ایشان پر کرده است. نخل نخواهند شد
 بلکه باد شمتان، در دروازه سخن خواهند راند.

خوشبحال ترسندگان خدا

سرود درجات

خوشبحال هر که از خداوند می ترسد و بر طریق های او سالک میباشد.

- ۲ عمل دستهای خود را خواهی خورد. خوشبختی تو و سعادت با تو خواهد بود.
- ۳ زن تو مثل موبار آوره اطراف خانه تو خواهد بود و پسرانت مثل نهالهای زیتون، گرداگرد سفره تو.
- ۴ اینک همچنین مبارک خواهد بود کسیکه از خداوند میترسد.
- ۵ خداوند تو را از صهیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلم را خواهی دید.
- ۶ پسران پسران خود را خواهی دید. سلامتی بر اسرائیل باد.

رهای از شریران

سرود درجات

- چه بسیار از طفولیت مرا اذیت رسانیدند. اسرائیل الان بگویند:
- چه بسیار از طفولیت مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب نیامدند.
- ۳ شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را دراز نمودند. اما خداوند عادل است و بندهای شریران را گسیخت.
- ۵ نجل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند.
- ۶ مثل گیاه بر پشت بام باشند، که پیش از آن که آن را بچینند میخشکد.
- ۷ که در ونده دست خود را از آن پر نمی کند و نه دسته بند اغوش خود را.
- ۸ و راهگزاران نمی گویند برکت خداوند بر شما باد. شمارا به نام خداوند مبارک میخوانیم.

انتظار برای خدا

سرود درجات

- ای خداوند از عمقها نزد تو فریاد بر آوردم.
- ۲ ای خداوند! آواز ما بشنو و گوشهای توبه آواز تضرع من ملتفت شود.
- ۳ ای یاه، اگر گنگهان رابه نظر آوری، کیستای خداوند که به حضور تو بایستد؟ لیکن مغفرت نزد توست تا از توبه ترسند.
- ۵ منتظر خداوند هستم. جان من منتظر است و به کلام او امید وارم.
- ۶ جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح، بی زیاده از منتظران صبح.

۷ اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان.
۸ و او اسرائیل را فدیه خواهد داد، از جمیع گناهان وی.

فروتنی در مقابل خدا

سرود در جات از داود

ای خداوند دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است.
۲ بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بچه‌های از شیر بازداشته شده، نزد مادر خود. جانم در من بود، مثل بچه از شیر بازداشته شده.
۳ اسرائیل بر خداوند امیدوار باشند، از الان و تا ابد الاباد.

در وصف هیکل

سرود در جات

ای خداوند برای داود به یاد آور، همه مذلت‌های او را.
۲ چگونه برای خداوند قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود که به خیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر ستر تخت خواب خود بر نخواهم آمد.
۴ خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مثرگان خویش، تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب.
۶ اینک ذکر آن را در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم.
۷ به مسکن‌های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم.
۸ ای خداوند به آرامگاه خود برخیز و بیا، تو و تابوت قوت تو.
۹ کاهنان توبه عدالت ملبس شوند و مقدسات ترنم نمایند.
۱۰ به خاطر بنده خود داود، روی مسیح خود را بر مگردان.
۱۱ خداوند برای داود به راستی قسم خورد و از آن بر نخواهد گشت که «زئمه صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت».

۱۲ اگر گیسران تو عهد مرا نگاه دارند و شهادت مرا که بدیشان میآموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تابه ابد خواهند نشست.»

زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده. ۱۴ «ین است آرامگاه من تا ابد الابد. اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت

دارم.

۱۵ آذوقه آن راهرآینه برکت خواهم داد و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت، و کاهنانش را به نجات ملبس خواهم ساخت و مقدسانش هرآینه ترنم خواهند نمود. ۱۷ در آنجا شاخ داود را خواهم رویناید و چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت. ۱۸ دشمنان او را به نجالت ملبس خواهم ساخت و تاج او بر وی شکوفه خواهد آورد.»

دروصف بکدلی

سرود درجات از داود

اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی با هم ساکن شوند.

۲ مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش فرود میآید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش فرود میآید.

۳ و مثل شبنم حرمون است که بر کوههای صهیون فرود میآید. زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی حیات را تا ابد الابد.

تجید خدا

سرود درجات

هان خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خداوند که شبانگاه در خانه خداوند میایستید!

دستهای خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید.

۳ خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صهیون برکت خواهد داد.

تسبیح خداوند

هللویاه، نام خداوند را تسبیح بخوانید! ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید!

ای شما که در خانه خداوند میایستید، در صحنهای خانه خدا ای ما.

- ۳ هلولویاه، زیرا خداوند نیکو است! نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است.
- ۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید، و اسرائیل را به جهت ملک خاص خویش.
- ۵ زیرا امید انم که خداوند بزرگ است و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان.
- ۶ هر آنچه خداوند خواست آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجهها.
- ۷ ابرهار از اقصای زمین برمی آورد و بر قهارا برای باران میسازد و یادها را از مخزنهای خویش بیرون می آورد.
- ۸ که نخست زادگان مصر را کشت، هم از انسان هم از بهایم.
- ۹ آیات و معجزات را در وسط توای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی.
- ۱۰ که امتهای بسیار را زد و پادشاهان عظیم را کشت.
- ۱۱ سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان و جمیع ممالک کنعان را.
- ۱۲ و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود اسرائیل.
- ای خداوند، نام توست تا ابد الابد؛ وای خداوند، یادگاری توست تا جمیع طبقات.
- ۱۴ زیرا خداوند قوم خود را دوری خواهد نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود.
- ۱۵ بتهای امتهای اطلا و نقره میباشند، عمل دستهای انسان.
- ۱۶ دهنها دارند و سخن نمی گویند؛ چشمان دارند و نمی بینند؛ گوشها دارند و نمی شنوند بلکه در دهان ایشان هیچ نفس نیست.
- ۱۸ سازندگان آنها مثل آنها میباشند و هر که بر آنها توکل دارد.
- ۱۹ ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک خوانید. ای خاندان هارون، خداوند را متبارک خوانید.
- ۲۰ ای خاندان لوی، خداوند را متبارک خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را متبارک خوانید.
- ۲۱ خداوند از صهیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است. هلولویاه.

سرود سپاسگزاری

خداوند را حمد گوید زیرا که نیکو است و رحمت او تا ابد الابد است.

خدای خدایان را حمد گوید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 رب الارباب را حمد گوید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که تنها کارهای عجیب عظیم میکند، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که آسمانها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که زمین را بر آنها گسترانید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که نبرهای بزرگ آفرید زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 که مصر را در نخست زاد گانش زد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 با دست قوی و بازوی دراز، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که بحر قلزم را به دو بهره تقسیم کرد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 او را که پادشاهان بزرگ رازد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و پادشاهان نامور را کشت، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و زمین ایشان را به ارثیت داد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 یعنی به ارثیت بنده خویش اسرائیل، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و ما را در مذلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 که همه بشر را روزی میدهد، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.
 خدای آسمانها را حمد گوید، زیرا که رحمت او تا ابد الابد است.

ز دهنرهای بابل آنجا نشستم و گریه نیز کردم، چون صهیون را به یاد آوردم.
 ۲ بر بطنهای خود را آویختم بر درختان بید که در میان آنها بود.
 ۳ زیر آثانی که ما را به اسیری برده بودند، در آنجا از ماسرود خواستند، و آثانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی (واستند) که «کی از سرودهای صهیون را برای ما بسراید».
 چگونه سرود خداوند را، در زمین بیگانه بخوانیم؟
 اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من فراموش کند.
 ۶ اگر تو را به یاد نیآورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم.
 ۷ ای خداوند، روز او را بر اورشلیم را برای بنی ادوم به یاد آور، که گفتند: «نهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید»!
 ای دختر بابل که خراب خواهی شد، خوشبحال آنکه به توجز اهد چنانکه توبه ما جزا دادی!
 خوشبحال آنکه اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخرهها بزنند.

سرود حمد مز مورد اود

تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت. به حضور خدا یان تو را حمد خواهم گفت.
 ۲ به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم کرد و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام خود را بر تمام اسم خود تجید نمودهای.
 ۳ در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی. و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.
 ای خداوند، تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند.
 ۵ و طریقهای خداوند را خواهند سراپید، زیرا که جلال خداوند عظیم است.
 ۶ زیرا که خداوند متعال است، لیکن بر فروتنان نظر میکند. و امامت کبران را از دور میشناسد.
 ۷ اگر چه در میان تنگی راه میروم، مرا زنده خواهی کرد. دست خود را بر خشم

دشمنانم در از می کنی و دست راست مرا نجات خواهد داد.
خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابد الابد است.
کارهای دست خویش را ترک منما.

حکمت و علم خدا

- برای سالار مغنیان. مز مورد او د
ای خداوند مرا آزموده و شناختی.
۲ تونشستن و برخاستن مرا میدانی و فکرهای مرا از دور فهمیدی.
۳ راه و خوابگاه مرا فتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانستی.
۴ زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای خداوند آن را تمام دانستی.
۵ از عقب و از پیش مرا احاطه کرده‌ای و دست خویش را بر من نهاده‌ای.
۶ اینگونه معرفت برایم زیاده عجیب است. و بلند است که بدان نمی توانم رسید.
از روح تو بجا بروم؟ و از حضور تو بجا بگیرم؟
اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در راه و به بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی!
اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم،
در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت.
و گفتم: «قین تاریکی مرا خواهد پوشانید.» که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید.
۱۲ تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است.
۱۳ زیرا که تو بردل من مالک هستی؛ مرا در رحم مادر من نقش بستی.
۱۴ تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مہیب و عجیب ساخته شد هام. کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو میداند.
۱۵ استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته میشدم و در اسفل زمین نقشبندی میگشتم.
۱۶ چشمان تو جنین مرا دیده است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته میشد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت.

ای خدا، فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است و جمله آنها چه عظیم است!
اگر آنها را بشمارم، از ریگ زیاده است. وقتی که بیدار می شوم هنوز نزد تو حاضر هستم.

۱۹ یقینای خدا شیران را خواهی کشت. پسای مردمان خون ریز از من دور شوید.

۲۰ زیرا سخنان مکر آمیز در باره تو میگویند و دشمنان نام تو را به باطل میبرند.

۲۱ ای خداوند آیا نفرت نمی دارم از آنانی که تو را نفرت میدارند، و آیا مخالفان تو را مکره نمی شمارم؟

ایشان را به نفرت تام نفرت میدارم. ایشان را دشمنان خویشان می شمارم. ای خدا مرا آفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، و بین که آیا در من راه فساد است! و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

دعای حفاظت

برای سالار مغنیان. مز مورد او د

ای خداوند، مرا از مرد شریرهایی ده و از مرد ظالم مرا محفوظ فرما!

که در دلهای خود در شرارت تفکر میکنند و تمامی روز برای جنگ جمع میشوند.

۳ دندانهای خود را مثل مار تیز میکنند و زهر افی زیر لب ایشان است، سلاه.

۴ ای خداوند مرا از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم مرا محافظت فرما که تدبیر میکنند تا پایهای مرا بلغزانند.

متکبران برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و دام بهسرا راه گسترده، و کنند هابرای من نهاد هاند، سلاه.

۶ به خداوند گفتم: «و خدای من هستی. ای خداوند آواز تضرع مرا بشنو!»

ای یهوه خداوند که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ پوشانیدهای.

۸ ای خداوند، آرزوهای شریر را برایش بر میاور و تدابیر ایشان را به انجام مرسان مبادا سرفراشته شوند، سلاه.

۹ و اما سرهای آنانی که مرا احاطه میکنند، شرارت لبهای ایشان، آنها را خواهد پوشانید.

۱۰ اخگرهای سوزنده برایشان خواهند ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت و در زرفیها که دیگر نخواهند برخاست.

۱۱ مرد بدگودر زمین پایدار نخواهد شد. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند

میدانم که خداوند ادراسی فقیر را خواهد کرد و ادوری مسکینان را خواهد نمود.

۱۳ هر آینه عادلان نام تو را حمد خواهند گفت و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد.

درخواست کمک

مز مورد او د

ای خداوند تو را میخوانم. نزد من بشتاب! و چون تو را بخوانم آواز مرا بشنو!

دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام.

۳ ای خداوند، بردهان من نگاهبانی فرما و در لبایم را نگاه دار.

۴ دل مرا به عمل بد مایل مگردان تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم. و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم.

۵ مرد عادل مرا بزند و لطف خواهد بود، و مرا تادیب نماید و روغن برای سر خواهد بود! و سر من آن را با بنخواهد نمود زیرا که در بدیهای ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود.

۶ چون داوران ایشان از سر صخرهها انداخته شوند، آنگاه سخنان مرا خواهند شنید زیرا که شیرین است.

۷ مثل کسبیکه زمین را فلاح و شیار بکند، استخوانهای ما بر سر قبرها پراکنده میشود.

۸ زیرا کههای بیوه خداوند، چشمان من بسوی تو ست. و بر تو توکل دارم. پس جان مرا تلف منما!

مرا از دامی که برای من نهادند نگاه دار و از کندهای نگاهکاران.

۱۰ شریان به دامهای خود پیفتند و من بسلا متی در بگذرم.

دعای در تنگی

قصیده داود و دعا و قتیکه در مغاره بود
به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی آورم. به آواز خود نزد خداوند تضرع مینمایم.

- ۲ ناله خود را در حضور او خواهم ریخت. تنگی های خود را نزد او بیان خواهم کرد.
- ۳ وقتی که روح من در من مدهوش میشود. پس تو طریقت مراد انستهای. در راهی که میروم دام برای من پنهان کرده اند.
- ۴ به طرف راست بنگرو بین که کسی نیست که مرا بشناسد. ملجای برای من نابود شد. کسی نیست که در فکر جان من باشد.
- ۵ نزد تو ای خداوند فریاد کردم و گفتم که تو ملجای حصه من در زمین زندگان هستی.
- ۶ به ناله من توجه کن زیرا که بسیار ذلیلم! مرا از جفا کنندگانم برهان، زیرا که از من زور آور ترند.
- ۷ جان مرا از زندان در آور تا نام تو را حمد گویم. عادلان گداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نمودهای.

تضرع به حضور خدا

مز مورد اود

ای خداوند دعای مرا بشنو و به تضرع من گوش بده! در امانت و عدالت خویش مرا اجابت فرما!

و بر بنده خود به محاکمه بر میا. زیرا زنده های نیست که به حضور تو عادل شمرده شود.

۳ زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا به زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل آنانی که مدتی مرده باشند.

۴ پس روح من در من مدهوش شده، و دلم در اندروم متحیر گردیده است.

ایام قدیم را به یاد میآورم. در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تامل میکنم.

۶ دستهای خود را بسوی تو دراز میکنم. جان من مثل زمین خشک، تشنه تو است، سلاه.

۷ ای خداوند، بزودی مرا اجابت فرما زیرا روح من کاهیده شده است. روی خود را از من مپوشان، مبادا مثل فرورندگان به هاویه بشوم.

- ۸ بامدادان رحمت خود را به من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. طریقی را که بر آن بروم، مرا بیاموز زیرا نزد تو جان خود را برمی افرازم. ای خداوند مرا از دشمنانم برهان زیرا که نزد تو پناه برده‌ام.
- ۱۰ مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من توهستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید.
- ۱۱ به خاطر نام خودای خداوند مرا زنده ساز. به خاطر عدالت خویش جان مرا از تنگی برهان.
- ۱۲ و به خاطر رحمت خود، دشمنانم را منقطع ساز. و همه مخالفان جان مرا هلاک کن زیرا که من بنده توهستم.

سرود پیروزی

مزمور داود

- خداوند که صخره من است، متبارک باد! که دستهای مرا به جنگ و انگشتهای مرا به حرب تعلیم داد!
- رحمت من اوست و ملجای من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم مرا در زیر اطاعت من میدارد.
- ۳ ای خداوند، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟ انسان مثل نفسی است و روزهایش مثل سایه‌های است که میگذرد. ای خداوند آسمانهای خود را خم ساخته، فرود بیا. و کوه‌ها را لمس کن تا دود شوند.
- ۶ رعد را جهنده ساخته، آت‌ها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آت‌ها را منبزم نما.
- ۷ دست خود را از اعلی بفرست، و مرا رهانیده، از آبهای بسیار خلاصی ده، یعنی از دست پسران اجنبی.
- ۸ که دهان ایشان به باطل سخن میگویند، و دست راست ایشان، دست دروغ است.
- ۹ ای خدا، تو را سرودی تازه میسرایم. با بربط ذات ده تار، تو را ترنم خواهم نمود.
- ۱۰ که پادشاهان را نجات میبخشی، و بنده خود را از شمشیر مهلک میرهانی.

- مرا از دست اجنبیان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن میگوید. و دست راست ایشان دست دروغ است.
- ۱۲ تا پسران مادر جوانی خود نمو کرده، مثل نهالها باشند. و دختران مامثل سنگهای زاویه تراشیده شده به مثال قصر.
- ۱۳ و انبارهای ما پر شده، به انواع نعمت ریزان شوند. و گله‌های ماهزارها و کرورها در صحراهای ما بزیاند.
- ۱۴ و گاوان ما بار بردار شوند و هیچ رخنه و خروج و ناله‌های در کوزه‌های ما نباشد.
- ۱۵ خوشابحال قومی که نصیب ایشان این است. خوشابحال آن قوم که بیوه خدای ایشان است.

پرستش خداوند

تسبیح داود

- ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال میخوانم و نام تو را متبارک میگویم، تا ابد الابد!
- تمامی روز تو را متبارک میخوانم، و نام تو را حمد میگویم تا ابد الابد.
- ۳ خداوند عظیم است و بینهایت مدوح. و عظمت او را تفتیش نتوان کرد.
- ۴ طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح میخوانند و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود.
- ۵ در مجد جلیل کبریایی تو و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود.
- ۶ در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود.
- ۷ و یادگاری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سراپید.
- ۸ خداوند کریم و رحیم است و دیر غضب و کثیر الاحسان.
- ۹ خداوند برای همگان نیکو است. و رحمت‌های وی بر همه اعمال وی است.
- ۱۰ ای خداوند جمیع کارهای تو، تو را حمد میگویند. و مقدسان تو، تو را متبارک میخوانند.
- ۱۱ در باره جلال ملکوت تو سخن میگویند و توانایی تو را حکایت میکنند.

- ۱۲ تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم تعلیم دهند و کبریایی مجید ملکوت تو را.
 ۱۳ ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها و سلطنت تو باقی تا تمام دورها.
 ۱۴ خداوند جمیع افتادگان را تایید میکند و خم شدگان را برمی خیزاند.
 ۱۵ چشمان همگان منتظر تومی باشد و تو طعام ایشان را در موسمش میدهی.
 ۱۶ دست خویش را باز میکنی و آرزوی همه زندگان را سیر مینمایی.
 ۱۷ خداوند عادل است در جمیع طریق های خود و رحیم در کل اعمال خویش.
 ۱۸ خداوند نزدیک است به آنانی که او را می خوانند، به آنانی که او را به راستی میخوانند.
 ۱۹ آرزوی ترسندگان خود را بجا میآورد و تضرع ایشان را شنیده، ایشان را نجات میدهد.
 ۲۰ خداوند همه محبان خود را نگاه میدارد و همه شیران را هلاک خواهد ساخت.
 ۲۱ دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت و همه بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا ابد الاباد.

سعادت تو کل به خدا

هلولویاه! ای جان من خداوند را تسبیح بخوان!

تا زنده هستم، خداوند را حمد خواهم گفت. مادامی که وجود دارم، خدای خود را خواهم سراپید.

۳ بررو ساقول مکنید و نه بر این آدم که نزد او اعانتی نیست.

۴ روح او بیرون میرود و او به خاک خود برمی گردد و در همان روز فکر هایش نابودی شود.

خوشبحال آنکه خدای یعقوب مدد کار اوست، که امید او برپوه خدای وی میباشد، که آسمان وزمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را نگاه دارد تا ابد الاباد؛ که مظلومان را دادرسی میکند؛ و گرسنگان را نان میبخشد. خداوند اسیران را آزاد میسازد.

۸ خداوند چشمان کوران را باز میکند. خداوند خم شدگان را برمی افرازد. خداوند عادلان را دوست میدارد.

- ۹ خداوند غریبان را محافظت میکند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار مینماید. لیکن طریق شیران را کج میسازد.
- ۱۰ خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابد الابد و خدای تو ای صهیون، نسلا بعد نسل، هلو یاه!

تسبیح خدای توانا

هلو یاه، زیر خدای ما را سر اییدن نیکو است و دل پسند، و تسبیح خواندن شایسته است!

- خداوند اورشلیم را بنامی کند و پراکنندگان اسرائیل را جمع مینماید.
- ۳ شکسته دلان را شفا میدهد و جراحات های ایشان را مینماید.
- ۴ عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام مینخواند.
- ۵ خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیر متناهی.
- ۶ خداوند مسکینان را برمی افرازد و شیران را به زمین میاندازد.
- ۷ خداوند را با تشکر سراپید. خدای ما را با بربط سرود بخوانید.
- ۸ که آسمانها را با ابرها می پوشاند و باران را برای زمین مهیای نماید و گیاره بر کوهها میرویاند.
- ۹ که بهایم را آذوقه میدهد و بچه های غراب را که اورامی خوانند.
- ۱۰ در قوت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی باشد.
- ۱۱ رضامندی خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند.
- ای اورشلیم، خداوند را تسبیح بخوان. ای صهیون، خدای خود را حمد بگو.
- ۱۳ زیرا که پشت بندهای دروازه هایت را مستحکم کرده و فرزندان ت را در اندرون ت مبارک فرموده است.
- ۱۴ که حدود تو را سلامتی میدهد و تو را از مغز گندم سیر میگرداند.
- ۱۵ که کلام خود را بر زمین فرستاده است و قول او به زودی هر چه تمام تر میدود.
- ۱۶ که برف را مثل پشم میباراند، و ژاله را مثل خاکستر میپاشد.
- ۱۷ که تگرگ خود را در قطعهها میاندازد، و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد؟ کلام خود را میفرستد و آنها را میگذازد. باد خویش را میوزاند، پس آنها جاری میشود.

- ۱۹ کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فریاض و داوریهای خویش را به اسرائیل.
۲۰ با هیچ امتی چنین نکرده است و داوریهای او را ندانستند. هلولو یاه!

همه خدا را تسبیح بخوانند

- هلولو یاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلیٰ علین اورا تسبیح بخوانید!
ای همه فرشتگانش اورا تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او اورا تسبیح بخوانید.
۳ ای آفتاب و ماه اورا تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور اورا تسبیح بخوانید.
۴ ای فلک الافلاک اورا تسبیح بخوانید، وای آبایی که فوق آسمانهایید.
۵ نام خداوند را تسبیح بخوانید زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند.
۶ و آنهارا پایدار نمود تا ابد الابد و قانونی قرارداد که از آن درنگزیند.
خداوند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجهها.
۸ ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جامیآ ورید.
۹ ای کوهها و تمام تلها و درختان میوه دار و همه سروهای آزاد.
۱۰ ای وحوش و جمیع بهایم و حشرات و مرغان بالدار.
۱۱ ای پادشاهان زمین و جمیع امتها و سروران و همه داوران جهان.
۱۲ ای جوانان و دوشیزگان نیز و پیران و اطفال.
۱۳ نام خداوند را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنها متعال است و جلال او فوق زمین و آسمان.
۱۴ او و شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا نخر باشد برای همه مقدسان او، یعنی برای بنیاسرائیل که قوم مقرب او میباشند. هلولو یاه!

سرود تازه برای خداوند

- هلولو یاه! خداوند را سرود تازه بسرایید و تسبیح او را در جماعت مقدسان!
اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند.
۳ نام او را بار قص تسبیح بخوانند. با بربط و عود او را بسرایند.
۴ زیرا خداوند از قوم خویش رضامندی دارد. مسکینان را به نجات جمیل
میسازد.

- ۵ مقدسان از جلال نخر بنمایند. و بر بسترهای خود ترنم بکنند.
- ۶ تسبیحات بلند خدادرددهان ایشان باشد. و شمشیر دودمه دردست ایشان.
- ۷ تا از امتها انتقام بکشند و تادیبها بر طوایف بنمایند.
- ۸ و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند و سروران ایشان را به پابندهای آهنین.
- ۹ و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند. این کرامت است برای همه مقدسان او. هلولیاه!

تسبیح خدا

- هلولیاه! خدایا در قدس او تسبیح بخوانید. در فلک قوت او، او را تسبیح بخوانید!
- او را به سبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید. او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید.
- ۳ او را به آواز کرنا تسبیح بخوانید. او را با بریط و عود تسبیح بخوانید.
- ۴ او را با دف و رقص تسبیح بخوانید. او را با ذوات او تارونی تسبیح بخوانید.
- ۵ او را با صنجهای بلند آواز تسبیح بخوانید. او را با صنجهای خوش صدا تسبیح بخوانید.
- ۶ هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند. هلولیاه!

cxli

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f